

# مسائل بین المللی

مجله تئوریک و اطلاعاتی

شماره ۵ (۷۱)

آذر - دی سال ۱۳۵۳

۷۱

www.iranarchive.com

## فهرست مقالات این شماره:

عنوان	مؤلف	صفحه
۱ - در راه انقلاب سوسیالیستی	اریش هونکر	۱۳ - ۲
۲ - اهمیت بین المللی موفقیت های اقتصادی سوسیالیسم	دیپراول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان	۲۰ - ۱۴
۳ - اتحاد سوسیالیسم جهانی و جنبش آزاد دیمپن ملی	لیوبومیر اختر و گال	۲۰ - ۱۴
۴ - میان ملی صلح و منیت خلقها	کنفرانس علمی - تئوریک	۲۰ - ۲۱
۵ - سیاست ارضی لنین و تحقق آن در اتحاد شوروی	استفان افسوکی	۲۹ - ۳۱
۶ - فرهنگ و روشنفکران و طبقه کارگر	عضو بوروی سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی	۵۰ - ۴۰
۷ - دیالکتیک کا هنر تشنج بین المللی	فدور کولاف	۵۰ - ۴۰
	عضو بوروی سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی	۵۱ - ۵۶
	لوتی یا سو	۵۱ - ۵۶
	عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه	۵۶ - ۵۱
	یان براوسکی	۵۷ - ۶۲

## در راه انقلاب سوسیالیستی

اریش هونکر

دیپراول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان

هفتم اکتبر سال ۱۹۲۴، ۲۵ سال از تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان گذشت. رویداد های این ربع قرن بیانگر آنستکه تاریخ خلق مارا نوینی را می یابد که با گذشته تفاوت بنیادی دارد. زحمتکشان کشورها در جریان انجام انقلاب سوسیالیستی و ساختن سوسیالیسم تحت رهبری طبقه متحد کارگر و حزب مارکسیستی - لنینیستی آن در گرونیها بسیار عمیق در زندگی اجتماعی خود بوجود آوردند.

جمهوری دموکراتیک آلمان بمنزله کشوری استوار و نیرومند که از سیاست صلح و همبستگی ضد امپریالیستی پیگیر پیروی میکند به سالگرد بنیاد گذاری خود گام می نهد. دولت کارگری - دهقانی مابا اتحاد ناگسستی با اتحاد جماهیر شوروی و در حالیکه جزء جدائی ناپذیر جامعه کشورهای سوسیالیستی است بمقیاس همگانی بین المللی بر سمیت شناخته شد. در کشورمان نیز در پرتو نیروی خلاق طبقه کارگر و کارافتخار آمیز و قهرمانانه خلقی که از استثمار سرمایه داری رهائی یافته، بر تری و روحان سوسیالیسم بر سرمایه داری هر چه روشن تر آشکار میگردد.

هر یک از مراحل راه تکامل بیست و پنجساله مابا کار بسیار و مبارزه طبقاتی بی امان بر علیه امپریالیسم و ملیتاریسم مشخص میگردد. طی این سالها آن نیروها را اجتماعی جمهوری فدرال آلمان که میگویند ندها تا بوسائل نخستین کشور کارگری - دهقانی آلمان را از زمین ببرند باشکست بخشید. مواج گردیدند. بنیان گذاری جمهوری دموکراتیک آلمان و پیشرفت آن سهم مهم و ارزنده ای در تاریخ بشریت داشته است. در جهان بسود سوسیالیسم بود و امپریالیسم متجاوز آلمان را که در جنگ خاتمه بخشیدند. بهاکرد و بود بیشتر تضعیف نمود.

تجرباتی که ما از موفقیت های که بدست آوردیم در خود احساس میکنیم در ابتکارها و مساعی مردم زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان بمنظور تحقق پیگیر قرارهای کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان که اینک وظیفه ساختمان جامعه پیشرفته سوسیالیستی را در برابر خود دارد، نمودار میشود.

سالروز مهم جمهوری دموکراتیک آلمان در شرایط و محیطی تدارک میشد که بهتر از هر چیز آنرا مبارزه در راه تحقق برنامه اقتصادی ملی سال ۱۹۷۴ و عملی ساختن هدفمند آن بیش از میزان پیش بینی شده و همچنین تهیه برنامه سال آینده با احساس مسئولیت کامل توصیف میکنند. اهالی جمهوری دموکراتیک آلمان با اشکابه در سهای مبارزه ۲۵ ساله در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم با در نظر گرفتن هدفهای خود و حقوق بشری در راهی که کنگره هشتم حزب نشان داد، پیش میروند.

بهد ایتر و پیشرفت جمهوری دموکراتیک آلمان با پیروزی جهانی و تاریخی مردم اتحاد شوروی بر فاشیسم هیتلری ارتباط ناگسستگی دارد. در واقع ارتش شوروی در نبرد قهرمانانه که با قهرمانی های بی شماری توأم بود، خلق هایی را که در قید ظلم و اسارت امپریالیسم آلمان بودند آزاد کرد و باین ترتیب امکان تازه ای برای پیشرفت اجتماعی جهان بوجود آورد. در سرزمین های آزاد شده که از مد اخلاقی امپریالیستی در امان بودند شرایط مساعدی برای درگونیهای عمیق انقلابی که زمان انجام آنها فرا رسیده بود و ضرورت عینی داشتند پدید آمد. در جمهوری دموکراتیک آلمان و یکسلسله از کشورهای دیگر این امکان بوجود آمد که از نیروهای انقلابی که در نتیجه سرکوب فاشیسم آلمان آزاد شده بودند استفاده شود. باین ترتیب پیروزی اتحاد شوروی در جنگ کبریه یعنی و اعتلای پروتوان تمام جنبه های انقلابی هر از جنگ دوم جهانی پیروسی انقلاب جهانی را بد رجه نویی بالاتری ارتقا داد. جمهوری دموکراتیک آلمان از همان آغاز یکی از اجزای استوار و اشرف حرکت کنندگان فعال این پیشرفت انقلابی جهانی بود.

بر فرازی حکومت کارگران و کشاورزان در کشور ما و یکسلسله از کشورهای دیگر از همان آغاز با مقاومت شدید نیروهای طبقاتی مینرده، انحصار داران، زمین داران بزرگ و فاشیست ها و سوسیالیست های فعال روبرو گردید. این حکومت با جبهه واحد ارتجاعی ترین نیروهای امپریالیسم جهانی که با تمام جوساکن میگوشتند مانع پیشروی سوسیالیسم در مرکز اروپا نشوند نیز مواجه شد. در جریان چنین مبارزه طبقاتی موجودیت و پیشرفت جمهوری دموکراتیک آلمان تنها از طریق تحکیم پیگیر حکومت کارگران و کشاورزان و اتحاد خلق ناپایدیر نخستین کشور سوسیالیستی و حزب لنینیست میتوانست تامین گردد. بنیان گذاری و پیشرفت جمهوری دموکراتیک آلمان نقطه عطفی در تاریخ خلق ما و واقعه ای براهمیت در مقیاس جهانی بود. زیرا جمهوری ما که از طرف ما طبقه کارگر و سوسیالیست انقلابی آن رهبری میشد نخستین دولت آلمانی بود که سیاست ارتجاعی و ضد طبی دشمنی و تفسیر نسبت به اتحاد شوروی را برایشه کن ساخته بود. این حکومت از همان ابتدا سنن انقلابی و دوستی آلمان و شوروی را پایه و اساس سیاست دولتی خویش قرار داد. رفیق ویلهلم پیک نخستین رئیس جمهوری آلمان دموکراتیک اظهار داشت که: "حزب سوسیالیست متحد آلمان برای بنیاد عقیده است که مردم آلمان نباید مناسبات نوین و دوستی با اتحاد شوروی برقرار نمایند و بد بگره پیچیدگی در آلمان پیچیدگیات افترا آمیز بر علیه اتحاد شوروی نباید راه داده شود" (۱). روشن کردن چگونگی مناسبات ما با اتحاد شوروی برای حزب ما همواره مسئله بسیار مهمی بود. زیرا این مسئله برای پیشرفت و استواری و نیرومندی سوسیالیسم در خاک آلمان در درجه اول اهمیت قرار دارد.

این درس تاریخی که دوستی خلق ناپایدیر با اتحاد شوروی و مبارزه بر علیه آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم با مصالح تمام خلقها عمیقاً موافقت دارد تجارب ما را در این زمینه تأیید میکند. سیاست و باید تئوروی آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم همیشه و همه جا سیاست و باید تئوروی طبقه بود. است که تاریخ آلمان محکوم بزوال کرده و بیحیارت دیگر سیاست و باید تئوروی بتزل و عقب ماندگی اجتماعی بوده است.

بسی و پنجمین سالگرد جمهوری دموکراتیک آلمان در واقع تاریخ ربع قرن همکاری و همبستگی برادرانه با اتحاد شوروی و تمام خانواده سوسیالیستی خلقها میباشد. تمام دستاوردهای مهم ما شراکت برادرانه استواریمان زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان و خلقهای اتحاد شوروی و مناسبات گسترده دوستی میان حزب سوسیالیست متحد آلمان و حزب کمونیست اتحاد شوروی و انترناسیونالیسم پرولتری است. پیوستن به پیمان ورشو و شوروی تعاون اقتصادی و همچنین انعقاد

۱ - ویلهلم پیک، گزیده آثار، مسکو، بنگاه انتشارات سیاسی، ۱۹۵۶، ص ۲۵۸.

قراردادهای دو جانبه دوستی، همکاری و کمک متقابل مراحل عمده پیشرفت جمهوری دموکراتیک آلمان در جامعه کشورهای سوسیالیستی است. نزدیکی هرچه بیشتر میان جمهوری دموکراتیک آلمان و اتحاد شوروی در تمام رشته ها نظیر فعالیت های حزبی و دولتی و زندگی اقتصادی و فرهنگی اینک جهات اصلی پیشرفت مناسبات میان هر دو کشور را تشکیل میدهد. باین ترتیب اتحاد آزمون شد میان جمهوری دموکراتیک آلمان و اتحاد شوروی هرچه بیشتر گسترش می یابد. باین طریق هدفهایی که نشوید بزرگ و دیرگرم که کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مشخص کرد بواقعیت بدل میشوند. او گفت: "ما میخواهیم سیستم جهانی سوسیالیسم خانواده دوستی خلقهای باشد که مشترکاً جامعه نوی میسازند و از آن دفاع میکنند و متقابلاً گنجینه تجارب و دانش های خویش را غنی تر نمایند، خانواده متحد و استواری باشند که مردم روی زمین در سیمای آن نمونه جامعه مشترک جهانی خلقهای آزاد آینده را ببینند" (۱).

برای رسیدن به یک چرخش قاطع در تاریخ خلق ما لازم است که استعداد رهبری این جریان تاریخی در طبقه کارگر پرورش داده شود. این امر در درجه اول نیازمند غلبه بر انشعاب بود که سه امپریونیسم در جنبش کارگری بوجود آورده بود. با آنکه باین سخنان لنین که در کمینیم لنینیسم مهمترین مضمون هر چیز اثبات رسالت جهانی - تاریخی طبقه کارگر است کمونیستهای که از زند آنها فاشیسم بیرون آمده و با از مهاجرت بازگشته بودند وحدت طبقه کارگر را هدف اصلی فعالیت های خویش قرار دادند.

هدف و راه مبارزه انقلابی را کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان در بیانیه ۱۱ ژوئن ۱۹۴۵ نشان داد. در بیانیه نزدیکترین هدف تشکیل جمهوری ضد فاشیست و دموکراتیک با تمام حقوق و آزادی های رنجبران تعیین شده بود تا بد بوسیله راه برای رفتن بسوی سوسیالیسم هموار گردد. این سند مهم عملاً بکار بایه (پلاتفورم) اقدامات شواحد طبقه کارگر و ایجاد جبهه واحد تمام احزاب ضد فاشیست و دموکرات بدل گردید. رهبری مرکزی حزب سوسیال دموکرات آلمان طی بیانیه ۵ ژوئن ۱۹۴۵ خود از بیانیه حزب کمونیست آلمان بطور جدی پشتیبانی کرد. نهضت سند پیکانی که پر از ۱۳ سال اختناق زندگی و آزار سرگرفته بود در پرتو همکاری کمونیست ها و سوسیال دموکرات ها بر اساس بر اتحاد سندیگای مختلف بسا زمان واحدی تبدیل شد.

وحدت عمل کمونیست ها و سوسیال دموکرات ها از طریق تشریح متقابل مسائل نظری - سیاسی در مبارزه مشترک برای ایجاد یک نظام ضد فاشیستی دموکراتیک گسترش یافته و استوار گردید. این وحدت بخلقه اصلی وحدت تمام نیروهای ضد فاشیست و دموکرات بدل شد. بهمین دلیل مرتجعین و لیدرهای سوسیال دموکرات های راست تمام کوشش خود را در راه تضعیف وحدتی که تازه بوجسود آمده بود متمرکز ساختند. در اواخر سال ۱۹۴۵ و اوایل سال ۱۹۴۶ مسئله باین شکل مطرح بود: یا وحدت عمل در سطح عالیتر و وحدت کمونیست ها و سوسیال دموکرات ها در یک حزب واحد انقلابی مارکسیستی یا فقدان وحدت عمل و از هم پاشیدگی.

در چنین اوضاع و احوالی حزب کمونیست آلمان مبتکر وحدت کمونیست ها و سوسیال دموکراتها در حزب سوسیالیست متحد آلمان گردید. این وحدت در آوریل سال ۱۹۴۶ بر پایه برنامه پیگیر مارکسیستی جامعه عمل پوشید. هدف نخستین خواستهای این برنامه که از بیانیه ها و احزاب کمونیست آلمان (۱۱ ژوئن ۱۹۴۵) و حزب سوسیال دموکرات آلمان (۱۵ ژوئن ۱۹۴۵) مایه میگرفت ایجاد جمهوری ضد امپریالیستی و دموکراتیک بدون انحصار داران و مالکان بود. هدف دور

۱ - اسناد و مدارک بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی، مسکو، بنگاه انتشارات سیاسی، ۱۹۷۲، ص ۱۴.

این نهضت در برنامه ساختمان سوسیالیسم اعلام شده بود .  
 در آغاز زودت هتوزراه وهدف طبقه کارگر برای تمام بخشهای حزب کاملاً روشن نبود . ولی حزبی کمونیست آلمان باین نتیجه رسیده بود که پروسه روشنگری را در یکمیوتوان باصبر ووشکیانی درون احزاب متحد یاخرسانید . این نتیجه گیری درست ازآب درآمد ، رشد و تکامل سیاسی درونی حزب سوسیالیست متحد آلمان در جریان مبارزه برای انجام وظایف عمده ایجاد درگروههای ضد فاشیستی - درموکراتیک افزایش یافت و این حزب بقیاض روزافزونی پیشاهنگ آگاه طبقه کارگرشد .  
 برای رسیدن باین هدف فضا حزب ماکارستراک ایدئولوژیک انجام داد که درپرتوتجارب حزب کمونیست اتحاد شوروی تاحد قاطعی سبیل وساده گردید . بررسی راههای پیشرفت تاریخی حزب کمونیست اتحاد شوروی اهمیت غیرقابل تصور برای وحدت و همبستگی نظری و سیاسی حزب سوسیالیست متحد آلمان داشت . حزب ما درجریان ایدئولوژیک که چندین سال بطول انجامید بصورت اتحاد مارکسیستی - لنینیستی رزنده همسلکان و حلقه مستحکم جنبش بین المللی کمونیستی تشکیل یافت . علاوه بر فراگرفتن عمیق تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی ، درک عمیق لنینیسم که مارکسیسم در آن ماست شرایط عمده دسترس باین هدف را تشکیل میدادند .  
 این واقعیت که از لحاظ اول تا سیر جمهوری دموکراتیک آلمان حزب واحد مارکسیستی لنینیستی آنرا رهبری میکرد ثبات سیاسی چشمگیری به تکامل و پیشرفت کشور داد . بخودی خود معلوم است که در کشوری نظیر جمهوری دموکراتیک آلمان که طبقه کارگر اکثریت مطلق اهالی آنرا تشکیل میدهد وحدت طبقه کارگر بر پایه مارکسیسم - لنینیسم برای پیشرفت بیشتر حزب اهمیت خاصی دارد . ما باین سخنان لنین در باره خود تقاضا میکنیم که میگوید : " تمام موفقیت هایی که بدست آورده ایم نشان میدهد که ما به شکست ترین نیروها در جهان یعنی نیروی کارگران و کشاورزان متکی هستیم " ( ۱ )  
 نقش طبقه کارگر و حزب مارکسیستی - لنینیستی آن با هر مرحله از فرقیات اجتماعی افزایش میابد . هر قدر دامنه اقدامات تاریخی وسیع تر و ابعاد آن بزرگتر باشد همان قدر هم تعداد افراد ی که در آن اقدامات شرکت میکنند بیشتر خواهد بود و بالعکس هر چه درگروهها فیکه سخوا هم انجام دهم عمیق تر باشند همان قدر هم باید میزان علاقه و توجه و برخورد آگاهانه بد آنها را بالاتر ببریم ، و ملیونینها و ملیونینها افراد تازه و همپا ملیون افراد و بگروا بصورت انجام آنها متقاعد سازیم " ( ۲ ) . دلیل راسخ افزایش قانونمندانه نقش حزب مارکسیستی - لنینیستی بهنگام ساختمان جامعه سوسیالیستی در این واقعیت که لنین آنرا یکی از " عمیق ترین احکام مارکسیسم " ( ۳ ) نامیده نهفته است . این موضوع در مورد حزب ما نیز تمام و کمال صادق است .  
 کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان نقش اجتماعی طبقه کارگر را بدقت بیشتری مورد توجه قرار داد . در همین حال گاهی چند درجهت تحکیم و مقیمت کارگران در کشور ما برداشته شد . تدابیری بمنظور افزایش سهم طبقه کارگر از درآمد فزاینده ملی اتخاذ گردید که با مقیمت کارگران در اجتماع و در درجه اول در رشته تولید مطابقت میکرد . در سازمانها و مجامع نمایندگان خلق بر تمدن نمایندگانی که بلا واسطه در امر تولید اشتغال داشتند افزوده گردید . ساختار ( استروکتور ) اجتماعی - سیاسی حزب ما نیز بسود کارگزارانی که در تولید شرکت داشتند بهبود یافت .  
 لیاقت و توانایی طبقه کارگر را در رهبری سیاسی ، ب موقع خود در تحکیم مستر اتحاد آن با طبقه کارگران و اعضای عضو و اعضای ها و در زحماتشان شهروده و پیشرفت هر چه بیشتر این اتحاد نیز آشکار شد .

۱ - لنین ، مجموعه آثار ، ( بزبان روسی ) جلد ۴۴ ، ص ۲۳۴ .  
 ۲ - جلد ۴۲ ، ص ۱۴۰ .  
 ۳ - همانجا

باین ترتیب کشاورزان ، نمایندگان روشنفکران ، پیشه وران و طبقه زحمتکشان در جریان ساختمان جامعه نوین توانستند قریحه و استعداد خود را بنفع تمام مردم بروز دهند .  
 حزب سوسیالیست متحد آلمان با تطبیق خلاق اصول لنینی سیاست اتحاد ها همکاری حزب طبقه کارگر را با احزاب دموکراتی نظیر حزب دموکرات مسیحی ، حزب لیبرال دموکرات آلمان ، حزب ناسیونال دموکرات آلمان و حزب دموکرات دهقانی آلمان که پهر از سال ۱۹۴۵ بدست آمدند گسترش داد . این همکاری که در جریان ایجاد درگروههای عمیق ضد فاشیستی و دموکراتیک بسر حد کمال رسید در دوران ساختمان سوسیالیسم نیز ادامه یافت و دامنه آن وسیع تر گردید .  
 تسریع در پیشرفت های علمی و فنی ، تطبیق فزاینده اسلوب های صنعتی در کشاورزی ، سیستم واحد آموزش و پرورش سوسیالیستی در شهر و روستا و یکسلسله عوامل دیگر اختلاف اساسی میان کارجمعی و کارفکری و میان شهر و روستا را بتدریج کاهش میدهد . این پروسه ها در همین حال وجود مشترک میان طبقه کارگر ، کشاورزان عضو تعاونی ها و روشنفکران سوسیالیستی را عمیق تر میکند . باین ترتیب ادامه ساختمان سوسیالیسم با پیشرفت مناسبات اتحاد طبقاتی همراه خواهد بود . طبقات و قشرهای جامعه ما در زمینه جهان بینی انقلابی طبقه کارگر بتدریج بیکدیگر نزدیک میشوند . وحدت سیاسی معنوی مردم هر چه بیشتر استحکام می یابد . در اینجا نیز این واقعیت که سوسیالیسم و کمونیسم در مرحله یک صورت بندی ( فرماسیون ) اجتماعی - اقتصادی هستند که نمیتوان میان آنها دیوار کشید ، اثبات میسرند .  
 پیشرفتات کامل جمهوری دموکراتیک آلمان این واقعیت را ثابت میکند که حزب طبقه کارگر فقط در صورتی قادر خواهد بود زحمتکشان را بد رستی رهبری نماید که قوانین عام انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم را راهنمای خود قرار دهد . در واقع همین موضوع است که تطبیق خلاق مارکسیسم - لنینیسم را با شرایط مشخص مبارزه و همچنین استفاده کامل از تجارب فنی جنبش جهانی کمونیستی و پیش از هر چیز تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی را ضروری میسازد . زیرا هر انقلابی در اوضاع و احوال مشخص بوقوع می پیوندد و بنابراین ویژگیها و اشکال خاصی خود را خواهد داشت . هیچ انقلابی تکرار دقیق انقلاب دیگر نیست . در اینجا درک عمیق ضمون اصلی هر یک از مراحل روند انقلابی برای تهیه استراتژی و تاکتیک علمی اهمیت فراوان دارد . تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی نقطه در دستگیری اصولی حزب ما ، بلکه دریافتن بهترین راهحل برای بسیاری از مسائل پراتیک هم بماند کمک و یاری کرد .  
 حزب ما با پیروی از تعالیم مارکس ، انگلس و لنین همواره مسئله حکومت را اساسی ترین مسئله انقلاب بشمار آورده است . پیشرفت جمهوری دموکراتیک آلمان بمانند یک دولت سوسیالیستی کارگران و کشاورزان نیز اهمیت بین المللی تئوری لنینی انقلاب را ثابت مینماید . در کشور ما نیز دوره گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم پروسه انقلابی واحدی را تشکیل میدهد . حزب ما بر رهبری طبقه کارگر موفق شد مبارزه و روزه درگروههای عمیق ضد فاشیستی و دموکراتیک را با مبارزه با خطر سوسیالیسم ارتباط دهد . با توجه مستقیم آنچه بدست آورده ایم و تجزیه و تحلیل دقیق سطح آگاهی توده ها ما گام بگام گذار از نخستین مرحله انقلاب به دومین مرحله آنرا تحقق می بخشیم .  
 تجربه ما این مطلب را ثابت میکند که سرکوب دستگاه دولتی کهنه بورژوازی در مرحله مبارزه ضد امپریالیستی و انقلابی دموکراتیک شرط تعیین کننده انتقال انقلاب به مرحله سوسیالیستی است . برقراری سلطه سیاسی طبقه کارگر یک اقداماتی و کوتاها مدت نیست . این امر در کشور ما در طول یک پروسه طولانی درگروههای انقلابی جامعه عمل پوشید . این پروسه نه با صلح و مسالمت بلکه در شرایط مبارزات شد بد طبقاتی که لا زمان سطح عالی آگاهی طبقه کارگر و تشکیل هر چه بیشتر دستگاه دولتی

جدید بود جریان یافت .  
 تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان در اکتبر سال ۱۹۴۹ به ایجاد حاکمیت دولتی که موفقیت شروع به انجام وظائف دیکتاتوری پرولتاریا کرد . بود منتج گردید . امپریالیست های خارجی و نیرو های ضد انقلابی داخلی با وجود خرابکاری و جاسوسی و تدارک "فراز جمهوری" و کوشش های مستقیم برای انحلال حاکمیت کارگری - دهقانی ماموق نشدند پروسه گذار از دگرگونیهایی ضد امپریالیستی و دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی را متوقف سازند .  
 باین ترتیب در کشور ما هم عوامل فوق العاده مساعد و هم یکسلسله شرایط بخرنج و مساعد از مختصات دوران گذار سرمایه داری به سوسیالیسم بود . اعتلای روند انقلابی جهانی در نتیجه پیروزی ارتش شوروی بر فاشیسم هیتلری ، حضور نیروهای مسلح اتحاد شوروی در جمهوری دموکراتیک آلمان و همچنین کمک برادرانه نخستین کشور سوسیالیستی و دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی شرایط مساعدی برای پیشرفت انقلاب سوسیالیستی بوجود آوردند . در همین حال ماناچار بودیم سوسیالیسم را در کشوری سازمان کشورهای امپریالیستی آنرا در محاصره دیپلماتیک و واحدی هم محاصره اقتصادی قرار دادند . پیروزی انحصاری در جمهوری فدرال آلمان با اتکا به نیروها اشغالگر امپریالیستی مناسبات کهن حاکمیت و مالکیت را احیا میکرد . نیروهای امپریالیستی جمهوری فدرال آلمان با پیوستن این کشور به پیمان آتلانتیک شمالی در درجه اول هدف از این بردن دستاورد های سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان را دنبال میکردند . ساختمان جامع منویں در جمهوری دموکراتیک آلمان که سالهای متداری با وجود مرزها آزاد با جمهوری فدرال آلمان امپریالیستی انجام میشد سعی و کوشش فراوان برای حفظ صلح در بخش بسیار مهمی از صحنه مبارزه میان سوسیالیسم و امپریالیسم لازم داشت .  
 مطابق با درک مارکسیستی - لنینیستی ملت مسئله ملی که کمونیست ها هیچوقت آنها را جدا از مسئله انقلاب سوسیالیستی در نظر نگرفته ایم ، ضرورت فاصله گرفتن پیگیر جمهوری دموکراتیک آلمان سوسیالیستی از جمهوری فدرال آلمان امپریالیستی پدید آمد . روز به روز هم اوت سال ۱۹۶۱ میلادی با اتحاد با کشورهای عضو پیمان ورشو امنیت مرزهای کشور کارگری - دهقانی خود را بطوری اطمینان بخش تامین کردیم . پس از این جریان آن بخش از نیروهای امپریالیستی که بکمک "جنگ سرد" تبدیل های نظامی و خرابکاری اقتصادی میخواستند جمهوری دموکراتیک آلمان را خفه کنند ، مجبور شدند با هشامی با طرف خود بنگرند و واقعیت را بپذیرند .  
 باین ترتیب از طریق استحکام سوسیالیسم و دفاع پیگیر از آن ماموق شدیم سهم مهمی در امرتای صلح در اروپا بدست آوریم . پیشرفت و تکامل جمهوری دموکراتیک آلمان با در بیکر این لنین سیاسی را نیز باید کرد که ملت های جداگانه هر یک بشکلی به سوسیالیسم میرسند . ولی برقراری حاکمیت سیاسی طبقه کارگر برای هر یک از آنها باید شرط تغییر نماید بر ساختمان و پیشرفت سوسیالیسم دانست و جوهر مشخصه دیکتاتوری پرولتاریا و وظائف اساسی آن که مارکس و لنین معلوم و مدلل ساخته اند و تجربه اتحاد شوروی نیز آنها را ثابت نموده برای تمام آنها ضروری و اجباری خواهد بود . در جمهوری دموکراتیک آلمان نیز وظائف عمده دیکتاتوری پرولتاریا عبارت بود از ایجاد جامعه سوسیالیستی و سوق دادن متحدین طبقه کارگر ، ملی این جریان ، با شکال سوسیالیستی تولید و زندگی ، پیشرفت دموکراسی سوسیالیستی ، درهم کوبیدن مقاومت طبقات استثمارگر و از گون شده و تامین دفاع نظام جدید و برابری دشمنان خارجی .  
 پس از پیروزی مناسبات تولیدی سوسیالیستی هم تحکیم حاکمیت کارگران و دهقانان بمنزله وظایف درجه اول ما باقی میماند . کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان با بخش کردن تسلاقی

کلیه سوسیال دموکرات های راست و تجدید نظر طلبان کمپروهاستند بکنک نظریات ضد سوسیالیستی تیشه بریشه دولت سوسیالیستی ما میزنند با نیرو قدرت بیشتری این موضوع را ثابت کرد .  
 کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان همچنین به تکمیل اصول و قواعد حقوقی و دولتی و پیشرفت هر چه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی نیروی محرکه تازه و پرتوانی بخشید . از ۱۲ میلیون افرادی که حق شرکت در انتخابات را دارند اینک ۲۰۰ هزار نفر بمنامندگی خلق در مجامع سازمانهای مختلف انتخاب میشوند و بیشتر از ۵۰۰ هزار نفر اعضای کمیسیون های ثابت و گروه های فعال وابسته بمنامندگی های خلق اند . بیشتر از ۳۰۰ هزار تن از اتباع کشورهای مختلف در دادگستری سوسیالیستی بر پایه کار اجتماعی انجام میدهند . تعداد بیشتری از زحمتکشان وظائف اجتماعی در احزاب ، سازمانهای توده ای و کمیته های جنبه ملی ، کمیته های والدین در مدارس و رباتوزی های کارگری - دهقانی بعهده دارند همه اینها منظره گسترده و گوناگون وزنده ای از دموکراسی سوسیالیستی بدست میدهند . زحمتکشان در تمام این ارگانها سازمانها بطور فعال و با آرا بودن تخصص انجام وظایف بمنامند و عبارت دیگر چرخهای واقعی حاکمیت را بگردن در می آورند . انتخابات سازمانهای خدمات ماهه سال جاری و فعالیت های خلق مردم به مناسبت تدارک جشن بیست و پنجمین سالروز تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان نشان دهنده این واقعیت اند که کشور سوسیالیستی پیش از هر چیز بسبب فعال بودن حزب و شرکت آگاهانه اتباع آن در انجام امور دولتی ، اقتصادی و اجتماعی نیرومند است .  
 ما بطور پیگیر اصل لنینی مرکزیت دموکراتیک پیروی میکنیم . در جریان این عمل افزایش کیفیت رهبری متمرکز دولتی و برنامه ریزی اهمیت قاطع دارد . ارگانها مرکزی دولتی و زنجیره شورایی و پیگیر جمهوری دموکراتیک آلمان ، پس از کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان ، بر پایه یکسلسله قوانین و تدابیر دیگر امکان یافتند بطورزی موثر تر مسئولیت خود را اعمال کنند . هر گاه گسترش دموکراسی سوسیالیستی بهنگام ساختمان و پیشرفت جامعه سوسیالیستی ضرورتی عینی است ، افزایش نقش دولت سوسیالیستی که بنیانگزارانده طبقه کارگر و تمام زحمتکشان است نیز در همین حال ضرورت پیدا میکند . پدید آمدن نظمی پیگیر دموکراسی و عدم توجه بمنامند بهی زحمتکشان را نباید تحمل کرد . مصالح مردم برای حزب ما معیار قاطع و بالاترین وظائف در تمام کارها است . دگرگونیهایی انقلابی از همان سالهای نخستین دستاورد های مهمی برای زحمتکشان در برداشت . تمام مناسبات مردم تعلق گرفت . زمین از آن کسانی شد که روی آن کار میکنند . حق کار و تحصیل و استراحت به مرحله عمل درآمد . برابری حقوق زنان و جوانان با مردان به حقیقت پیوست . زحمتکشان در همان دوران گذار سرمایه داری به سوسیالیسم آزادی ، حق تعیین سرنوشت و امکان پرورش و استفاده خلاق از نیروهای خود را تا حدی که تصور آنهم در شرایط سلطه سرمایه انحصاری از محال است بدست آوردند .  
 اما باید دانست که جامعه سوسیالیستی هم چیزی را برایگان نمیدهند . بر آورده شدن نیاز مندیهای مادی و معنوی و فرهنگی فزاینده زحمتکشان در درجه اول بمنامندگی مادی و فنی سوسیالیسم و سطح بازده کار ، فرا گرفتن دستاورد های انقلاب علمی و فنی و بکار گرفتن تمام ذوق و تجربه خلاق ، ابتکارها و آگاهی مردم وابسته است .  
 صنایع عظیم سوسیالیستی که پایه و شالوده قاطع اقتصادی سوسیالیسم است در پیرو تعلق یافتن تمام مناسبات به مردم و پیشرفت مداوم آنها ایجاد گردیده است . در روستاها ، در نتیجه ایجاد کشاورزی های تولیدی کشاورزی که در سال ۱۹۶۰ به پایان رسید ، مناسبات تولیدی سوسیالیستی برقرار گردید . در این ضمن ارزش و اهمیت جهانی بر طبقه کشورهای لنینی یعنی افکندن تولید ساده

کالا در شهروند و در مسیر تولید اشتراکی بر پایه مالکیت اشتراکی سوسیالیستی، با کمال وضوح نمودار گردید. باین ترتیب شالوده استوار اقتصاد اتحاد خلق ناپدید بر میان طبقه کارگر و طبقه کشاورزان تعاونی بی برزی گردید.

کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان با ارزیابی واقع بینانه موفقیت های ماهد فنی ای جدیدی را که آینده در دورنمای زندگی بشری شکل جامعه سوسیالیستی پیشرفته همانند با آتش شخص میکنند معلوم کرد. با پیشرفت روز افزون سوسیالیسم امکانات ما برای قرار دادن نیازمندی های مادی و معنوی و فرهنگی زحمتکشان در مرکز نقشه های اقتصاد و آنهم یاد قوتوروشنی بیشتر افزایش می یابد. همین موضوع امکان فراهم می آورد تا شرایط مساعد تری برای پیشرفت همه جانبه شخصیت سوسیالیستی بوجود آورده شود. ارتباط متقابل عینی میان پیشرفت تولید و برآوردن نیازمندی های زحمتکشان که بنزله قانون اصلی سوسیالیسم مشخص گردیده است، اینک هر چه روشن تر و بلا واسطه نمودار میگردد.

کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان با توجه باین موضوع وظیفه خود را "اقتصاد را" بالا بردن هر چه بیشتر سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم بر پایه پیشرفت هر چه سریع تر تولید سوسیالیستی، افزایش شمول بخشی آن، پیشرفت علمی و فنی و افزایش بازده کار اعلام داشت (۱). این وظیفه اصلی که با نتیجه گیری های بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و هدف های دیگر احزاب برادر همطابقت دارد، هسته اصلی سیاست اقتصاد و مارا تشکیل میدهد و در همین حال ماهیت بشری و ستانه سوسیالیسم و کمونیسم را نشان میدهد.

هدف های اجتماعی و زمینه اقتصادی آن در انجام این وظیفه با یکدیگر ارتباطی ناگسسته می دارند. موفقیت هایی که در پیشرفت شیوه زندگی سوسیالیستی بدست آمده با افزایش مستمر شمول بخشی کارکنان است. حزب ما با توجه به گرایش های کلی پیشرفت و اوضاع و احوال مشخصا اقتصاد در جمهوری دموکراتیک آلمان افزایش تولید را با قطعیت راه اصلی بدست آوردن نتایج عالی تری تشخیص داد.

قدرت اقتصاد جمهوری ما در بر توجوه سیستم برنامه ریزی سوسیالیستی اقتصادی طی یک پانزدهمین قرن موجودیت آن واحد چشمگیری رشد و نمو کرد. در حالیکه بر تعداد افراد که در تولید مادی و اشغال دارند تقریبا هیچ افزوده نشده، درآمد ملی کشور از ۲۲۳ میلیارد مارک در سال ۱۹۴۹ به بیش از ۱۲۶ میلیارد مارک در سال ۱۹۷۳ فزونی یافته است. صنایع خلقی در سال ۱۹۷۳ با تولید فرآورده های صنعتی به میزان ۲۰۷۸ میلیارد مارک از حدود ۲۰۰ میلیارد مارک هم گذشت و این تقریبا ۱ بار از میزان سال ۱۹۴۹ بیشتر است.

پنجاه هشتمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان این امکان بوجود آمد که بر پایه موفقیت های پیشین امتدای بتوان تازه ای را آغاز کنیم که در جریان آن ثبات و تحرک ارتباط استواری با یکدیگر دارند. موافقت زحمتکشان با این سیاست موجب پیدایش موج نیرومند فعالیت دین و پر شوروی گردید که تمام کشور را فراگرفت. هر قدر مردم ضمن دیدن نمونه های بسیار حصول بهبودی در زندگی روزمره باین مطلب امتداد بیشتری پیدا کنند که کار از روی حسن نیت و وجدان شرفانی نیکبها را می آورند، همان قدر این موج فعالیت نیرومند تر میگردد. حزب ما باین موضوع توجه فراوانی مبذول داشت که بکلی جانانه های اقتصادی و اخلاقی به گسترش و پیشرفت صنایع مختلف کمک کند. این اقدام در جهت ابروی پیش از هر چیز نیاز به در نظر گرفتن دقیق قوانین اقتصاد سوسیالیسم بر مبنای قانون اصلی

۱ - هشتمین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان، مسکو، پنگاه انتشارات سیاسی ۱۹۷۴، ص ۲۰۹

سوسیالیسم و قانون پیشرفت متعادل و متناسب اقتصاد ملی داشت و در همین حال تمام سیاست اقتصادی را بر این شالوده باید استوار میکردیم. ارزیابی آگاهانه امکانات خود ما همان اطمینان بخش پیشرفت های آینده ما در تمام عرصه های زندگی اجتماعی است.

با آنکه به موفقیت های تولیدی ما ضمن انجام برنامه پنجمانه توانستیم بخش طابع و احلی برنامه اجتماعی را که کنگره هشتم به تصویب رسانیده بود عملی سازیم. برنامه تهیه مسکن هسته مرکزی تدابیر سیاسی - اجتماعی را تشکیل میدهد. در این برنامه ساختن، تکمیل و نوسازی ۵۰۰ هزار خانه طی سالهای ۱۹۷۵ - ۱۹۷۱ پیش بینی شده است. این برنامه با موفقیت انجام میشود. طی سه سال اخیر وضع مسکن نزدیک به یک میلیون نفر را هائی بهبود یافته است. مادر زاده ابریم که تا سال ۱۹۹۰ مسئله مسکن را در جمهوری دموکراتیک آلمان به طور کلی حل کنیم. سطح زندگی زحمتکشان در نتیجه افزایش حقوق بازنشستگی و دستمزدها و در بر توکلهای فراوان به جوانان و خانواده های که چند بچه دارند و در نتیجه تکمیل سیستم بهداشتی و ایجاد امکانات جدید برای استراحت تا حد زیادی بالا رفته است.

پس از کنگره هشتم ما در چهار چوب و بر پایه قانونمند و هماهنگ ساختن سوسیالیسم یکسلسله اشکال نوین انتقال به مناسبات تولیدی سوسیالیستی را با موفقیت آزموده و عملی کردیم. بعنوان مثال حزب سوسیالیست متحد آلمان در سال ۱۹۷۲ موقعی را برای تکمیل و استحکام مناسبات سوسیالیستی در مالکیت مناسب تشخیص داد و درآمد ۱۱ هزار مارک که بخش دولتی در آنها سهم بود، موسسات خصوصی صنعتی و ساختمانی و همچنین تعاونی های صنعتی از طریق خرید در آنها به مالکیت خلق درآید. این اقدام انقلابی به تحکیم چشمگیر مناسبات تولیدی سوسیالیستی و رشد تولید و افزایش میزان سودمند و آن انجامید.

چنانکه میدانیم یکی از احکام اصلی مارکسیسم - لنینیسم عبارت از این است که زندگی نواحی اجتماعی در سوسیالیسم شعور اجتماعی نوینی بوجود می آورد و این شعور نوین اجتهای نینزویه خود بطور فعال بر زندگی اجتماعی اثر خواهد گذاشت. ما در سالگرد جمهوری دموکراتیک آلمان با شادمانی و شایهات یاد آور میشویم که انقلاب سوسیالیستی در عرصه ایدئولوژی و فرهنگ، موجبات پیشرفت همه جانبه استعداد ها و ذوق و قریحه مردم را فراهم ساخت. ما باین سبب این موفقیت را بیشتر ارج مینهیم که بهر از ۱۳ سال موجودیت رژیم فاشیستی نه فقط ترمیم خرابی های جنگ ضروری و لازم بود بلکه بر طرف ساختن احوال و روحیه فاسد و منحل ملیتارسم، شوینیس، ناسیونالیسم و نژاد پرستی نیز ضرورت داشت. حزب ما بنا بگفته فرد رینر انگلس هر چه بیشتر موفق میشود: "استعداد زحمتکشان را برای تطبیق قوانین فعالیت اجتماعی خودشان با آگاهی کامل از روند کارها پیشرفت دهد تا باین ترتیب تاریخ خود را کاملاً آگاهانه خلق کنند" (۱).

این پروسه که از لحاظ وسعت میدان عمل بی سابقه است باین دلیل مهم توانست پیشرفت نماید که حزب ما از لحظه پیدایش توجه فراوانی به یاد دیگری سیستماتیک و همه جانبه ایدئولوژیک اعضا و کارگران خود مبذول داشته و میدارد.

بنا بریکه کلاس های مارکسیسم - لنینیسم بهتر بینی کردند قلبه به گمراهی بود و او را پس فرا گرفتن سنن انقلابی و میراث معنوی بشری و ستانه و ترویج ایدئولوژی سوسیالیستی همه از شرایط اولیه تکامل شخصیت افراد و اجتماعات سوسیالیستی است. کمک به رشد آگاهی سوسیالیستی و مبارزه با ایدئولوژی امپریالیستی، بهنگام تشکیل جامعه پیشرفته سوسیالیستی از وظایف داخلی

۱ - کارل مارکس و فرد رینر انگلس، آثار کامل، (بزبان روسی) جلد ۱۹، ص ۲۲۸ - ۲۲۷

و بیشتر بشمار می آید. علاوه بر این پیشرفت های ما در آینده در اتحاد استوار با اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی برادر در زمینه تشدید مبارزه طبقاتی با قیام جهانی توجه بیشتری به کار ایدئولوژیک را ایجاد می نماید. به همین سبب این کار همواره هسته مرکزی فعالیت های حزب بوده و خواهد بود.

چنانکه تجارب گذشته گواهی می دهد ماهیت انترناسیونالیستی سوسیالیسم در مرحله پیشروی بسوی جامعه سوسیالیستی پیشرفته کیفیت تازه ای کسب میکند. همکاری همه جانبه کشورهای برادر که در اطراف اتحاد شوروی متحد گردیده اند نزدیک تر و بیشتر تر میشود. این واقعیت که سوسیالیسم ارگانیکم زندگی و تحرک در حال پیشرفتی است که بطور صد اوم تکامل می یابد و تاثیر خود را در جریان وقایع بین المللی افزایش میدهد هر چه بیشتر روشن میگردد. در این میان زندگی مسائل متعدد در مطرح میکند که نیاز به بحث و مشورت جمعی و تعمیق تئوریک دارند. به انتقادات و توقعات جامعه انترنشنال حزب مارکسیستی - لنینیستی افزود میشود. در جریان همکاری خلاق شالوده استوارشی استراتژیکی که مشترکات تعیین گردیده و صحت آن بطریق علمی با ثبات رسیده اتحاد میگردد و بر پایه آن تدابیر سیاسی که به نزدیکی هر چه بیشتر مناقص مشترک کشورهای و خلقهای ما یکدیگر میکنند اتخاذ میشود. این موضوع در تمام جهات اصلی اقدامات مشترک آنها مانند همپوندی اقتصادی سوسیالیستی، سیاست هماهنگ داخلی، خارجی و دفاعی و فعالیت ایدئولوژیک - تئوریک صادق است.

هما نظر و تجربه جمهوری دموکراتیک آلمان نیز نشان میدهد هدف توفیق هماهنگ منافع ملی هر کشور سوسیالیستی با منافع عمومی و بین المللی سوسیالیسم یکی از شرایط اصلی تحکیم هر چه بیشتر جامعه کشورهای سوسیالیستی است و پیشرفت هر یک از کشورهای سوسیالیستی را تسریع میکند. حل مسائل

که در برابر کشورهای سوسیالیستی جداگانه و جامعه کشورهای سوسیالیستی بطور کلی قرار دارند نیاز به برخورد انترناسیونالیستی به تمام آنها داشته و چنین برخوردی را تسهیل میکند. همپوندی اقتصادی سوسیالیستی بر پایه برنامه هماهنگی که شورای تعاون اقتصادی در سال ۱۹۷۱ تصویب رساند در این رهگذر هموندی حلقه اصلی تحکیم سوسیالیسم جهانی در می آید. تسریع این پروسه را مابین از وظایف تعیین کننده دوران معاصر بشمار می آوریم.

در اثر پیوستن اقتصاد ملی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در خاشرت تازه ای مورد استفاده قرار میگیرد و بر نفوذ بین المللی آنان افزود میگردد. تکمیل هماهنگی برنامه ها، تهیه طرح های مشترک و از مدت پیشرفت رشته های مهم اقتصاد، گسترش سیستماتیک واحد های اقتصادی بین المللی و افزایش تعداد آنها، همه گامهای مهمی در راه انجام موفقیت آمیز وظایف اصلی هستند که احزاب برادر در مقابل خود قرار داده اند. همپوندی اقتصادی سوسیالیستی امکانات مساعدی برای بهم پیوستن برترهای سوسیالیسم با انقلاب علمی و فن بوجوب می آورد. ما برای تأمین منابع انرژی و مواد خام نیز مساعی خود را با کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی در هم می آمیزیم. جمهوری دموکراتیک آلمان با این منظور در امر سرمایه گذاری در کشورهای برادر و پیش از همه در اتحاد جماهیر شوروی شرکت میکند.

کار مشترک زمینشکل مناسب است همه جانبه با کیفیت نوینی را میان زمینکشان کشورهای ما فراهم می آورد. آگاهی اتحاد انترناسیونالیستی و درک این موضوع که این اقدامات مشترک هم قدرت جامعه کشورهای سوسیالیستی و هم امکانات هر یک از کشورهای سوسیالیستی را بطرح خیلی بالاتری ارتقا میدهد افزایش می یابد. کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان به مسئله تربیت انترناسیونالیستی اهالی جمهوری دموکراتیک آلمان توجه فراوانی مید و داشت. حزب ما تا بیخ جلسه مشورتی

دیران کمیته های مرکزی نه حزب برادر را که در دسامبر سال ۱۹۷۳ در مسکو فرارهای مهمی در مسائل مربوط به تعمیق همکاری در عرصه ایدئولوژیک تصویب رسانید، با دقت بررسی میکند. مبارزه با تمام انواع آنتی سوسیالیسم و آنتی کمونیسم خواهد طریقه امپریالیستی، خواه ماژولنیستی آن همواره یکی از وظایف بسیار مهم سیاست حزب ما است.

ما بنظر ايجاد شرایط مساعد خارجی برای ساختن سوسیالیسم و بخاطر پیشروی تمام نیروهای انقلابی در سراسر جهان کوششهای فراوان خود را در امتیاز صلح با دیگر کشورهای برادر تسوأم کردیم. هماهنگی در سیاست خارجی و تحقق مشترک آن را ما بمنزله پیروزی مهمی که باید خانواده کشورهای سوسیالیستی گردیده بشمار می آوریم. هدف در اول جمهوری دموکراتیک آلمان اینست که به تحقق کامل برنامه صلحی که در سیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی اصلاح گردید کمک نماید. جمهوری دموکراتیک آلمان با توجه باین مطلب برای آنکه مردم جهان بتوانند زندگی حال و آینده خود را بدون جنگهای امپریالیستی سر و سامان دهند در این مبارزه سهم سازنده و فعالی دارا می باشد.

جمهوری دموکراتیک آلمان همواره از نیروی عظیم کمکهای انترناسیونالیستی برخوردار بوده و خود نیز همستگي انترناسیونالیستی نشان داده است. اینکه ما موفق به درهم شکستن معاصر در بیلهاتیک امپریالیستی که در هجاسال بطول انجامید آگردیدیم و اگر جمهوری دموکراتیک آلمان انیک با ۱۱۱ کشور جهان مناسبات دیپلماتیک برقرار کرده و بمنزله عضو برابر حقوق در کار سازمان ملل متحد شرکت میوزد، همه پیش از هر چیز نتیجه کمک و همستگي است که اتحاد شوروی، دیگر کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای مترقی ابراز داشته اند.

ما با خرسندی میتوانیم تأیید کنیم که جامعه کشورهای سوسیالیستی در مبارزه در راه کاهش تشنج بین المللی و تأمین صلح استوار به نتایج بسیار مهمی رسیده است. در نتیجه ابتکارهای اتحاد شوروی در اروپا زمینه بسیار مساعدی برای ادامه درازمدت این مرحله صلح ایجاد گردیده است. تشنج بین المللی و حقوقی غیر قابل تغییر بودن مرزهایی که در نتیجه جنگ دوم جهانی پدید آمده طن قراردادها و موافقتنامه های فی مابین کشورهای با سیست های اجتماعی گوناگون (از جمله میان جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان) اساس امنیت و همکاری در قاره ما را بی رستخیز کرد و در همین حال استقلال جمهوری دموکراتیک آلمان را تحکیم نمود.

حزب سوسیالیست متحد آلمان بمنزله پیشاهنگ طبقه کارگر جمهوری دموکراتیک آلمان جزء جدانشدناپذیر جنبش جهانی کمونیستی است و از تمام گامهایی که بمنظور تحکیم هر چه بیشتر وحدت و همستگي سیاسی و ایدئولوژیک آن برداشته میشود، حمایت میکند. حزب ما مانند گذشته همواره طرفدار خلقهایی است که بر علیه تجاوزات امپریالیستی، استعمار و استعمار نو مبارزه میکنند. حزب ما در آینده نیز با تمام نیرو و وظایف انترناسیونالیستی خویش را انجام خواهد داد.

**اقتصاد رشته مزینت سازی است که در آن مسابقه و مبارزه بسیار در دسترس جهانی جهان دارد.**  
 موفقیت های اقتصادی کشورهای جداگانه سوسیالیستی و جامعه کشورهای سوسیالیستی در مجموع یکی از اساسی ترین منابع است که در ذهن و شعور توده های زحمتکش و در پیشرفت اجتماعی در جهان تاثیر میکند . لندن بتوقع خود اهمیت ایجاد زیربنای مادی یونانی جامعه نوی را که بر نیروهای تولید سرمایه داری برتری داشته باشد تصریح کرده است : " ما این مسئله را حل خواهیم کرد - و آنوقت بمقاسر بین المللی بطور قطع و برای همیشه برنده ایم " ( ۱ ) .

فاکت ها بر این گواهی میدهند که سیستم جهانی سوسیالیسم و پیش از همه بخش اصلی آن ، یعنی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی ، در جریان انجام این وظیفه موفقیت های غیر قابل انکاری نایل آمده اند . کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی که اغلب کشوری کشاورزی یا کشاورزی-صنعتی بوده اند ، بمقاسر تاریخ در زمان کوتاهی ، به مجتمعی با برتری بخش صنعتی و بازرگانی اعلا ی کار بدل گردیده اند . میزان تولیدات صنعتی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصاد به مقایسه با سال ۱۹۵۰ ، ۱۹۴۰ برابر شده است . جامعه کشورهای سوسیالیستی طی ۲۵ سال موجودیت شورای تعاون اقتصادی و از لحاظ سرعت رشد صنایع سه بار بر کشورهای پیشرفته سرمایه داری پیشی گرفته است . شورای تعاون اقتصادی بمنطقه صنعتی صبی از جهان بدل گردیده که سال بسال به پیروندی و اهمیت آن افزوده میشود .

شالوده علمی و پژوهشی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی پیش از اینک سوم قدرتمند علمی و پژوهشی جهان را بخود اختصاص داده است . در موسسات ماشین سازی آن تقریباً ۱۸ میلیون نفر بیشتر از تمام کشورهای اروپای غربی و ۲۰ بار بیشتر از ایالات متحده امریکا مشغول بکارند . صنایع شیمیایی که تقریباً سی میلیون نفر در آن کار میکنند ، با سرعت فراوانی گسترش مییابد و حجم تولیدات آن از سال ۱۹۵۰ تاکنون ۱۵ برابر شده است . کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی به عامل مهم ترقی علم و تکنیک جهانی که در دهه های انقلاب علمی و فنی در رشته های واجد اهمیت و همچنین در پیشرفت علوم اجتماعی تاثیر هر چه بیشتری میکنند بدل شده اند .

در کشاورزی نیز تغییرات بنیادی بوجود آمده است . در بریتانیا که سنتها تکیه اشکال تولید گسترده و بکار بردن پیچیده ستاورد های دانش بازرگانی کارور شد تولید سال بسال افزایش مییابد . بطور مثال ، تولید غلات با مقایسه با سال ۱۹۶۰ ، ۷۰٪ افزایش یافته است . این رانیز باید یاد آور شویم که نه در هم این افزایش بحساب از یاد برداشت محصول از هر هکتار بوده است . تولید گوشت هم پیش از اینک برابر نیم بالا رفته است . کشاورزی وظیفه اصلی خود را که عبارت از افزایش تولید مواد غذایی تا حد اکثر ممکن است با موفقیت انجام میدهد .

در برترت شد سریع تولیدات صنعتی و کشاورزی و همچنین رشته های دیگر شالوده مادی استوار پیشرفت بعدی اقتصاد ، بجزه از لحاظ کیفی ، رشد مداوم بازرگانی کار و تکمیل سیستماتیک ساختار اقتصاد بوجود آورده شده است .

در تکامل و پیشرفت سیستم جهانی سوسیالیسم نقش قاطع با اتحاد شوروی است . این کشور بزرگترین کشور جامعه کشورهای سوسیالیستی است و پیش از نصف توان اقتصاد تمام سیستم جهانی سوسیالیسم و تقریباً سه چهارم قدرت اقتصادی شورای تعاون اقتصادی بوی تعلق دارد . اتحاد شوروی مهم ترین و مشخص ترین بخش شالوده علمی و پژوهشی جامعه کشورهای سوسیالیستی را در اختیار دارد و در ساختمان سوسیالیسم فنی ترین تجربه را اندوخته است . بطور بزرگوارا

۱ - لندن ، مجموعه کامل آثار ( بزبان روسی ) ، جلد ۴۳ ، ص ۳۴۱ .

## اهمیت بین المللی موفقیت های اقتصادی سوسیالیسم

### لئو سرگوتسکال

عضویت رکیه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی و رئیس دولت جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی

ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم برای یک سوم از مردم جهان با موفقیت روزمره بدل شده است . تجربه نخستین کشور سوسیالیستی جهان آشکارا نشان داد که سوسیالیسم برای زحمتکشان شرایط زندگی تازه ای بوجود میآورد ، موجبات رشد سریع تولید مادی ، سطح زندگی و دانش و فرهنگ را فراهم میکند و محترم شناختن شخصیت افراد را تضمین مینماید . این در گرونیها ی صبی که با نقش قاطعی که اتحاد شوروی در پیروزی بر فاشیسم ایفا کرد ، براهیستشان افزوده میگردد . نمونه الهام بخش برای زحمتکشان دیگر کشورهاست . طبقه کارگر تحت رهبری حزب کمونیست خود ، حکومت پیروزواری را در برخی از این کشورها و از گون کرد و ساختمان سوسیالیسم را آغاز نمود . عامل اصلی انقلابی با کیفیت تازه ای که سیستم جهانی سوسیالیسم است ، در دوره تاریخ جهان بوجود آمده کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در زمانی نسبتاً کوتاه ، یعنی در روح قرن اخیر ، قدرتی اقتصادی خود را چند برابر کردند و میزان زیادی برون سیاسی - اقتصادی را پیش از افزودند و اینک در پیشرفت زندگی اجتماعی در سطح جهانی هر چه بیشتر تاثیر میکنند . رشد توان اقتصاد و پولی و فنی ، بالا رفتن سطح دانش و آگاهی اجتماعی و سیاسی زحمتکشان تکیه گاه استوار قدرتمند فاشی جامعه کشورهای سوسیالیستی ، مهار کننده نیروهای امپریالیسم جهانی است . تنها بکمک این عامل است که جامعه بشری از درگیری جدیدی بمقاسر جهانی رهائی یافت . همانطور که جلسه شورای احزاب کمونیست و کارگری سال ۱۹۶۹ مسکو نشان داد ، سیستم جهانی سوسیالیسم در جریان کوششی که برای حفظ صلح و استواری آن بعمل میآید ، در مبارزه ضد امپریالیستی و در پیکار طبقه کارگر و سایر زحمتکشان در راه آزادی ، در موکراسی و نظام نوبین اجتماعی به عامل قاطعی بدل گردیده است . کیفیت نوبین تاثیر سوسیالیسم کمتیاد در هر جامعه نوبین از پیشرفت آن میتوانست در مدت کسسال آشکار شود . در این فرض نمود امر میگردد ، عدده کثیری از کسانی هم که با اندیشه مارکسیسم انقلابی توافق ندارند ، ولی واقعتاً راهمان نظیر کمعصمی بینند ، بموفقیت های آشکار سوسیالیسم بدیده احترام بینگردند .

مارکس و انگلس در " مانیفست حزب کمونیست " نوشتند : " صبی برقرار از راه رکشت و کد از است ، شیخ کمونیسم " ( ۱ ) - پیروزواری انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر ، آنچه " شیخ " بحصا میآید بآرمان بیگانه راه رهائی استشارشوندگان و ستکشان سراسر کره زمین بدل گردید .

۱ - مارکس و انگلس ، مجموعه آثار ، جلد ۴ ، ص ۴۲۳ .



انترناسیونالیسم سوسیالیستی پیروی میکند. همکاری اقتصادی اتحاد شوروی با دیگر کشورهای سوسیالیستی مورد این واقعیت است. یکی از دلایل بیشتر بر اثبات این موضوع بطور مثال این است که اتحاد شوروی ثروت های طبیعی خود را در اختیار دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی قرار میدهد. اتحاد شوروی عامل تثبیت کننده تمام سیستم جهانی سوسیالیسم و تکیه گاه همکاری کشورهای سوسیالیستی و چنان شریک و همکاریست که کشورهای سوسیالیستی حتی در سخت ترین شرایط میتوانند بسیاری آن مطمئن باشند.

اقتصاد کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی با خصوصیات برجسته و آشکاری از اقتصاد کشورهای سرمایه داری متمایز میگردد. این خصوصیات، صرف نظر از ساختار ویژه اجتماعی و اقتصادی، از جمله عبارتند از: پیشرفت نسبی هدف معین و طبق نقشه و یاد ورنمای مشخص که همه با هم ضامن رشد مداوم و سریع اجتماعی و اقتصادی این کشورها هستند. این خصوصیات برای مسابقه دو سیستم اجتماعی - اقتصادی اهمیت اصولی دارند. رشد متوسط تولیدات صنعتی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی در سالهای ۱۹۷۲ - ۱۹۶۶، ۴۰ درصد بود، در صورتیکه این رشد در گروه کشورهای پیشرفته سرمایه داری ۳۷ درصد و در زیرگترین آنها، یعنی ایالات متحده امریکا فقط ۲۸ درصد بود.

مادر بخش کشاورزی پیشرفته سریع تری نسبت به کشورهای سرمایه داری بدست آورده ایم. همپوندی (انترکامیون) سوسیالیستی عالی ترین شکل همکاری کشورهای برادر راست. این اقدام با افزایش روابط متقابل اقتصادی، به تسریع نزدیکی تدریجی و برابری سطح پیشرفت اقتصادی کشورهای، دست یافتن به همگونی هرچه بیشتر آنها و ایجاد شرایط مسابقه دو سیستم جهانی با کیفیت نپوش کف خواهد کرد. گرایش " ایجاد اقتصاد جهانی واحدی که با برنامه مشترک از طرف پرولتاریای تمام ملل گیتی تنظیم میگردد. (۱) و نئین آنرا خاطرنشان ساخته بخصوص از طریق همپوندی می تحقق می یابد.

روند همپوندی اقتصادی سوسیالیستی معاصر، افزایش نقش هماهنگی متقابل برنامه ها و علاوه بر این، برنامه ریزی مشترک در چهارچوب تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی را لازم دارد. به همین دلیل در بیست و هشتمین اجلاس شورای تعاون اقتصادی (سال ۱۹۷۴) قرار تکمیل هماهنگی ساختن برنامه های پنج سال آینده و به تصویب رسید. اجلاس به مقررات ثابت برنامه مشترک پنجساله اقدامات چند جانبه همپوندی یاد ورنمای دراز مدت برای رشته های مهم تولیدی تهیه شود. از برنامه ریزی مشترک و همپوندی وضع آینده برای تامین نیازهای مشترک به انرژی، مواد خام و سوخت بقدر کفایت و برای مدتی طولانی و تکمیل ساختارهای (استروکتور) کشاورزی و تکمیل مجتمع های علمی - تولیدی بین المللی استفاده میشود.

اداره اقتصاد سوسیالیستی برنامه هدف معین باین ثباتی ها و تشنگات معین و فزاینده و خود بخودی در اقتصاد سرمایه داری که نظام سرمایه داری بطور مبنی از کنترل آنها جز است تعاضد می شود. سود متقابل، کمک دوستانه و برابری واقعی طرفین معامله از ویژگیهای همکاری اقتصادی کشورهای سوسیالیستی است. در حالیکه رقابت بیرحمانه، " کمک " مشروط به تعهدات سیاسی در مذاکرات با کشورهای در حال رشد و مبادله نامتعادل و استثمار از شخصیات نمونه وارد سیستم سرمایه داری است.

همکاری سوسیالیستی، استفاده از تجارب کشورهای پیشرفته تر برای بقیه کشورهای نارس میسازد و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی با ثبات تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی را تضمین میکند. برتریهای

همکاری اقتصادی سوسیالیستی در دوران اخیر در جریان بحرانهای انرژی، مواد خام و ورود ربحان سرمایه داری بطور واضح نمایان گردید.

سبب اصلی تاثیر موفقیت های اقتصادی سوسیالیسم در عقول و قلوب ملیونها انسان در سراسر جهان چیست؟ پیش از هر چیز این واقعیت است که در کشورهای سوسیالیستی دستاوردهای زندگی اقتصادی و اجتماعی بلاواسطه و طبق برنامه معین برای رفاه و سود انسانها مورد استفاده قرار میگیرد. در کدام نقطه دیگر جهان میتوان چنین سرعت بالا رفتن سطح زندگی، چنین سیستم بهداشت و بیمه ها، اجتماعی و آموزش و پرورش و این حد اعتماد بکار و زندگی و اطمینان اجتماعی که در کشورهای سوسیالیستی وجود دارد سراغ گرفت. مفهوم و مقصود تمام فعالیت ها در این کشورها زندگی مرفه و سعادت انسان زحمتکش، تکامل همه جانبه شخصیت وی و ایجاد محیط گسترده برای بروز استعداد های خلاق و صالح اوست، نه سود و منفعت عده ای انگشت شمار. همین امر نیز روشنگر برخورد آگاهانه وی بکار و شرکت فعال او در اداره امور اجتماعی است.

اهمیت تاریخی موفقیت های اقتصادی سوسیالیسم و تاثیر و اعتبار بین المللی آنها را فقط میتوان با تجسم آنها در زمینه وسیع تر اوضاع و احوال و مناسبات در جهان کنونی وارد پدگاه مسابقه و همکاری سوسیالیسم با سرمایه داری بد رستی ارزیابی نمود. وضع موجود تنها الحظه ای از پیشرفت مداوم است که در جریان آن تناسب نیروها در جهان بد ریح ولی بدون وقفه تغییر میکند. برار و برتری سوسیالیسم و میزان تاثیر آن در روند پیشرفت جهانی افزون میگردد.

اگر سوسیالیسم در نخستین مرحله موجودیت واقعی خود در انسانها پیش از هر چیز این است که سیستم های بی تمام معنی انسانی خود تاثیر میگرد، حالا بدلیل در اختیار داشتن شالوده های و فنی نیرومند که امکان میدهد در گرونیهای کیفی به سابقه بوجود آورده و زندگی اقتصادی را در تمام رشته ها سطح بالاتری ارتقا داد و موثر واقع میگردد و توده ها را انبوه زحمتکشان تمام قاره ها را هر چه بیشتر با موفقیت های مشخص خود جذب میکند. این کیفیت نوین اثر بخشی سوسیالیسم تمام و کمال، فقط در مرحله مبنی از پیشرفت آن میتواند نمایان گردد.

جنبش های ضد امپریالیستی و انقلابی معاصر، با هر قدر فی اعم از سوسیالیستی، دموکراتیک و یا آزاد بیختر ملی، به این بیان اندازه از اکثر کشورهای طرف نمون طبقه کارگر و احزاب انقلابی آن در دیگر کشورهایی که حاکمیت بورژوازی سرنگون گردیده الهام، نیرو و امید میگیرند. علاوه بر این، تمام کشورهای سیستم جهانی سوسیالیسم و اتحاد شوروی که نیرومند ترین آنها است، با توان همپوندی اقتصادی خویش تکیه گام مادی جنبش انقلابی جهانی هستند.

نقشر جامعه کشورهای سوسیالیستی در مبارزات دوران معاصر با طراح نیزین نظیر است. چندین سال است که در مناسبات بین المللی پروسه در گرونیهای مثبتی که نتیجه کوششهای خستگی ناپذیر و هماهنگی اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای برادر راست بوقوع می پیوندد. صلح و سوسیالیسم از یکدیگر جدا نشدند و سیاست خارجی اتحاد شوروی و کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی دلایل به شماری در اثبات این امر بدست میدهد. اما تنشها و اوضاع و احوال جدیدی که پیش از هر چیز در رهرو افزایش نفوذ جامعه کشورهای سوسیالیستی پدید آمده است، امکان میدهد تا از اصل لنینی همزیستی صلحآمیز، به مثابه اصل اساسی و دامن مناسبات میان کشورهای و خلقها، با موفقیت پیروی شود. تحقق برنامه صلحی که بیست و هشتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح ساخت و به برنامه امید بخش برای صد ها میلیون مردم صلح دوست سراسر جهان مبدل گردیده و نیز این راه شهود میرساند. هدف چنین سیاستی که پشتیبانی وسیع تمام کسانی را که در راه ترقی اجتماعی مبارز میکنند بخود جلب کرده، از بین بردن کامل و خاست بین المللی و برقراری مناسبات تفاهم

مقابل بین خلقها است .

این امر یک سلسله هواقب جدی در بر دارد که محدودیت با زهم بیشتر امکانات تجا و کارگر ترسین نیروهای امپریالیسم و تسریع تسرفی فزاینده در تمام جهات ارزشانه های کلی آنها است . سخن بر سر این است که برای همیشه انسانها را از خطر جنگ رهائی بخشیده ، راه همکاری خلقها را بسود تمام انسانها بدون درنگ رگرفتن اختلافات نژادی و ملی هموار ساخته و برای کوشش مشترک کشورها و خلقها در مراحل معضلات حاد اجتماعی ، اقتصادی و بشیره جامعه بشری شرایطی تازه مساعد ایجاد کرد .

اقتصاد ، یکی از عرصه هائی است که برای چنین همکاری در آن امکانات هر چه بیشتری فراهم میگردد . در این رشته نیز کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی راهنمای دیگر کشورها هستند . چنانکه رفیق برژنف ، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در نامه خود بمناسبت بیست و پنجمین سالروز تأسیس شورای تعاون اقتصادی تأکید نمود میتوان تردید نداشت که " نمونه روابط اقتصادی سوسیالیستی بین المللی تاثیر هر چه عمیقتری در مناسبات اقتصادی جهانسی خواهد داشت و به پایان بخشیدن به تبعیض و نابرابری ، مبادله نامتعادل که زائیده سیاست امپریالیستی و نواستعماری است کمک خواهد کرد " ( ۱ ) .

ما هم اکنون نیز شاهد این تاثیر هستیم . حقایق مربوط به مناسبات اقتصادی خارجی کشورها برادر با کشورهای غیر سوسیالیستی و هلاقی که از طرف کشورهای پیشرفته سرمایه داری به گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و از جمله با اتحاد جماهیر شوروی نشان داد میشود ، همه گواه بر این مدعا است . در جریان دیدار رهبران احزاب کمونیست و کارگری در ژوئیه سال گذشته در کریمه ، نقشی که همکاری اقتصادی کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری در پیشرفت مناسبات بین المللی میتواند ایفا کند تصریح شده است .

ما همانطوریکه نظریات خود را نسبت به سرشت سرمایه داری و آینده آن تغییر نمیدیم ، در مورد موضع طبقاتی نمایندگان سرمایه بین المللی نسبت به سوسیالیسم نیز دچار تصورات واهی نمیشویم . ما خوب میدانیم که امپریالیسم فقط هنگامیکه امکان واقعی برای استفاده از آنها و وسایل دیگر در مناسبات خود با کشورهای سوسیالیستی نداشته باشد و بشرطیکه مناسبات سالمتآمیز منافع مادیها بد بورژوازی کند حاضر بقبول روابط صلح آمیز میگردد . ولی ، این واقعیت هیچ تغییری در این اصل مسلم نمیدهد که همکاری بخودی خود شرایط مساعدی برای استواری هر چه بیشتر صلح فراهم میآورد سرمایه داران بعلت تغییرات معین اقتصادی و پدید آید وضع خاصی در جهان غیر سوسیالیستی مجبور به پذیرش برقراری مناسبات اقتصادی مادی با کشورهای سوسیالیستی شده اند . کشورهای سوسیالیستی ، ضامن استوار و معتبری برای برقراری مناسبات با برجا ، منظم و دراز مدت میباشد . کشورهای سوسیالیستی همواره این نیت خود را صراحتاً اعلام کرده اند که پشتیبان چنان مناسباتی هستند که برای هر دو طرف سود مند باشد . آنها امروز نیز بر سر این حرف خود ایستاده اند . کشورهای سوسیالیستی که نسبت به پیشرفتهائی علمی و فنی توجه خاصی مبذول میدارند ، هم طرفدار روابط بازرگانی معمولی هستند و هم از گسترش همکاری و تبادل استاندارد اختراعات و جواز ورود و صدور کالاها جانبداری میکنند .

همکاری اقتصادی کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری میتواند پایه و اساس مادی معتبر همزیستی سالمت آمیز باشد . البته ، تنها با این شرط که از چنان اشکال و شیوه های روابط متقابل

استفاده شود که با اصول همزیستی سالمتآمیز کاملاً مطابقت نماید .

موفقیتهای اقتصادی کشورهای سوسیالیستی در تمام جوانب زندگی اجتماعی در جهان تاثیر مثبت باقی میگذارد . تاثیر این موفقیتهای در طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری که وزن ترین عامل متشکل و انقلابی پیشرفت اجتماعی در جهان سرمایه داری معاصر است و تقوا اجتماعی آن در آینده نیز افزایش خواهد یافت ، در درجه اول اهمیت قرار دارد .

موجودیت جامعه کشورهای سوسیالیستی که از رشد و پیشرفت پرتحرکی برخوردار است ، برای طبقه کارگر زسرا در جهان ، در مبارزه با سرمایه داری دولتی - استعماری بمنزله پشتیبانی واقعی است . اندیشه های انقلابی و تجارب کشورهای سوسیالیستی و دستاوردهای اجتماعی آنها در مهارت اجتماعی طبقه کارگر و سایر قشرهای زحمتکشان کشورهای سرمایه داری که هر چه بیشتر خواسته های سیاسی و موکراتیک توأم میگردد با زتاب خود را خواهند یافت . سرمایه داران هم مجبورند این واقعیت را بحساب آورند . بهمین دلیل سوسیالیسم واقعا موجود نیز نقش خود را در تمام پیروزیهای طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری در مبارزه دروا حقوق خویش طی نیم قرن گذشته بدست آورده ، ایفا کرده است .

ارتجاع جهانی ، به سرداری محافل تجا و کار امپریالیستی میکوشد تا با انواع وسائل منابع پیشرفتهای اجتماعی گردد و با حداقل آبر و توقف سازد . اقدامات این محافل متوجه جنبه آزادی بخش ملی که دامنه گسترده آن ، پهن از جنگ جهانی دوم ، موجب از هم پاشدگی کامل سیستم استعماری امپریالیستی گردیده ، نیز میباشد . پدید آید در آنها کشور مستقل " جهان سوم " ، کسه کشورهای سوسیالیستی را مدافع و تکیه گاه طبیعی خود بشمار میآورند ، از نتایج پیشرفت روند انقلاب جهانی و از اجزا متشکله آنست ، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برادرانه فقط از ابزارات عادلانه آنها در آزادی ملی بطور ریست پشتیبانی کردند ، بلکه بهر از دست آوردن استقلال سیاسی نیز با آنها کشتی همجانانه و فزاینده مبذول میدارند . کشورهای سوسیالیستی همکاری متقابل و اقتصاد با کشورهای در حال رشد و کمک بآنها را وظیفه انترناسیونالیستی خود بشمار میآورند . این پشتیبانی از طرف جامعه کشورهای سوسیالیستی بدون قید و شرطی که حق حاکمیت آنها را محدود کند انجام میگردد و در آن سوز نیتی بمنظور استفاده از مشکلات اقتصادی کشورهای در حال رشد و صبره برداری بنفع خود وجود ندارد .

کشورهای سوسیالیستی در پرتو رشد اقتصادی مداوم و پرتحرک خویش امکان دارند دامنه این کمک را گسترش داده و عمیق تر سازند . تجربه فراوانی که کشورهای سوسیالیستی گرد آورده اند برای آن گروه از کشورهای آزاد شده که راه غیر سرمایه داری را برگزیده اند اهمیت زیادی دارد . در همان حال که در جامعه کشورهای سوسیالیستی ایجاد برابری سطح پیشرفت اقتصاد کشورهای دیگر ، امکان به موفقیتهای تحقق می یابد ، در جهان سرمایه داری شکاف میان پیشرفته ترین کشورها و اکثریت کشورهای دیگر عمیق تر میشود . شکاف عمیق سطح رشد اقتصادی و سرعت آن میان کشورهای پیشرفته سرمایه داری و کشورهای در حال رشد هر چه بیشتر افزایش می یابد . از این نقطه نظر نیز برتری شیوه سوسیالیستی تولید روز بروز آشکارتر میگردد .

برجایزه سوسیالیسم بمنزله نمونه ای برای حل معضلات زندگی زحمتکشان سراسر جهان هر ساله افزوده میشود . از همه آشکار تر و قانع کننده تر تاثیرش در تکامل همه جانبه نخستین و نیرومند ترین کشور سوسیالیستی - اتحاد شوروی است . اگر بخاطر آوری که روسیه تزاری در موضوع عقب ماندگان بسر میبرد ، هرگاه بیاد آوریم که مردم شوروی بارها فاجا شدند سلاح در دست از انقلاب و موجودیت کشور خویش دفاع کنند و پس از آن نیز در شرایط دشوار غیر قابل تصویری به ترمیم خرابیها

بهره‌آزندی، آنوقت عظمت کاری که مردم شوروی تحت رهبری حزب کمونیست انجام داده اند روشن‌تر می‌گردد. در این موفقیت‌ها کار آزاد که وضع و موقعیت طبقاتی و گروهی پرزحمتکشان را بطور بنیادی تغییر داد، آزاد مآگاهانه و خواست مردمی که خود اداره امور کشور خویش را در دست دارند و آیند و خود را بی‌رهبری می‌کنند متجلی گردیده است.

جامعه کشورهای سوسیالیستی برخلاف دنیای سرمایه داری که در آن بی ثباتی اجتماعی شدت می‌یابد، دستاوردهای تمدن منحصر به اقلیت ناچیزی است، گروه کوچکی افراد قدرتمند بسیاری اکثریت مردم حق زندگی قائل نیستند، یعنی برخلاف دنیایی که لبریز از تضادهای آشتی ناپذیر است، بجای همه بشریت و برنامه زندگی خوشبختی راهی نمایاند. این دورنما حاکی از اعتماد فراینده زحمتکشان به معیاش خود و زندگی اجتماعی، امکانات روزافزون تکامل شخصیت انسانها و پرورزگامی است. اعتمادها، اخلاق نوین و روحیه ای است که از خود بیگانگی و فرد پرستی را ریشه کن ساخته و جوانان مناسبات اجتماعی بوجود می‌آورد که در آن هراسناکی احساس می‌کند که تنها و منفرد نیست و مصروفیتی در جامعه انسانهای با حقوق برابر می‌باشد.

نقش الهام بخش سوسیالیسم در این واقعه‌های جلوه گر می‌شود که زندگی انسانها و پیشرفت اجتماعی در سبزه با حقانیت آید یسه های انسانی سوسیالیسم را با قاطعیت هر چه بیشتری تأیید میکند و اینک از فراز ساختمان بلند مرتبه سوسیالیسم معاصر و رونمای آیند و هر چه روشن تر چشم می‌خورد.

سوسیالیسم در تمام مرصه‌های زندگی بر نیروی جاذبه و نفوذ خود می‌افزاید. این امر تا حدی نیست. افزایش و رشد نیرو و نفوذ سوسیالیسم به تری آن بر سرمایه داری پدید آمده یعنی است و از قوانین بنیادی تکامل جامعه بشری سرچشمه می‌گیرد. در همان حال که شیوه تولید سرمایه داری دیگر عدتهاست نقش عامل پیشرفت تکامل بشری را از دست داده، سوسیالیسم نمایشگر مقتضیات دنیایی است. ما از تمام دلائل لازم برای خوشبین بودن و با اعتماد به آیند و نگرشستن برخورداریم. زیرا زمان حاضر بطرز مقتضی این اصل را تأیید میکند که کمونیسم آغاز دوران جوانی جهان است.

## اتحاد سوسیالیسم جهانی و جنبش آزادبخش ملی

همانطور که اطلاع داده شده بود در بغداد کنفرانس تئوریک علمی تحت عنوان: "اتحاد سوسیالیسم جهانی و جنبش آزادبخش ملی" که مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" با اشتراک جنبه شرقی ملی و صیقلی عراق تشکیل داده بود برگزار شد. در کارکنان کنفرانس هیئت های نمایندگی مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" و جنبه شرقی ملی و صیقلی عراق، نمایندگان احزاب کشورهای سوسیالیستی و نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری و احزاب و سازمانهای چپ شرقی و صیقلی پرست کشورهای آسیا و آفریقا و برخی از کشورهای امریکای لاتین شرکت داشتند. در این شماره مجله "مسائل بین المللی" سخنرانی رفیق زاروف، سردبیر مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" را که در این کنفرانس ایراد گردید، درج می‌کنیم.

سخنرانی زاروف گفت می‌شود مسائلی که برای مذاکره مطرح شده است نه در خلوت اطابق کار بلکه در گردهم جگانه ای انقلابی بر ضد امپریالیسم و در راه برقراری جامعه نوید می‌آیند. اتحاد کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و جنبش آزادبخش ملی در این جنگ ایجاد شده و توأم می‌یابد. همه شرکت کنندگان پیگیر و فعال مبارزات ضد امپریالیستی خوب میدانند که موفقیت های سیاسی و سرنوشت پیشرفت سرمایه داری تا حد زیاد به استلزام این اتحاد وابسته است. طبیعی است که این موضوع را دشمنان ما نیز در نظر می‌گیرند. دشمنان از سیاست سرمایه جهان با تمام وسایل می‌کوشند مانع از این شوند که کشورهای که از جنگ اسارت استعمار رها شده یافته اند به پیشرفت خود در راه مبارزات ضد امپریالیستی که بطور عمیق به مبارزه بر علیه تمام اشکال استعمار مندل میشود ادامه دهند. ایدئولوژی ها و سیاستمداران امپریالیسم بر آنند که از کشورهای در حال رشد بمنزله منبع "خون تازه" برای ارگانیک فرسوده سرمایه داری استفاده کنند و برای عقب انداختن نابودی حتمی سرمایه داری باین پدیده امید فراوان بسته اند. آنان برای ایجاد تزلزل در اتحاد کشورهای سوسیالیستی با جنبش آزادبخش ملی که از بونه آزمایش زمان بیرون آمده و تحکیم یافته سعی وافری میکنند.

شدت تحریکات و در اطراف مسئله اتحاد کشورهای سوسیالیستی و جنبش آزادبخش ملی در مجمع بین المللی و در مطبوعات و دیگر نشریات و احاد بودن تئوریک و سیاسی این مسئله نیز از همینجانب ناشی می‌گردد. می‌خواستم توجه شما را تنها به برخی از مسائلی که به این معضل بسیار بزرگ و مهم بستگی دارد جلب کنم.

بیش از هر چیز سخنی چند درباره درک علمی ماهیت اتحاد کشورهای سوسیالیستی و نیروهای

آزاد بیختر ملی باید گفت .  
 هنگامیکه مادر باره وجود چنین اتحادی و یاد باره تکامل و پیشرفت آن صحبت میکنیم چیه چیزی را در نظر داریم ؟ آیا این یک سیستم قرارداد های بین دول مختلف نیست ؟ آیا سخن بزرگ سرواقتنامه که در تقابلات فنی و طرفی که در اقدامات مشترکی در عرصه بین المللی در پیغ اند تنظیم گردیده نمیشد ؟ البته تمام اینها نوعی بیان اتحاد نیروهای سوسیالیسم و آزاد بیختر ملی است که لازمه آن مراعات تعهداتی است که طرفین بجمعه گرفته اند . ولی برخورد علمی ما بین سلسله چنان تجزیه و تحلیلی را ضروری میسازد که یاد رنژ و گرفتن این اشکال تجلی اتحاد را حاصل در جهت تشریح عمق مطلب و اهمیت آن باشد .

هنگام بررسی اتحاد کشورهای سوسیالیستی و نیروهای آزاد بیختر از این مواضع بنظر ما صحیح تر بود این نکته تصریح شود که مضمون اصلی و شالوده آن را تاثیر متقابل هر سه جزء تشکیل میدهد . واحد انقلاب جهانی که بطور عمیقی و طبق قانون پدید آمدن تشکیل میدهد . فاکت های تاریخی در روز نزدیک بسود این حکم تئوریک گواهی میدهد . بطور مثال حوادث اخیر بریتانیا را در نظر بگیریم . نیروهای مترقی این کشور به یک کدو تایی در موکراتیک دست زدند . مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر بریتانیا ، زحمتکشان و تمام مخالفان دیکتاتوری فاشیستی زمینه موفقیت آنها فراهم آورد . این نکته نیز روشن است که پیوستن ارتش بریتانیا به صفوف مردم یعنی واقعه ای که کار رژیم فاشیستی را بکسره کرد ، در اثر شکست های سختی که این رژیم در جنگهای متعدد در بر علیه مردم آفریقا متحمل شده بود نیل فراهم گردیده بود . باین ترتیب مبارزه مشترک در دو جنبه بر علیه دیکتاتوری فاشیستی استعماری و سرنگونی آن انجامید . این حادثه در خود کشور استعمارگر و بیتر آنکه به شکست قطعی خود بر دستمستمرات اعتراف کند زود داد . در ضمن بسا ارزشی عینی نقش برجسته مبارزات آزاد بیختر ملی خلقهای مستعمرات بریتانیا نمیتوان سهمی را که یکجانبی سیاسی ، اقتصادی و نظامی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در این مبارزه داشته بحساب نیاورد .

چنین است یک نمونه تازه و زنده ی تاثیر متقابل نیروهای انقلابی که از لحاظ طبقاتی و جغرافیایی متفاوت اند ولی بدلیل داشتن هدفهای مشترک و منافع مشترک در مبارزه بر علیه امپریالیسم ، ارتجاع وستم استعماری با وریعی متحد گردیده اند .

ایرواقعه باید بقرائونمندی عمومی را به اثبات رساند که از مدتها پیش ویشکی بارز در مهمترین رویدادهایی که تاریخ دوران مارا تشکیل میدهد و مراحل تحکیم نیروهای سوسیالیسم و آزادی ملی اند جلوه گر شده بود .

انقلاب سوسیالیستی در روسیه در اکتبر سال ۱۹۱۷ به سیستم فرمانروایی استعماری ضربه وارد ساخت و به تدریج شدن تمامی توده های زحمتکش کشورهای مستعمره به عامل فعال تاریخ جهان و نیرویی که پایه های امپریالیسم را متزلزل ساخت کند نمود . این عامل نمیتوانست به تثبیت پیروزی انقلاب و مساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی یاری نکند .

شکست فاحش فاشیسم آلمان و صلح تاریخ از این درجنگ دوم جهانی که سوسیالیسم در سیمای اتحاد شوروی در آن نقش فاعلی ایفا کرد ، موجب شد که تعداد کثیری از کشورهای ازاد ابره نفوذ سیستم سرمایه داری خارج شوند و مواضع امپریالیسم در سراسر جهان بشدت تضعیف گردد . در نتیجه این شرایط برای موفقیت انقلابی آزاد بیختر ملی در یکسلسله از کشورهای مستعمره آماده گردید . این نیز نمونه خود امکانات تازه ای برای تشدید فشار و نیروهای سوسیالیسم بر سرمایه فراهم میآورد .

پیدايش و تحکیم سیستم جهانی سوسیالیسم ، این نیروی عمده ضد امپریالیستی ، اوضاع جهان

را از بیخ و بن تغییر داد و واحد بسیاری از نیروهای فروریختن امپراتوریهای استعماری را در زیر ضربات نیرومند انقلابی آزاد بیختر ملی تسهیل کرد . این هم بنوبه خود برای تحکیم نیروهای سوسیالیسم در دیگر بر علیه قوای امپریالیسم اهمیت بسیار داشت .

بنابراین چنین نتیجه بدست میآید که در سبهای تاریخ گذشته و اوضاع موجود تاثیر متقابل سوسیالیسم و جنبش آزاد بیختر ملی و وحدت اشتراک منافع آنان را تأیید میکند .

ما مارکسیست - لنینیست ها در تجزیه و تحلیل تئوریک این معضلات به نظریه ای که ادامه میدهد و نهد های ناپذیری کار مارکس وانگلس ، یعنی لنین پیش راند و آنها بطور همه جانبه مدلل ساخت تکمیل میکنیم . عظمت کار سترگ لنین در این است که او در آغاز قرن اخیر یعنی پیش از نخستین انقلاب ظفر نمون سوسیالیستی ، هنگامیکه استعمارگران با قدرت تمام در مستعمرات خود فرمانروایی میکردند و از حاکمیت مطلق بر دوسوم از سکنه روی زمین برخوردار بودند اجتناب ناپذیری اعتلای مبارزات آزادی بیختر ملی و ضرورت درهم آمیختن آن با جنبش انقلابی پرولتاریا را به اثبات رساند .

لنین با تکمیل اندیشه های یانجان مارکسیسم در انطباق آنها با اوضاع و احوال تاریخی کله در نتیجه تبدیل سرمایه داری به امپریالیسم پدید آمد ، بود یکسلسله از مسائلی را که برای سرنوشت انقلاب جهانی و مجموعه پیشرفت های اجتماعی اهمیت اصولی داشتند ، بشکل تازه ای مطرح ساخت . این مسائل کدامند ؟

لنین جنبش آزاد بیختر خلقهای مستعمرات و کشورهای نیمه مستعمره را جان نیروی اجتماعی سیاسی ارزایی کرد که پیروازی جهانی در آخرین تحلیل نمیتواند در مبارزه طبقاتی با پرولتاریا بدان تکیه کند .

لنین این مسئله را با اثبات رساند که جنبش آزاد بیختر ملی با وجود ترکیب اجتماعی متفاوت خود و دارا بودن تضادهای درونی معینی از قدرت انقلابی عظیمی برخوردار است و در مبارزه انقلابی جهانی نیروی فعال مستقلی است ، به همین سبب هم مناسبات پرولتاریا و نیروهای سوسیالیسم نسبت بدان تنها بر شالوده تاثیر متقابل و اتحاد نمیتواند استوار گردد .

لنین نشان داد که مبارزه خلقهای ازاد از انبوه امپریالیسم نه فقط دارای مضمون ملی است ، نسبتا با انگیزه دموکراسی بهر اوضاع توأم است بلکه انگیزه بر علیه سرمایه داری و امپریالیسم معطوف میگردد . (۱)

لنین بطریق علمی با اثبات رساند که در اوضاع و احوال تاریخی نوین این امکان پدید آمدن است که خلقهایی که از بوع استعمار رهایی یافته اند بدون گذراندن مرحله پیشرفت سرمایه داری بسلا واسطه بسوسیالیسم میتوانند گام نهند .

لنین تصریح نمود که هنگام برخورد بمسئله ملی - مستعمراتی اعتراف ساده به حق ملی در تعیین سرنوشت خویش و قناعت بدین اصل برای مارکسیست ها کافی نیست . همچنین لازم است که در عمل بی قطعیت کامل خواه از لحاظ اخلاقی و معنوی و خواه از لحاظ مادی از انضام انقلابی جنبشها آزاد بیختر ملی پشتیبانی کرد (۲) .

ما عمیقاً اعتقاد داریم که این یگانه برخورد علمی هم برای درک مسئله ملی - مستعمراتی و هم خصلت انقلاب سوسیالیستی جهانی که لنین برای نخستین بار جنبش آزاد بیختر ملی را نیز از نیروهای محرکه آن بشمار آورد ، بوده و هست .

(۱) - لنین ، مجموعه کامل آثار ( بزبان روس ) جلد ۴۴ ، ص ۳۸ .  
 (۲) - بمجموعه کامل آثار لنین ، جلد ۲۷ ، ص ۲۶۱ رجوع کنید .

اندیشه‌ها و نین در تعاریف روشن مبارزه را بروی خلقیاتی که در راه آزادی ملی و اجتماعی مبارزه میکنند گشود و شاملوده اطمینان بخش علی - تئوریک و سیاسی برای استحکام اتحاد پرولتاریای کشورهای سرمایه داری با نیروهای آزاد بیختر ملی در مرحله نخست طبقه کارگر حاکم کشورها سوسیالیستی با خلقیاتی کشورهای در حال رشد ، و در درجه اول با زحمتکشان این کشورها را در مرحله بعدی بدست داد .

ایده اصلی این اتحاد جزئی از استراتژی لنینی اتحاد های گسترده پرولتاریایستی نیروی که در صف مقدم انقلاب جهانی قرار دارد با تمام نیروها ضد امپریالیست است و این یعنی استراتژی که در چهارچوب ملی و دولتی محدود نمیشود بلکه دامنه آن تمام پروسه انقلاب جهانی را شامل میگردد .

جلسه مشاوره بین المللی احزاب کمونیست و کارگری سال ۱۹۶۹ با توجه به اندیشه های عمیق لنین تصریح نمود که : " تحکیم اتحاد میان سیستم سوسیالیستی ، کارگران و جنبش های آزاد بیختر ملی برای آینده مبارزه ضد امپریالیستی در درجه اول اهمیت قرار دارد " ( ۱ )

این مطالب بر همه معلوم است که بسیاری از لیدرهای سرشناس جنبش های آزاد بیختر ملی نیز با قاطعیت تمام در افرد ارتحکیم اتحاد با سوسیالیسم بوده و هستند . مواضع تئوریک آنها اغلب با مواضع مائاریست ها فرق دارد ولی نظریات آنان در باره اتحاد پرولتاریائی همانند یکدیگر است ، زیرا این نظریات را بیشتر برای درک عمیق ماهیت دوران تاریخی که مادر آن زندگی میکیم ، ارزیابی آگاهانه تناسب نیروها در عصره جهان ، نقش سیستم سوسیالیستی در مبارزه ضد امپریالیستی و تنها بر پایه تجزیه و تحلیل این عوامل جهانی یافتن بهترین شیوه ها و راهها می مبارزه بخاطر منافع ملی کشور خود متعین میسازد . چنین مواضعی در مبارزه برای آزادی ملی نتایج مثبتی داشته و خواهند داشت .

در همین حال - ( ما نمیتوانیم این نکته را خاطر نشان نسازیم ) که در برخی از محافل سیاسی با نفوذ کشورهای در حال رشد اغلب بگرایتر به پندار و کردار انواع دیگری بچشم میخورد که عبارتست از گرفتن تصمیم نه بر اساس تجزیه و تحلیل عینی پروسه هایلکه بر پایه انگیزه های تضاد فی - باهسا در این حالتخطرات فراوانی برای اتحاد بین المللی نیروهای انقلابی نهفته است . اما در صورتیکه مبارزان ملی تحت تاثیر چنین جویانهای بی پایه سیاسی و نظاری قرار بگیرند ، خا ریزگی خودشان را تهدید خواهد کرد زیرا چنین پدیده ای ناگزیر به از دست دادن مواضع در مقابل سرمایه داری بین المللی و امپریالیسم می انجامد . حال باید دید برای تعمیق درک علی ماهیت این اتحاد چه پدیده های تازه دوران معاصر را در تجزیه و تحلیل تئوریک آن باید در نظر گرفت .

بنابر ما بهترین آنها تفسیرات جدید در تناسب نیروها در جهان و نوسازی سیستم مناسبات بین المللی بمقتاس جهانی ، افزایش هر چه بیشتر مضمون اجتماعی انقلابی آزادی بیختر ملی و پدید آمدن تغییرات در استراتژی امپریالیسم و استعمار تئوریک شریک معاصر است .

اتحاد کشورهای سوسیالیستی و نیروهای آزاد بیختر ملی در محیط معین بین المللی موجود است . این اتحاد در زمین آنکروی آن محیط تاثیر میکند ، خود نیز تحت تاثیر تقابل آن واقع میشود . جامعه کشورهای سوسیالیستی طی دهه پانزده سال اخیر موفقیت های عظیم اقتصادی دست

( ۱ ) - " جلسه مشاوره احزاب کمونیست و کارگری ، مسکو ، سال ۱۹۶۹ " پراگ ، ادارات نشرات " صلح و سوسیالیسم " ، ۱۹۶۹ ، ص ۳۲ .

یافته است . همکاری اقتصادی کشورهای شرکت کننده در آن گسترش یافت و وحدت سیاسی آنها تحکیم پذیرفت . قدرت دفاعی و نظامی سوسیالیسم نیز افزایش یافت . تمام این عوامل موقعیت بین المللی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی را استحکام نمود و اعتبار و نفوذ سیاسی آنها را بی اندازه افزایش داد .

میتوانند بگویند که امپریالیسم هم طی این مدت بر قدرت اقتصادی و نظامی خود افزود است . این درست است ، ولی با وجود این موازنه کلی نیروها بسود سوسیالیسم و تمام نیروهای انقلابی تغییر پیدا کرده است . امپریالیسم دیگر قادر نیست مانند گذشته نیات تجاوزکارانه خویش را بدون مگافات علی سازد و به موفقیت در ماجراهای جنگی دل بندد . پیروزی خلق قبریان ویتنام و ضربات نیرومند اعراب بزیروی نظامی اسرائیل و نقشه های امپریالیسم در خاور نزدیک و شواهد بسیار دیگر گواهی صحت این مدعا است .

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در اوضاع و احوالی که تناسب نیروها در جهان بدین شکل تغییر یافته به فعالیت بی نظیر سیاسی دست زدند که اینک بطور وسیعی بنام تعرض صلح سوسیالیسم از آن نام میبرند . تغییراتی که در سیاست جهانی در نتیجه این تعرض حاصل شده به هیچ وجه بطور کامل با مفهوم " گاهرتشنج " مطابقت نمیکند . بنابر ما بسیار صحیحتر میبورد ، تصریح شود که سخن بر سر آغاز نوسازی بنیادی سیستم مناسبات بین المللی است . در واقع نیز مگر این فعالیت ها نقطه موجب گاهرتشنجی نظامی - سیاسی در اروپا و پدید آمدن نوسازی در مناسبات شوروی و آمریکا شده است ؟ خیر ، زیرا جامعه کشورهای سوسیالیستی مسافتی را هم از لحاظ دورنمای آینده و هم از نظر مقیاس وسیع تر مطرح میکنند . اینک در این جهت گوشه بعمل می آید که گاهرتشنج سیاسی با گاهرتشنج نظامی تکمیل گردد ، باین معنی که تدابیر حقیقتی بمنظور متوقف ساختن مسابقه تسلیحاتی اتحاد شود ، مبارزه در راه ایجاد سیستم اطمینان بخش امنیت جمعی تنها به اروپا محدود نگردد بلکه بقاسیای بعد ها بسراسر جهان گسترش داده شود ، جریاناتها سالم در سیاست جهانی با تکامل همکاریهای اقتصادی بین المللی استحکام پذیرند و بنابراین تا حدی صراحتا برابری مثل تحمیل قیمت ها و تمهیز در سیستم تعرفه و قرعه از مناسبات اقتصادی میان دولتها حذف شود . لکنید برزنف در سخنرانی خود در کنگره جهانی نیروهای طر فدار صلح تصریح کرد که : " خارج از سیستم مناسبات اجتماعی مبتنی بر همزیستی مسالمت آمیز نه بطور جدی میتوان معضلات آینده جامعه بشری را حل کرد و نه بسیاری از وظایف مهم دوران معاصر را با موفقیت انجام داد " ( ۱ ) .

طبعی است که هر قدر مناسبات سالم کردن مناسبات بین المللی با پشتیبانی فعال تری م طرف جنبش آزاد بیختر ملی کشورهای در حال رشد رو بر رو گردد موفقیت های حاصله از آن سریعتر و ششتر خواهد بود .

معضلات جدیدی وجودی نیز درست بمناسبت همین موضوع پدید میآیند . یکی از آنها بدین قرار است . میدانیم که امپریالیست ها مایلند به همزیستی مسالمت آمیز جهان مضمون و مفهومی بدهند که از جمله راه را بر اقدامات انقلابی رهائی بخش خلقها ببندد . سیاست خارجی سوسیالیسم که در زمین حال صلح دوست و طبقاتی است ، بعکس وظیفه خود را در این میبندد که تحت تاثیر پیشرفت تضاد های بین المللی را از مسیر خطرناک مقابله نظامی خارج سازد ، بلکه با متوقف ساختن نیرو های امپریالیستی تجاوزکار شریک مساعدی برای مبارزه طبقاتی زحمتکشان و انقلابیهای آزاد بیختر

( ۱ ) - روزنامه " پراودا " ۲۷ اکتبر سال ۱۹۷۳ .

فراهم آورد . مبارزه در راه دموکراسی و صلح عادلانه و مخاطرات پایداری انقلابی یکدیگر را نفسی نمیکند ، بلکه برعکس آنها را و طرف تعرض واحدی در سراسر جهان بر امریهالیم اند که یکدیگر را تکمیل میکنند .

کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در شرایط کاهرت تشنج نیز مانند گذشته عزم قاطع دارند از مبارزه خلقهای افریقا و آسیا بر ضد امپریالیسم و ارتجاع ، یعنی مبارزه ای که ، همانطور که میدانیم میتواند اشکال بسیار خرد و از جمله اشکال نظامی بخود گیرد ، پشتیبانی کنند . کمک اتحاد شوروی به خلقهای کشورهای عربی که از طرف اسرائیل و هندستان امپریالیستیش مورد تجاوز قرار گرفته اند ، یکی از نمونههای چنین پشتیبانی است . از طرف دیگر با استحکام مواضع بین المللی کشورهای آسیا و افریقا نقش و مسئولیت آنان در مبارزه در راه تحکیم و تعمیق کاهرت تشنج سیاسی بین المللی افزایش مییابد . ادامه مبارزه ضد امپریالیستی ضرورت دارد ، ولی این مبارزه را باید چنان ادامه داد که از طرفی نه فقط لطیفی به پروسه کاهرت تشنج وارد نیاید ، بلکه بسود تمام خلقها بیوزری آن افزوده گردد و از طرف دیگر به امپریالیسم امکان داده نشود تا با استفاده از موقعیت مواضع متزلزل خود را تثبیت کند .

مشخصه مهم دیگر در آن معاصر هارتست از عمیق تر شدن انقلاب های ملی و گذار آنها به مرحله ای که در آن بسیاری از جنبش های اجتماعی در کشورهای در حال رشد بدون اینکه سنگینی ضمد امپریالیستی خود را از دست دهند ، بهتر از پیش خصلت آشکارا طبقاتی بخود بگیرند . در خارج و در عمیق تر شدن مضمون انقلاب های ملی ، جریان قطب بندی اجتماعی نیز در داخل کشورهای در حال رشد انجام میگیرد و بسیاری از این کشورها تضاد های طبقاتی شدت مییابد . مبارزه رهائی بخش بخصوص در کشورهای که در تکامل خود سنگینی سوسیالیستی دارند ، هر چه بیشتر علیه مناسبات مبنی بر استثمار ، اتم از استثمار فئودالی و سرمایه داری ، متوجه میگردد . بدیهی است که این کار فقط در آنجایی انجام میگیرد که راه رشد غیر سرمایه داری نه فقط در حرف افلا میگردد ، بلکه علقان نیز اجرا میگردد .

یکی از گرایش های ناشی از این پروسه ای که در واقع جنبه عام بخود گرفته ، و به سرنوشت اتحاد نیروهای سوسیالیسم و جنبش آزادی بخش نیز مربوط است ، اینست که اشتراک هدفی سوسیالیسم و جنبش آزادی بخش ملی در مبارزه با امپریالیسم با منافع اجتماعی و طبقاتی آنها نیز تکمیل میگردد . در کشورهای که تحت رهبری دموکراسی انقلابی تحولات عمیق ضد امپریالیستی انجام میگیرد و تکامل اجتماعی آنها در جهت سوسیالیسم بوده و بخصوص آنچه که سهم است در آنها جنبه واحد مترقی ملی تشکیل شده است - پایه های اجتماعی و سیاسی وسیعتری بر این گسترش روابط با کشورهای سوسیالیستی بوجود میآید . گسترش روز افزون همکاریها اقتصاد ای این کشورها با جامعه کشورهای سوسیالیستی ، ایجاد روابط دولتی نزدیکتر و توسعه روابط حزبی میان آنها انعکاسی از این واقعیت است .

ولی در این حال نباید گرایش نوع دیگر از انبساط و برداشت ، در میان کشورهای در حال رشد تعداد کشورهای که تسلط اقتصاد و سیاسی بیوزری در آنها تحکیم مییابد ، کمینست . آنها این بدان معنا است که اتحاد این کشورها با سوسیالیسم در مبارزه علیه سیاست امپریالیستی بطور ناگزیر باید تضعیف شود و از میان برود ؟

چنین بنظر میرسد که حل صحیح این مسئله فقط در صورتی میسر است که این موضوع را در نظر گیریم که مسئله انتخاب راه آتی تکامل اجتماعی در بسیاری از مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق هنوز حل نشده است . برای حل این مسئله مبارزه طبقاتی و سیاسی حادی در جریان است که محور تمام

حیات اجتماعی کشورهای در حال رشد را تشکیل میدهد . ولی این مبارزه در شرایطی گسترش مییابد که هنوز وظایف تحکیم استقلال ملی ، سیاسی و اقتصادی در برابری این کشورها قرار دارد . طبقات مختلف و نیروهای سیاسی نمایندگانی را بر انجام این وظایف راه حل های مختلفی ارائه میدهند . ولی بهر حال تمام آنها راهی از رسته های وابستگی را نخستین هدف خود میدانند . بدیهی است سخن ، حتی طبقاتی که تضاد آشتی ناپذیر باهم دارند ، در مقابل با امپریالیسم دارای منافع مشترک هستند . بدینجهت است که محافل بیوزری کشورهای در حال رشد نیز در اتحاد با بزرگترین نیروی ضد امپریالیستی دوران معاصر ، یعنی سوسیالیسم دینفعند .

واقعیت ها حاکی است که تعداد روز افزونی از کشورهای در حال رشدی که بیوزری در راه آنها قرار دارند ، با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی روابط همه جانبه برقرار میکنند . آنها این بدان معنا است که بیوزری محلی شم طبقاتی خود را از دست داده است ؟ نه . آنها با هشیاری چنین حساس میباشند که ایجاد چنین روابطی با کشورهای سوسیالیستی با آنها در تأمین استقلال اقتصادی خود کمک میکند . بعلاوه بخبر قابل ملاحظه ای از بیوزری ملی میداند که فقط با اتکاء به اتحاد با کشورهای سوسیالیستی میتوان در تأمین تکامل سرمایه داری مستقل از امپریالیسم جهانی موفقیت بدست آورد . در اینجا میتوان چنین سئوالی مطرح شود : آنها اتحاد کشورهای سوسیالیستی با این قبیل کشورهای در حال رشد به باز تولید مناسبات سرمایه داری و توسعه دامنه عمل و نفوذ نظام سرمایه داری کمک نمیکند ؟ بدیهی است که بدون در نظر گرفتن ویژگیها و ویژگیهای مبارزه سوسیالیسم با امپریالیسم که تعیین کننده سیر عمومی تکامل جهانی است و نیز بدون در نظر گرفتن امکانات ضد امپریالیستی برخی محافل بیوزری کشورهای افریقا و آسیا نمیتوان باین سئوال پاسخ صحیح داد .

اگر ما محوطه شناختی را که کشورهای در حال رشد چه در هر صه بین المللی وجه در زندگی داخلی خود امروزه با آن مواجه هستند ، در نظر بگیریم ، عادلانه تر آن خواهد بود که بگوئیم مسئله مبارزه بخاطر انتخاب راه تکامل اجتماعی محور مناسبات این کشورها را با امپریالیسم تشکیل میدهد . چنین نتیجه ای از اینجا نیز حاصل میشود که انقلابهای ملی محتوی اجتماعی بهتر از پیش عمیقتری کسب میکنند و نیز استراتژی آنها نیز با امپریالیسم در مورد کشورهای در حال رشد در این او اخرد بنفخوش دگرگونی است .

دورانی که امپریالیسم میتواند استروکچور اقتصاد کشورهای عقبمانده را بامل خود تعیین کند و از رشد اقتصادی آنها جلوگیری ، برای همیشه سپری شده است ، اکنون امپریالیست ها به علت وجود تناسب جدید نیروهای جهانی ناگزیرند تا باین پر شور خلق های آزاد شده برای پیشرفت اقتصاد ملی خود در نظر بگیرند و خود را با آن د ساز کنند . از آن گذشته منافع خاص انحصارات جهانی نیز به علت بالا رفتن سطح تکنیک تولید آنها را و امیدارد دستگاه اقتصاد کشورهای را که این انحصارها میگویند همچنان آنها را بصورت باز فروش و عرضه سرمایه گذار خود نگه دارند ، در حد و زمینست مد رسنیز کنند . و نیز کاملاً روشن است که صد و سرمایه خواه از جرای دولتی و خواه از جاری خصوصی فراهم ساختن شرایط معینی را برای عملکرد سرمایه در این کشورهای اجاب میکند . اینهاست برخی از عواملی که امپریالیسم را امروزه از سرمایه داری تا به کشورهای در حال رشد اعتبار میدهد و کمک های فنی آنها برسانند .

هدف امپریالیست ها از این کمک های مالی و فنی همان حفظ کشورهای در حال رشد در مدار سرمایه داری جهانی است . مبنی اساسی سیاست امپریالیسم در قبایل کشورهای در حال رشد عبارتست از حفظ سرمایه داری در هر جا که ریشه دوانده و تقویت آن در هر جا که هنوز ضعیف است .

خلاصه اینکه استراتژی استعمار نو بهارست از کوشش برای محروم ساختن ملل مستعمرات سابق از آزادی انتخاب راه رشد اجتماعی . گنجه مسئله در همین است ، زیرا ملل کشورهای در حال رشد پس از احراز استقلال سیاسی اکنون درست برای نیل به آزادی در انتخاب راه رشد اجتماعی خود مبارزه میکنند .

از نظر گامها که میسریم - لنینیسم آزادی واقعی اجتماعی بدون آزادی کار از قید ممت سرمایه وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد . به همین جهت مارکسیست - لنینیست ها ایمان راسخ دارند که فقط سوسیالیسم پاسخگوی منافع حیاتی توده های مردم کشورهای در حال رشد است . ولی کشورهای سوسیالیستی جدا بر این عقیده اند که هر خلقی خود باید راه رشد اجتماعی خود را برگزیند . اما شرط بسیار مهم تاجین آزادی واقعی این انتخاب آنستکه امکان ارتجاع یا رجس یعنی امپریالیسم برای مداخله در امور این کشورها بعد اعلی محدود شود و سرانجام بکلی از میان برود . بنابراین استقلال ملی کشورهای در حال رشد باید رتنام جهات تحکیم باید و از جمله استقلال اقتصادی آنان نیز تقویت گردد .

گسترش دامنه همکاری اقتصادی وقتی میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد به تحقق این هدف کف میکند . اگر مجموعه موسسات و کارخانه های که با کمک مالی و فنی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در این کشورها ساخته شده یا درست ساخته شده است ، در نظر گرفته شود ، در مورد اثر بخشی این موسسات برای شالوده ریزی اقتصاد مستقل دارای رشد همزمانی جای تردید برای هیچکس باقی نخواهد ماند . بخش اساسی اعتبارات مالی و کمک های فنی کشورهای سوسیالیستی به رشته های تولید و مسائل تولید که بد رستی ستون فقرات استقلال آنها ناعید میشود ، اختصاص دارد .

جهان سوسیالیسم ضمن گسترش دامنه این قبیل همکاریها بر آنستکه هرگونه کمک دو چهره ای انقلابی بیکدیگر ، کمک بکجانبینیت بلکه کمک متقابل است که مواضع مشترک آنها را تحکیم بخشد و بنا بر این تناسب نیروها را در یک تاریخ علیه امپریالیسم بسوزد هر دو این امر را تقویت میکند . سنگاه تبلیغات بورژوازی برای بی اعتبار جلوه دادن این همکاریها تا آنها تکرار میکنند که میزان این همکاری در قیاس با روابط اقتصادی کشورهای سرمایه داری پیشرفته با بسیاری از کشورهای در حال رشد خیلی کمتر است . آری ، اگر فقط ارقام ملاک داری قرار گیرند ، این دعوی نیز صحیح از کار در میان آید ولی وقتی از جزئیات بخرنج حیات اقتصادی بین المللی سخن در میان است ، پیش از هر چیز باید به جنبه کیفی مطلب توجه داشت ، نه به جنبه کمی آن ، یعنی اینکه باید به اسلوب علم اقتصاد که ارقام را تجزیه و تحلیل میکند توجه داشت نه به شیوه های حسابداری . ماضی بررسی این مسئله از نظر گام علمی باید بتوانیم در پشت هر رقم واقعیت منافع طبقاتی و تضاد های اجتماعی - اقتصادی را در عرصه های علمی و بین المللی تشخیص دهیم .

این واقعیت گویای آنستکه اتحاد کشورهای سوسیالیسم و نیروهای جنبش آزادی بخش ملی هم در عرصه اقتصادی وهم در عرصه های دیگر بر پایه برابری حقوق و پشتیبانی مشترک روایت صرفه طرفین استوار است . این اتحاد از پدید آمدن هائی چون غارتگری استعماری که چون لکننگی در تاریخ مناسبات میان امپریالیسم و خلقهای آسیا ، آفریقا و امریکا لاتین برجاست ، فارغ است . این اتحاد هیچگونه وجه مشترکی با استثمار ندارد و حال آنکه انحصارات و بانکهای امپریالیستی هم اکنون نیز مالک هنگفتی بصورت سود و بهره اعتباری که از طریق دولتی بکشورها در حال رشد میدهند ، از این کشورها بیرون میبرند . نکته عمده ای که باید بدان توجه داشت آنست که امپریالیسم میکوشد و ضمنی پدید آورد که خلق های کشورهای در حال رشد در آینده نتوانند از این سیستم استثمار

بین المللی خارج شوند و حال آنکه هدف تمام سیاست سوسیالیسم بهارست از فراهم ساختن شرایط برای این کشورها که با استفاده از آن بتوانند از قید هرگونه ستنی آزاد شوند .

گروه دیگر مسائل به موانع و دشواریهای اختصاص دارد که تحکیم اتحاد نیروهای سوسیالیست و جنبش آزادی بخش ملی و پیشرفت آن بجزایر زیادی منوط به برانداختن آنهاست . به همین جهت باید تنها موانعی که امپریالیسم در راه این اتحاد پدید میآورد ، مورد توجه قرار بگیرد . این قبیل موانع را باید با واقعیت تمام فاعر ساختن برانداختن : در این زمینه هیچگونه اختلاف نظری نمیتواند وجود داشته باشد . در این زمینه باید به مطلب دیگری هم توجه داشت و آن شامل اختلاف نظر ها ، چه سیاسی و تفاهاتی است که در درون و جریان انقلابی پدید میآید و برانداختن آنها مستلزم آنست که از جانب ماکوشکها لازم بکار برده شود . این مسائل بطور عمده خصلت ذهنی دارند .

نخستین مسئله ای که در این زمینه پدید میآید عبارتست از ضرورت برخورد طبقاتی به اتحاد . چنین برخورد همیشه از هر چیزی که برده نمایی بنیادی و عام مبارزه اجتماعی یعنی هدفهای گنجه تحقق آنها زمینه عینی برای اتحاد نیروهای سوسیالیسم و جنبش آزادی بخش ملی فراهم میسازند ، ایجاد میکند . باید از مطلق ساختن اختلافات فرضی پرهیز جست . ناسیونالیسم تنگ نظر مغرض که اشتراک هدف قهارا نفی میکند به اتحاد میان کشورهای سوسیالیستی و جنبش آزادی بخش ملی کم بهما میدهد ، در ماهیت امر باید لویزی عمیقاً همین پرستانه نیروهای اصلی ضد امپریالیستی کشورهای در حال رشد نیز مخالف است و بنا بر طبیعت خود به پراگماتیسم بورژوازی گرایش دارد . این ناسیونالیسم برای مانورهای سیاسی ارزش مطلق قائل است و هدفهای استراتژیک انقلاب آزادی بخش را بدست فراموشی میسپارد و فقط برای نتایج آنی این مانورها ارزش قائل است . ضمناً بهیچوجه برایش مهم نیست که این نتایج با چه وسائلی بدست میآید و تا چه حد با منافع ملی دراز مدت مطابقت دارد و آیا اصولاً چنین تاکتیکی با اصول مبارزه ضد امپریالیستی هماهنگ هست یا نه ؟

همین ناسیونالیسم است که با عرضه داشت نظریات گوناگون میکوشد کشورهای در حال رشد را گام بر حسب بد علامت و گام بر حسب علامت دیگر در نقطه متقابل جامعه کشورهای سوسیالیستی قرار دهد . برای نمونه تئوری گذاشتن " سه جهان " را که برخی از محافل سیاسی آنرا به سطح استراتژی جهانی رسانده اند ، در نظر بگیریم . این تئوری با اصطلاح " جهان دوم " یعنی بزرگ آن دول استعمارگر و روزی امپریالیست ها را متحد " جهان سوم " اعلام میدارد که خلقهای مستعمر سابق را در بر دارد و در همین حال " جهان اول " یعنی بزم آن جهانی راه امریکا یا امپریالیستی وهم اتحاد شوروی سوسیالیستی - دوست وفادار نیروهای جنبش آزادی بخش ملی را در بر میگیرد - دشمن کشورهای در حال رشد اعلام میدارد . بدینسان تئوری منزه کشورهای را که درد و مسوی سنگر طبقاتی قرار دارند ، کنار هم قرار میدهد . و اما چگونگی موضعگیری در قبال خونخواری شلی امروز با وضوح خاص نشان میدهد که چه کسانی در واقعیت امریا امپریالیست آمریکا در یک سنگر قرار دارند . بهرحال این مطلب در مورد اتحاد شوروی بهیچوجه صادق نیست . . .

مهم ترین شرط اتحاد نیروهای سوسیالیسم و جنبش آزادی بخش ملی عبارتست از وحدت صفی کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد . این وحدت در کشورهای سوسیالیستی بصورت ایجاد جامعه کشورهای سوسیالیستی تحقق پذیرفته است . در همین حال من بعنوان یک کمونیست شوروی میگویم که روش رهبری حزب کمونیست چین ما بهیچایات تاسف است . رهبری این حزب در راه تحکیم سیاست دوستانه میان ملل کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد موانع بسزای ایجاد میکند .

در همان حالت حکیم صفوف خود جنبش آزاد بیشتر نیز حاضر اهمیت فراوان است . با وجود تمام بشریتی ها و ناممکنی واحد های مختلف جنبش آزاد بیشتر ملی بازتاب این نکته را فراموش کرد که انقلابی آزاد بیشتر امروز نیز وظایف دموکراتیک مشترک یعنی استقلال اقتصاد و تحکیم حاکمیت و نیز دشمن مشترک یعنی امپریالیسم را در برابر خود دارند . تحکیم واحد های گوناگون جنبش آزاد بیشتر ملی چه در درون هر کشور و چه در مقابل سرمایه سرمایه جنبش ، نیروی انقلابی اتحاد کشورهای سوسیالیستی و جنبش آزاد بیشتر ملی را تقویت می بخشد و موجبات تحکیم جنبه واحد ضد امپریالیستی را فراهم میسازد .

زارود و در پایان سخنرانی خود گفت :

قطب اتحاد استوار سیستم سوسیالیستی ، پایه کارگرجیان و انقلابیان آزاد بیشتر ملستس میتواند به هدف جهانی - تاریخی یعنی شکست قطعی امپریالیسم و رهایی اجتماعی سراسر جامعه بشری تحقق بخشد .

# مبانی صلح و امنیت خلقها

## استان الشوسکی

جمهوری سیاسی کمیته مرکزی حزب  
متحد کارگری لهستان وزیر امور خارجه  
جمهوری توده ای لهستان

همکاری نزدیک تر و تشدید بد فعالیت کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در زمینه سیاست خارجی یکی از خصائص وضع بین المللی در سالهای اخیر است . جامعه کشورهای سوسیالیستی بطور کلی نیرومند تر گردید و وحدت آن مستحکم تر شد . مناسبات چند جانبه میان تمام کشورهای بسراد ملی سالهای اخیر ، پیشرفت بیشتری کرد و فعالیت مشترک آنها به مرحله بالاتری ارتقا یافت . نتایج دیدارهای چند جانبه رهبران کشورهای ما در کریمه ، جلسات کمیته سیاسی مشورتی کشورهای عضو پیمان ورشو در ورشو و بیست و هشتمین اجلاس شورای تعاون اقتصادی در صوفیه و همچنین تماس های متعدد در دیدارهای دوجانبه چندی پیش ، همه اینها گواه صحت مدعای ما است . اتحاد و جبهه همیشوری سوسیالیستی که سیاست لنینی آن به شکل قاطعی به تاثیر فزاینده جامعه کشورهای سوسیالیستی در سر و قایع بین المللی و تحکیم صلح و امنیت کمک میکند ، در این جریان واقعا خلاق نقش فعال خاصی ایفا مینماید .

امکان و در عین حال ضرورت هماهنگی نزدیک سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی ، از بهر روی آنها از یک ایدئولوژی مشترک ، تطابق هدفهای اصولی پیشرفت اجتماعی و اقتصادیشان و از لزوم وحدت عمل آنها در پیکار با امپریالیسم ، مبارزه در راه صلح و امنیت ناشی میگردد . در قرارداد های دوجانبه دوستی و همکاری و همچنین در پیمان ورشو و تمهیدات بین المللی - حقوقی وجود دارد که کشورهای سوسیالیستی را موظف به مشورت با یکدیگر و هماهنگی ساختن سیاست خارجی خود میکند .

### هماهنگی سیاست خارجی میان کشورهای سوسیالیستی یکی از مهمترین عوامل تشدید همدان سبب نیز همدان سبب سوسیالیسم است .

کشور لهستان نیز مانند دیگر کشورهای سوسیالیستی برادر بر این عقیده است که پیشروان شدن اقدامات آن در عرصه بین المللی تا حد تعیین کننده ای وابسته به تعلق آن به جامعه کشورهای سوسیالیستی و همبستگی آن با اتحاد شوروی ، این نیروی اصلی سوسیالیسم و ترقی است . بموجب این هلال اصولیها به تطابق اقدامات خود در زمینه سیاست خارجی با اتحاد جماهیر شوروی بود دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی زیاد اهمیت میدهند .

اتحاد ، دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و تمام کشورهای برادر و عوامل اصلی امنیت ملی لهستان و پیشرفت و تکامل سوسیالیستی آن است . در هر توافقی تر نقش اتحاد شوروی و تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی در جهان ما قادریم سرعت روز افزون ساختن سوسیالیسم در کشور خود را حفظ کرده و نیز سیاست خارجی فعالی را دنبال نمائیم .



جهت اصلی فعالیت حزب بود و ملت ماد در عرصه بین المللی عبارتست از گسترش و تعمیق اتحاد برادرانه و همکاری نزدیک با حزب کمونیست اتحاد شوروی و خلقهای اتحاد شوروی . ما اعتقاد راسخ داریم که پشتیبانی از سیاست خارجی اتحاد شوروی جویا بوی منافع تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی است . جمهوری شوروی ای لهستان خوشنودن فراوان و پشتیبانی خود را از پیروان همکاری مسالمت آمیز میان اتحاد شوروی و ایالات متحد آمریکا برآزمی دارد . این پیروان تاثیر نیکویی در جهت اوضاع بین المللی دارد .

دیدار رفیق برژنف و دیگران کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در سال گذشته از لهستان و مذاکراتی که انجام گرفت ، همچنین گفتگوهای که در جریان دیدار در براول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان رفیق بزرگ از مسکو در ۱۹۲۳ صورت گرفت و هنگام دیدارهای چند جانبه در کریمه و ورشو نیز ادامه یافت و شرکت لئونید برژنف در جشن های پرشکوه صمیم سالگرد بنیاد گذاری جمهوری شوروی ای لهستان همه در مجموع در تعمیق روابط میان احزاب و کشورهای ماسیم ارزنده آید اشتند . این دیدارها و مذاکرات وجود وحدت نظر کامل در تمام مسائل گری سیاسی و امید طولی و یکدگر و کوشش در راه همکاری متقابل برپا به نزدیکی بیشتر را تأیید کردند .

در زمینه سیاست خارجی بطور مستقیم با رهبران شوروی مشورت بعمل می آید و ملاقاتهای مابا آندره گرومیکو ، عضو شوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و وزیر امور خارجه اتحاد شوروی یکی از نمونههای آنست .

اتحاد شوروی که بهر از ۷۰٪ کل فرآورده های صنعتی شوروی تعاون اقتصادی بدان تعلق دارد ، بزرگترین طرف معامله بازرگانی لهستان است . مناسبات مابا اتحاد شوروی شالود ما ستراژ ما را تشکیل میدهد و هدف آن بالا بردن نفق بازرگانی خارجی و تعمیق صنعتی کردن تخصصی کشور به تدریج و در حال هم تشریح به شرف اقتصاد است . روابط مابا اتحاد شوروی نه تنها در رشته های اقتصاد و سیاست بلکه در سایر رشته هانیز گسترش می یابد . بطور نمونه همکاری در عرصه اید طولی و میا حزب متحد کارگری لهستان و حزب کمونیست اتحاد شوروی پیشرفت میکند . ما از امکاناتی که بسرا ی تحصیل کارهای کشور در اتحاد شوروی وجود دارد ، استفاده میکنیم .

لهستان مناسبات خود را با دیگر کشورهای برادر نیز بطور همجانبه گسترش میدهد . مابا کمال خشنودی میتوانیم با آورتاسهای متعدد در سطوح مختلف ورشته های گوناگون با جمهوری دموکراتیک آلمان بشویم . کامهای جدی که موجب پیشرفت مناسبات در جنبه مسا خوا هدد شد برداشته شده است . ایجاد کارخانه ریسندگی با سامعی مشترک در زاووتس را میتوان نمونه ای از تعاون و همکاری در رشته صنایع بشمار آورد . ما مسافرت اتباع و کشورهای آید و در تشریفات گذرنامه ورود آید در مرزهای و کشورهای بطور مثبت ارزیابی میکنیم .

دیدار دوستانه هیئت های نمایندگی حزبی و دولتی برهبری رفقا بزرگ و پاروشویچ از جمهوری دموکراتیک آلمان در سال گذشته به گسترش چشمگیر ابعاد همکاری همه جانبه میان دو کشور کمک کرد . دیدار دوستانه چندی پیش هیئت های نمایندگی حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان برهبری دبراول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان رفیق هونکر ، واقعه پراهمیتی بود .

همکاری ما با همسایه جنوبی مان ، جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی بطور روز افزونی پیشرفت میکند . دیدار هیئت نمایندگی حزبی و دولتی جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی برهبری دبر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی ، رفیق هوساک در مارس سال جاری گام مؤثری در تعمیق دوستی سنتی میان احزاب و خلقهای ما و تحکیم روابط اقتصادی ، علمی و فرهنگی بود .

مناسبات برادرانه ما با جمهوری شوروی ای بلغارستان گسترش می یابد . هنگام دیدار رفیق ژوکوف ، دبراول کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان و رئیس شورای دولتی از لهستان موافقت نامه های دایره بین پیشرفت آتی همکاری و کشور در تمام رشته ها آماده و با عطا رسید .

علاقه دوستی سنتی استواری ما را با جمهوری شوروی ای مجارستان پیوند میدهد . در نتیجه دیدار رهبران کشور ما با رفیق گاداره دبراول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان تدابیری که برای تحکیم آن علاقه باید اتخاذ کرد مشخص شده اند .

مناسبات ما با جمهوری شوروی ای رومانی نیز در حال پیشرفت است . این مناسبات عرصه وسیع همکاریهای اقتصادی ، علمی و فرهنگی را در بر میگیرد .

در امر پیشرفت مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی موفقیت های بزرگی بدست آمده و تجارب گرانبهائی اندوخته شده است . ولی باید اعتراف کرد که در این عرصه هنوز امکانات فراوانی وجود دارد و در جریان پیشرفت آتی همکاری امکانات تازه ای در راه تعمیق این مناسبات برای ما فراهم خواهد آمد . قدرت روز افزون کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و کامیابی های آنان در راه ساختن سوسیالیسم خامن این امر است .

همکاری تحکیم کننده در تمام رشته های زندگی سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی کشور ما را بسنه جمهوری سوسیالیستی قدراتیو بوکوسلاوی می پیوند . دیدارهای متقابل و ملاقاتهای رهبران کشورهای ما و سامعی مشترک آنان در عرصه بین المللی نیزه این جریان کمک میکند .

ما طرفدارهای کردن مناسبات خود با جمهوری شوروی ای آلبانی هستیم و این مسئله در گزارش ۲۹ ماهه سال جاری به صمیم داده شد تصریح گردیده است . لهستان به سیاست خود برورای قاره اروپا نیز تحریک می بخشد . طی سالهای اخیر ما شاهد تعمیق مناسباتمان با کوبا بودیم که اینک به عضویت شوروی تعاون اقتصادی در آمده و دامنه همکاری خود را با تمام کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی گسترش میدهد . ما نمیتوانیم از کامیابیهای مردم کوبا و افزایش اعتبار بین المللی جزیره آزادی ، از جمله در امر همکاری لاتین و در کشورهای غیر متعهد دیگر قاره ها خرسند نباشیم .

دوستی و همکاری ما با جمهوری شوروی ای مغولستان با موفقیت پیشرفت میکند . در کشور ما سیاست اصولی و بر تحریک این کشور بدیده احترام میکنند .

لهستان از مبارزه خلق برادر ویتنام برضد تجاوز امپریالیستی پشتیبانی میکند . اینک ما دانسته دوستی ، همبستگی و همکاری با جمهوری دموکراتیک ویتنام را گسترش میدهم . سامعی مردم ویتنام بخاطر حفظ صلح و ترسیم خرابیهای جنگ احترام عمیق ما را بر میانه انگیزد . ما همبستگی خود را با مبارزه مردم ویتنام در راه مراعات کامل قرارداد پارسی و حق تعیین سرنوشت کشور خود ، اعلام میداریم .

پیشرفت مناسبات دوستی و همکاری با جمهوری شوروی ای دموکراتیک کره موجب خشنودی ما است . لهستان از سیاست جمهوری شوروی ای دموکراتیک کره در راه حفظ و تحکیم صلح در شبه جزیره کره و کوششهای آن برای وحدت تمامت آید کره برپا به اصول دموکراتیک و بدون دخالت از خارج پشتیبانی میکند .

بعقیده ما ، وحدت علمی که با انترناسیونالیسم پرولتری تحکیم پذیرفته و برپا به تفریق مناسبات مجموع سیستم سوسیالیستی با منافع کشورهای جداگانه ای که داخل در آنند ایجاد شده باشد شرط عدم مبارزه مؤثر با امپریالیسم و در راه صلح و امنیت بین المللی است . ما بر این عقیده ایم که سیاست کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی هر چه بیشتر هماهنگ باشد وحدت آنها هر چه مستحکمه تر همانند نیروی آنها بیشتر و نفق آنها در تثبیت تغییراتی که در عرصه بین المللی بد آمده

فعال تر خواهد بود. ما کاملاً با اظهارات رفیق پرویز دهبیرک کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در اجلاس ششمین مجمع عمومی توده ای لهستان در ۲ ژوئیه سال جاری توافق نظر داریم. اولاً: «امروزه آزادی اصول و اشکال آزمون شده همکاری چند جانبه میباشیم. ما تجربه اندوختیم و سازمانهای جمعی ما استحکام یافته اند. پیمان ورشو و وسیله موثر و مطمئن صلح و سوسیالیسم بعد گردید.»

اکنون دیگر بر همه آشکار شده است که این رسالت تاریخی به عهد و جامعه کشورهای سوسیالیستی نهداده شده است که متکرومگیرترین مبارزین ساقط بفرنج بین الطلی باشد که خواه در اروپا و خواه در دیگر مناطق کره زمین پدید میآید. کشورهای جامعه سوسیالیستی ما بر این موضوع واقفند که موثرترین وسیله که آنها برای حل این معضلات در اختیار دارند وحدت آنانست. خط مشی ما در جهت تحکیم این وحدت همان مطمئن است که توپخانهی که طی ۳۰ سال اخیر در اروپا در سرنگ بر سر برود اند و رآیند نیز کار صلح آسیر مردم این قاره را مختل نخواهند کرد. خط مشی جامعه کشورهای سوسیالیستی در جهت وحدت در زمین حال زمینهمی برای ایجاد سیستم کاملاً موکراتیک مناسبات بین الطلی است، به علاوه تشدید این وحدت در تمام زمینه ها و از جمله در زمینه سیاست خارجی سهم بزرگی در پیشرفت جریانها و گرایشهای مترقی معاصر و پیشرفت جنبش جهانی کمونیستی خواهد داشت.

رفیق کرک، دهبیرال کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان در جریان برگزاری سی و پنجمین سالگرد پیدایش جمهوری توده ای لهستان گفت: «ما افتخار میکنیم که سیمای اجتماعی - سیاسی لهستان توده ای و سیاست خارجی آن مردم این کشور را در ردیف نیروهای پیشاتصلح و ترقی در جهان امروز قرار میدهند.»

سیاست خارجی هر کشور سوسیالیستی با کسب نیرو و وحدت جامعه کشورهای سوسیالیستی هم ساقط کلی و هم مسائل شخصی را که با آن مواجه میگردد حل و فصل میکند. در ضمن حفظ حراسیت و تحکیم صلح برای خلقهای جداگانه و برای تمام جامعه بشری بصورت همه تری مسئله بقوت خود باقی است. کشورهای جامعه ما در ضمن تحکیم وحدت خود در مبارزه بر علیه امپریالیسم و سیاست تجاوزکاری، با تمام خلقها و نیروهای اجتماعی که از پیشرفت اجتماعی، استقلال و آزادی دفاع میکنند، همدوش و هم روزند. زندگی بطرز مقتضی نشان میدهد که همکاری نزدیک کشورهای سوسیالیستی در عرصه بین الطلی و وحدت سیاسی در مبارزه با خطر همدیگر فحای مشترکی که از ایدئولوژی سوسیالیسم و کمونیسم سرچشمه میگردد سهم ارزنده ای در امر دفاع از صلح و تحکیم آن داشته و موجبات عدم موفقیت اقدامات تجاوزکارانه محافظه نواستعماری و مصلحتپرستی و تحکیم اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای با نظامهای گوناگون اجتماعی را فراهم میآورند.

افزایش مداوم و مستمر نیرومند سیستم جهانی سوسیالیسم عامل قاطعی در مبارزات ضد امپریالیستی و ضد جنگ خلقها و تحکیم صلح همگانی است.

آرایش ساده نیروها بصورت سوسیالیسم و ترقی در جهان از طرفی مشروط به تاثیرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه کشورهای سوسیالیستی و از طرف دیگر مشروط به فعالیت روز افزون توده های انبوه مردمی است که از آرمانهای که آنان را با انجام کارهای خطیر دیگری بنام صلح فسران میخوانند الهام گرفته اند.

کوشش برای حفظ جامعه بشری از جنگ خانمان برانداز جهانی و تحقق رسالت تاریخی آزادی بخش جنبش کمونیستی و کارگری شالوده تعرض صلح کشورهای سوسیالیستی و مبارزه آنان در راه ترقی و پیشرفت اجتماعی است.

نیروی جاذبه چنین سیاست صلحجویانه ای بسیار زیاد است و این نیرو و گروههای گفیری از مردم سراسر جهان را به اندیشه های سوسیالیسم جلب میکند. سیاست همزیستی مسالمت آمیز کشورهای به مبارزات انقلابی طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری کمک میکند و سد نیرومندی برای جلوگیری از آغاز جنگ هسته ای از طرف امپریالیسم بوجود میآورد.

اصل لنینی همزیستی مسالمت آمیز کشورهای با نظامهای اجتماعی گوناگون که با بختگر نیست و چهارمین گنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی به تفصیل در برنامه صلح گنجانده شده است، به معنی استعاض از جنگهای تجاوزکارانه به نفع ابزار سیاست، مراعات حق خود مختاری، برابری، استقلال و عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر میباشند. این اصل در زمین حال برقراری همکاری سوسیالیستی برای هر دو طرف را در مناسبات کشورهای با نظامهای گوناگون اجتماعی نیز در نظر میگیرد.

ولی همزیستی مسالمت آمیز یعنی اعلام صلح میان طبقات نیست. همزیستی مسالمت آمیز نخبه تبارهای آشتی ناپذیرمان سوسیالیسم و سرمایه داری را از زمین نمیرد، بلکه در واقع نوعی مبارزه تاریخی دو سیستم متضاد است که در زمینه های اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک جریان دارد ولی در زمین حال برخورد مسلحانه میان آنان را منتفی میسازد.

در شرایط همزیستی مسالمت آمیز میزان فوق العاده بر اهمیت مبارزه ایدئولوژیک افزود میگرد و زیر نتایج این مبارزه بیشتر از هر وقت دیگر در خصلت و سرعت پیشرفت اجتماعی موثر واقع میشود.

تلفیق دستاوردهای انقلاب علمی و فنی با اصول سوسیالیستی سازماندهی اجتماع حاصل تسویع کننده نیرومندی برای پیشرفت است و شالوده مستحکم برای انجام عملی هدف های جامعه کشور های سوسیالیستی بوجود میآورد و این ترتیب پیروزی نهائی سوسیالیسم را در ریه کار طولانی و تاریخی با سرمایه داری پیشاپیش مقدم میسازد. این نظر خوش بینانه نسبت به آینده وحدت ایدئولوژیک - سیاسی جامعه کشورهای سوسیالیستی را به استوارترین وجهی تأمین میکند.

تعمیق پیرویه گاهنر تئوخی بین الطلی، افزایش واقع بینی در کشورهای سرمایه داری و ساختن بنای صلح استوار خواه در اروپا و خواه در دیگر قاره ها تنها در ریه و تحکیم وحدت بازمه بیشتر کشورهای سوسیالیستی امکان پذیر است. این شرط حیاتی فعالیت کشور ما در عرصه سیاست خارجی تشکیل میدهد.

مسئله حیاتی مهمی که در برابر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی از جمله لهستان قرار دارد عبارتست از ایجاد سیستم امنیت جمعی و بهبود مستمر اوضاع در اروپا. بسیاری از کشورهای سرمایه داری نیز بتدریج موضع جامعه کشورهای سوسیالیستی را در مورد این مسئله درک کرده اند. لهستان در دسامبر سال ۱۹۶۴ به دنبال ابتکار قبلی اتحاد شوروی پیشنهاد دعوت کنفرانس امنیت و همکاری اروپا را تسلیم سازمان ملل متحد نمود. لازم است گامهای مهمی را که کشورهای سوسیالیستی در این زمینه برداشته اند یاد آور شویم. این اقدامات عبارتند از: تصویب اعلامیه کمیته سیاسی مشورتی کشورهای عضو پیمان ورشو در ژوئیه ۱۹۶۶ در بوداپست، بیانیه کمیته سیاسی مشورتی در مارس ۱۹۶۹ در بوداپست و بیانیه کمیته سیاسی مشورتی در ژانویه ۱۹۷۲ در پاریس. کشورهای ما بطور فعال در جلسات مشورتی و مذاکراتی در هلمسینکی شرکت جستند. کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی طی سالهای دراز در این جهت میکوشیدند که با اشتراك تمام کشورهای اروپا به تداوم بر عملی دست بزنند که با ایجاد سیستم استوار امنیت جمعی انجامد.

بیانیه بوداپست کمیته سیاسی مشورتی دارای اهمیت خاصی بود. کشورهایی که در تصویب این بیانیه شرکت داشتند بطور خود ف برخورد های مسلحانه در اروپا، پیشنهاد گسترش دانشسه همکاری میان کشورهای این قاره را صرف نظر از نظام اجتماعی آنان و بر پایه اصول همزیستی مسالمت

آمیزانه دادند. بنابراین اعتقاد راسخ آنان مسائل حل نشده اروپا را باید بطریق صلح آمیز و از راه مذاکره حل و فصل نمود. بدین مناسبت، اعضای پیمان وورشو پیشنهاد خود را درباره دعوت کنگره اروپا برای بحث در اطراف مسائل امنیتی این قاره وارد پیکرتابید کردند. همکاری صلح آمیز تمام کشورهای اروپا، بنظر آنان، یگانه الگویی بود و تقوی در برابر درگیری خطرناک جنگی است. بهتر از آغاز تدارک همجانبه تشکیل کنگره است. رفق و فتی برخی از مسائل ضروری بود. بر رسمیت شناختن تغییرات پذیری مرزهای اروپا و از جمله مرزهای آلمان و لهستان و لیتوانیا - بالتیک از طرف جمهوری فدرال آلمان، صرف نظر کردن بن آزادی نمائندگی "تمام آلمان" و تثبیت موقعیت حقوقی و بین المللی جمهوری دموکراتیک آلمان، انقضاء جمهوری فدرال آلمان از سلاح هسته ای و ناچیز شدن قرارداد مونیخ از جمله این مسائل بودند. کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و از جمله لهستان حل و فصل این مسائل را شرط ضروری عادی شدن مناسبات در اروپا و ایجاد سیستم امنیت میدانستند.

قراردادهائی که اتحاد شوروی و لهستان در سال ۱۹۷۰ با جمهوری فدرال آلمان منعقد کردند قرارداد چهار جانبه ای که درباره برلین غربی با اضا رسید، قرارداد هائی که جمهوری دموکراتیک آلمان با جمهوری فدرال آلمان و سنای برلین غربی بستند و همچنین قرارداد میان چکوسلواکی و جمهوری فدرال آلمان همه با هم شرایط تازه ای را بوجود آوردند که دعوت کنگره امنیت و همکاری اروپا را امکان پذیر میساخت.

هدف از تشکیل کنگره ای که در آن علاوه بر ۳۳ کشور اروپائی، ایالات متحده آمریکا و کانادا نیز شرکت خواهند کرد عبارتست از ایجاد چنان شرایطی در قاره ماکه صلح استوار و همکاری کشورهای دارای نظامهای اجتماعی گوناگون را تامین کند و سیستم امنیت جمعی بر پایه تعهدات سیاسی - حقوقی را بوجود آورد.

ما با تمام کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی علاقمندیم که کنگره اروپا به تثبیت حقوقی صلح و همکاری و قبول اصول مورد توافق همزیستی مسالمت آمیز و همکاری بسود هر دو طرف منتج گردد. مدل آینده همکاری در اروپا بشرطی میتواند بوظائف خود عمل نماید که هرگونه تبعیض و از جمله کوشش برای بدست آوردن سود یک طرفه بحساب کشورهای دیگر از طرف هر کشوری که میخواهد باشد، از مناسبات اقتصادی و فرهنگی میان کشورهای قاره ما بکنی حذف گردد.

با در نظر گرفتن اهمیت تاریخی این واقعه و نقشی که در سر نوشت اروپا به آن واگذار گردیده است سومین مرحله کنگره است، که به اضا اسناد اختصار داده شده باید در سطح عالی برگزار گردد.

بنظر ما انجام هدفهای کنگره در پیروزی عظیم امر صلح و خردمندی سیاسی است. ما این کنگره را مبدع تاریخی در راه ایجاد مناسبات میان کشورهای اروپائی بشمار می آوریم، نه یک هدف نهائی. بنابراین اگر ارگان دائمی کشورهای که در کار کنگره شرکت جستند اند نیز بحثنامه یکی از نتایج تثبیت حقوقی کنگره خواهد بود. این امر به ایجاد زیرساخت استوار گاهش تشنج در قاره اروپا کمک نموده.

خلقهای جهان در انتظار پایان هر چه سرعتر کار کنگره است. بر آوردن امیدآنان وظیفه تمام شرکت کنندگان در این مجمع است. درباره آنچه که به کشورهای عضو پیمان وورشو مربوط میگردد در میانیه وروش کمیته سیاسی مشورتی که در آوریل سال جاری بتمسب رسید با قاطعیت اعلام شده است که: "ما برای کمک به انجام موفقیت آمیز کار کنگره در کوتاه ترین مدت بشکلی که نتایج این کار جوابگوی آرمانهای خلقهای صلح دوست باشد از هیچ اقدامی فروگذار نخواهیم کرد". گاهش تشنج سیاسی باید با گاهش تشنج در عرصه نظامی تکمیل گردد. بهمین جهت کشورهای

جامعه کشورهای سوسیالیستی در مذاکراتی که در بین درباره گاهش نیروهای مسلح و تسلیحات در اروپای مرکزی جریان دارد بطور فعال شرکت میکنند و پیشنهاد های سازنده آن در جهت گاهش نیروهای مسلح و تسلیحات در مناطق مورد توافق ارائه میدهند. کشورهای عضو پیمان وورشو بر آنند که کمترین گاهش، بدون آنکه تناسب نیروها را کهم اکنون در اروپای مرکزی وجود دارد تخمین دهد باید از خطر درگیری نظامی بگاهد و صدی برای آغاز گاهش تشنج نظامی باشد. طبق پیشنهاد هیئت های نمایندگی غربی، کشورهای عضو پیمان وورشو باید میزان براتب بیشتری از کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی نیروهای خود را تقلیل دهند. هرگاه این پیشنهاد ها پذیرفته شوند تناسب کنونی نیروها در اروپا تغییر میکند. ما با چنین چیزی نمیتوانیم موافقت کنیم. موضع ما بسیار واقع بینانه تر و اصولی تر است. ما در این مورد درک و تفاهت هم دولتها و معافل گسترده اجتماعی کسبی های غربی را در نظر میگیریم. موفقیت مذاکرات مربوط به گاهش نیروهای مسلح و تسلیحات در اروپای مرکزی گام مهمی در پیروسی گاهش تشنج میبوه و محیط مساعدی برای اتخاذ تدابیر مشابهی در آینده در دیگر مناطق بوجود میآورد.

کشورهای عضو جامعه کشورهای سوسیالیستی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد سهم بزرگی در تهیه قرارداد هائی نظیر قرارداد استفاده صلح آمیز از فضا، غیر نظامی اعلام کردن اصفاق دریاها و آبانوسها، فدفن ساختن تولید و انباشت سلاحهای باکتری و بیولوژیک و غیره داشته اند.

لهستان و دیگر کشورهای سوسیالیستی نه تنها در تحکیم صلح و در اروپا، بلکه در دیگر قاره هائی هم که وضع خطرناک و قابل انفجاری هنوز حکم فرماست، شرکت میجویند. نمایندگان ما و مجارستان در کار کمیسیون بین المللی صلح نظارت و کنترل اجرای قرارداد پایان جنگ و برقراری صلح در ویتنام شرکت دارند، نمایندگان لهستان در کمیسیون بین المللی نظارت و کنترل لائوس و کمیسیون نظارت بر آتش بر کشورهای بیطرف در کره عضویت دارند. بخش از ارتش لهستان در ترکیب نیروهای مسلح فوق العاده سازمان ملل متحد در خاور نزدیک در امر ایجاد اساسی ارتشهای سوریه و اسرائیل نظارت و همکاری میکند.

لهستان با پیروی از اصول همزیستی مسالمت آمیز با کشورهای سرمایه داری، به ویژه با فرانسه کشورهای اسکاندیناوی، ایتالیا، بلژیک، اتریش و ژاپن بطور گسترده ای همکاری میکند. صرف نظر از وجود برخی دشواریها، پروسهای ساختن مناسبات با جمهوری فدرال آلمان نیز مشرفست میکند. به میزان تماس های ما با ایالات متحده آمریکا، به ویژه در رشته اقتصادی تا حد و زیسادی افزوده شده است.

لهستان به روابط خود با کشورهای در حال رشد تحریک بیشتری میبخشد. همکاری همجانبه با هند وستان با سرعت زیادی روه افزایش است. این نمونشان میدهد که هنوز برای همکاری مفید بحال طرفین با بسیاری از کشورهای آسیا، افریقا و امریکا لاتین امکانات زیادی موجود است. طبق برنامه که در دست تهیه است ما از جمله در نظر داریم مبادلات بازرگانی با کشورهای این مناطق را تا سال ۱۹۸۰ سه برابر سازیم.

ما و دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در حین پیروی از سیاست همکاری و صلح و گاهش تشنج با آوریشیم که سیاست شوینستی، ضد سوسیالیستی و ضد شوروی رهبری جمهوری تودهای چین تاثیر منفی خاصی در اوضاع بین المللی دارد.

قطع ارتباط رهبری مائوئیستی با انترناسیونالیسم پرولتری و امتناع آن از اصول طبقاتی در سیاست خارجی، بطرز آشکار در برخورد آن با تمام مسائل عده و کلیدی معاصر پیروزی میکند. تمام فعالیتهای بین المللی جمهوری توده ای چین به ویژه در سازمان ملل متحد با حمله به اتحاد شوروی در آمیختن است.

در این جریان کوشش میشود تا ابتکارات سازنده ای را که جامعه کشورهای سوسیالیستی بسود صلح و کاهش تشنج بین المللی انجام میدهند با شکست مواجه سازند. نمایندگان جمهوری مردمی چین با هرگامی که به کاهش تشنج کمک نماید مخالفتمیورزند، با تدارک کفرانرس جهانی خلع سلاح مخالفت میکنند، طی سالهای درازگوشیدند مانع تشکیل کنفرانس امنیت اروپا شوند و حالاً سعی میکنند تا تسخیر پیشرفت کار آن گردند و بویژه با شدت هرچه تواتر به اندیشه سازنده ایجاد سیستم امنیت جمعی آسیای تازند. مائوتسیت ها میگویند بهر وسیله که شد و نظریه ها هنگام کشورهای سوسیالیستی را در امر تحکیم و تثبیت کاهش تشنج در جهان بین اثری اعتبار سازند.

رهبران چین ضمن گسترش مناسباً خود با امپریالیسم بهر از هر چیز در جستجوی یافتن جنبه های مشترک با آنان در دشمنی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اند. آنان تا فاشیائی خود را با ترجیح بر نیروهای ضد کمونیست یعنی جلیقین " جنگ سرد " و " خلافت خود راه آنسان " مخفی نمیکنند. نمونه بارز پیشخص این پدیده گسترش مناسباً جمهوری مردمی چین با خوشنسی فاشیستی شیلی است.

رهبران چین در حرف و در فعل خود را در صف مخالفان سوسیالیسم در جهان قرار میدهند. مائوتسیت در واقع جنبه دوم مبارزه ای فلولوژیک و سیاسی بر علیه جامعه کشورهای سوسیالیستی بوجود آورده است. بهمن جهت بقید ما مبارزه با تئوری و پراتیک مائوتسیت عامل بسیار مهمی در سیاست احزاب سوسیالیست است. این مبارزه وحدت جامعه کشورهای سوسیالیستی را استوار میسازد و همسرات سیاست مشترک و هماهنگ کشورهای سوسیالیستی را ایجاد میسازد. در این مبارزه نباید به طسرف ماند و سیاست چین را نباید تنها به مثابه جدل و مشاجره با اتحاد شوروی بحساب آورد. رهبران مائوتسیت چین با هدف قرار دادن سیاست صلح و ستانه اتحاد جماهیر شوروی و وحدت جامعه کشورهای سوسیالیستی و با مخالفت با پروسه کاهش تشنج در واقع مخالف حمایتی لهستان و تمام کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی را هدف قرار میدهند.

در ردیف مسائل اساسی که سیاست خارجی لهستان با همکاری متقابل نزدیک با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای برادر مشغول حل آنها است، بهر از هر چیز باید از کوشش ما برای پیشرفت بازهیم بیشتر همکاری کشورهای سوسیالیستی چه از لحاظ شکل و چه از لحاظ مضمون نامهربد. برای انجام این منظور باید بهر مستحرفاً غف تازده ای را که در نتیجه تغییرات اوضاع بین المللی پیشرفت بازهیم بیشتر کشورهای سوسیالیستی باید میآید در مد نظر قرار داد.

با توجه با این موضوع ما در نظر داریم چندین دیدار در سطح عالی حزبی و دولتی برگزار کنیم و نیز چند قرارداد همکاری متقابل ما را در رشته های گوناگون افزایش دهد با ما " رسانیم. باید یاد آور شویم که در این رهگذر لهستان اهمیت زیادی برای تحکیم نیروی دفاعی بهمان و شوکه غامن استقلال و امنیت تمام کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی است قابل میباشد.

اهمیت تکامل سیستمی که بهمان ورشو که بهستین سالگرد پیدایش آن در سال ۱۹۷۰ خواهد بود، بوجود آورد و بقدری است که نیازی به ارزیابی مجدد ندارد. برگزاری جشن این سالگرد بهما امکان میدهد نقش سازمان دفاعی خود را که عامل عمده تا بنین امنیت جامعه کشورهای سوسیالیستی و تاثیر جدی در پیشرفت پروسه کاهش تشنج بین المللی است بیشتر استحکام بخشیم.

اقدامات متقابل ما با دیگر کشورهای سوسیالیستی بمنظور تحقق سریع برنامه همپوندی سوسیالیستی در چهار چوب شورای تعاون اقتصاد گسترش میابد. همکاری اقتصاد برادرانه کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی طی ۲۵ سال گذشته سهم ارزنده ای در تحقق سیاست احزاب کمونیست و کارگری کشورهای ما که هدف تفرز یکی بازهم بیشتر خلقهای ما و همکاری نزدیک در ساختمان سوسیالیسم

و کمونیسم بود، داشته است. این واقعیت یکی از نتیجه گیریهای ۲۸مین اجلاس شورای تعاون اقتصاد است که در روشن سال جاری در صوفیه تشکیل یافت. همکاری کشورهای افغای شوروی تعاون اقتصادی به عامل هرچه مهمتری در پیشرفت اقتصاد آنها، افزایش رفاه جامعه و برابری سطح پیشرفت اجتماعی و اقتصاد آنها مبدل میگردد. همپوندی اقتصادی سوسیالیستی جای هرچه مهمتری در استراتژی اجتماعی - اقتصادی حزب و دولت ما احزاز مینماید. ما به پیشرفت پرتحرک پروسه های همپوندی در چهار چوب شورای تعاون اقتصادی اهمیت زیادی میدهم. بطوریکه در رتبه های کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان بنامیت سی امین سالگرد جمهوری سوسیالیستی لهستان تصریح گردیده " آینده اقتصاد کشور ما وابسته به پیشرفت بازهم بیشتر تخصص شدن و تعاون میان کشورهای عضو شورای تعاون اقتصاد و درصین ترقی همپوندی اقتصادی سوسیالیستی است ".

لهستان بهسای خود برای کاهش تشنج بین المللی ادامه خواهد داد. رفیق گرک د بهر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان در نخستین کنفرانس سراسری حزب اعلام داشت " امنیت و صلح هدف سیاست خارجی ما است. این آرمان تغییرناپذیر خلق ما است که طی تاریخ نوبن خود، شحمل اینهمه رنج و مشقت گردیده است. مبارزه در راه پیشرفت صلح آمرز آینه از اید و لوی کمیته سوسیالیستی ما سرچشمه میگردد و در شمار اصول بنیادی آنست ".

لهستان برای نتایج بدست آمده در پروسه کاهش تشنج بین المللی ارج فراوان قائل است و با دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی خواهد کوشید تا این نتایج را غیر قابل بازگشت سازد.

با ثبات رسید.

کمال اهمیت و عظمت نتیجه گیریهای لنین و احکام وی را میتوان بیروغتی در زمینه برنامه های ارضی احزاب سوسیال دموکرات اروپای غربی که در آنها دهقانان بمنزله نیروی خنجره بورژوازی که گویا قادر نیستند ندیده های سوسیالیستی را درک نمایند از یابی کرد (منشویک های ابروتونیت و تروتسکیست های روسیه نیز دارای چنین موضعی بودند) همه های گذشته و تاریخ امروزی نیز اهمیت مستمر برنامه ارضی لنین را در سه جنبه عمده آن یعنی از نظر سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تا بید میکنند.

بنابراینکه میدانیم محور ثنوری ارضی لنین از لحاظ سیاسی ایجاد و تحکیم اتحاد طبقه کارگر با دهقانان زحمتکش است.

حزب تا رسیدن پرولتاریا به اکمیت یا توجه به یکی از مترین احکام مارکسیستی لنینیستی در اید مورد که دهقانان زحمتکش تنها تحت رهبری طبقه کارگر و حزب انقلابی آن در مبارزه مشترک بر علیه دنیا ی کهن مقتو نفذا زاستما روستم سرما به راهائی یا بنده در راه ایجا دجنین اتحاد بطوریکه مبرما رزه میکرد. تاریخ نیز بطرز غیر قابل انکاری نشان داد که فقط رهبری طبقه کارگر مبارزه انقلابی دهقانان مضمون دگرگون سازنده هدفمند مینهد. حزب بلشویکها توانست توده های انبوه زحمتکشان را در مبارزه بر علیه سرما به داری طرف خود جلب کند. در اکتبر سال ۱۹۱۷ طبقه کارگر متحد با دهقانان تبهیست تحت رهبری حزب کمونیست موفق بسرنگونیها کمیت ملاکان و سرما یه داران گردید و اکمیت زحمتکشان را برقرار کرد.

مسئله تحکیم اتحاد طبقه کارگر با دهقانان اصلی توده های دهقانانی در شرایط بیرونی دیکتاتوری پرولتاریا هم اهمیت پیدا کرد. حزب با تمام قدرت خود این موضوع را بلافاصله بر از بیروزی انقلاب نشان داد. ما با آن توجه است که فرما بریوط بمشله ارضی در مبارزاتی از نخستین توانین حکومت شوروی بود که زمین را از آن تمام خلق اعلام داشت و آنرا بنسبت کما فی ذلک روی آن کار میکنند. تاریخ بعدی کشور ما نیز بلشویکها را بنا پذیر بر این راهی مینهد که انجام موفقیت آمیز وظایف ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم وابسته به برقراری مناسبات متقابل صحیح میان کارگران و دهقانان است. لنین اینطور خاطرنشان ساخت که: «تمام نیروی عمده و تکیه گاه حکومت شوروی در این اتحاد مستقر است. این اتحادها مناسبتی است که مردم گرونیهای سوسیالیستی را بر بیروزی بر سرما به ما را زمین برداشتن شروع استثمار را ما به بیروزی نهائی خواهیم رساند» (۱).

نبوغ این یعنی یعنی لنین در موفقیتها ی سیاست بیدگر حزب در تمام مراحل مبارزه در راه سوسیالیسم نشانگر گردید. صنعتی کردن موفقیت آمیز کشور که از طرف دهقانان زحمتکش پشتیبانی نمیدن نمونه ای از آن است. اجتماعی کردن (کلکتیویزاسیون) کشاورزی و نوسازی فنی آن که تحت رهبری طبقه کارگر و با همکاری فعال و بلاواسطه آن تحقیق یافت یک نمونه دیگر این سیاست است. بیروزی در جنگ کبیر میهنی و احیا ی سریع اقتصاد ملی پس از پایان جنگ که بدون اتحاد دنیرومند و فداکاریهای طبقه کارگر و روستائیان کلخوزی غیر قابل تصور میبود نیز یکی از نمونه های آنست. این اتحاد در مرحله سوسیالیسم پیشرفته نیز اساس سیاسی تزلزلنا پذیر پیشرفت موفقیت آمیز در راه ساختمان کمونیسم است.

جنبه سیاسی مسئله ارضی با جنبه اقتصادی آن ارتباطی ناگسسته دارد. در اینجا نیز اهمیت

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۳۸، ص ۲۲۷.

# سیاست ارضی لنین و تحقق آن در اتحاد جماهیر شوروی

## فدور کولاکف

عضو بیرونی سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

طی سالهای سالختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی دگر گونیهای عمیق اجتماعی و اقتصادی روی داده است. در کشور ما جا همه سوسیالیستی پیشرفته ساخته شده و زیربنای مادی و فنی کمونیسم درجه به گسترده ای پی ریزی میگردد.

کنا و روزی سوسیالیستی دوش بدوی دیگر رفته های اقتصاد دگورنا گامها را ستوار و وحدتی جدا یا پذیرا و ترقی را مهبیما ید. این رفته وسیع و حیاتی تولید اجتماعی در پیشرفت اقتصاد و اجتماع جامعه شوروی و افزایش مستمر رفاه مردم و اعتلای سطح اقتصاد سوسیالیستی طبق برنامه تقسیمی پییده دارد.

سیاست ارضی حزب ما را لنین بطور همه جانبه علمی بنیادتها دوندللهایت. حزب در جریان ایجا دگر گونیهای انقلابی با فدا مات سترگی برای تحقق این سیاست دست زد. حزب کمونیست اتحاد شوروی در هر مرحله تازه تاریخی طبق وظایف منحص روزه و اکتا به قوانین عینی پیشرفت اجتماع سیاست ارضی را بمنزله بخش مهمی از مضمی کلی سیاسی بطور خلاق مینمیکند.

### ۱

لنین بر پایه تجزیه و تحلیل پیشرفت اجتماعی و اقتصادی روسیه و کشورهای دیگر و در جریان مبارزه غده و آغشی نا پذیر با ابروتونیسیم در روسیه و اروپای غربی از تمام احزاب انقلابی مارکس و انگلس دفاع کرد و آنرا تکمیل نمود. او بر نامه یکبارچه ارضی را از لحاظ ثنوری آ ماده کرد و درستی آنرا با ثبات رسانده استراتژی جلب دهقانان زحمتکش با انقلاب سوسیالیستی و نقشه حرکت دادن توده های زحمتکش دهقانان سوسیالیسم که در تاریخ تحت عنوان برنامه کولیرا تیولنن آمده بعضیای عمده ترکیب کننده این برنامه است.

لنین بهنگام تهیه این برنامه یعنی از هر چه مناسبات ارضی سرما به داری را مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار داد. ما به های اقتصاد و تضادهای اجتماعی و مبارزه طبقاتی در راه بررسی کرد و نشان داد که حل رادیکال مسئله ارضی و دهقانان تنها با نابودی نظام ملاکان و سرما به داران یعنی فقط در سوسیالیسم امکان پذیر است. ما این ترتیب دورنمای واقعی مبارزه طبقه کارگر بیرونی زحمتکش گنوده غنویگان راه حل صحیح مسئله ارضی بمنزله یعنی ارگانیک تمامیم انقلاب پرولتاری و مبارزه در راه سوسیالیسم و کمونیسم پیدا نمود و درستی آن بطور همه جانبه

برنامه ارضی لنین یعنی برنامه کولوزیا تیلونین یا روشنی خاص نما یا ن میشود. سوسیا لیسم  
 بحثا به نظام اجتماعی نوعیارت از سیستم واحد مناسبات تولیدی است که بر پایه مالکیت  
 اجتماعی بر وسایل تولید استوار است. ساختمان چنین سیستمی در گوتیهای اجتماعی بنیاد دور  
 روستا و تبدیل اقتصاد کوچک روستائی به تولید بزرگ اجتماعی را ضرور میسازد. انحراف از این  
 قاعده اصولی میتواند موجبات پیدایش تضاد و عدم تعادل شدید در اقتصاد فراهم آورد. روشنی  
 است که اشکال اختراکی کردن اقتصاد روستائی و مدت زمان لازم و سرعت تغییرات و تحولات با توجه  
 به شرایط مشخص کشورهای مختلف میتواند متفاوت و مختلف باشد.  
 نیا را اقتصاد با ایجاد در گوتیهای سوسیا لیستی در اقتصاد روستا شهر کشور ما را در عین حال این  
 مسئله ضروری مساخت که اقتصاد روستائی خرده مالکی در نتیجه عدم تعادل زندگی نیروهای تولیدی را  
 درده مرتفع ساخته و باغها را هترقی سوسیا لیستی و کمونیستی سوق دهد.  
 به همین دلیل است که حزب مئی ایجاد دوتوسمه و تکامل تولید اجتماعی بزرگ در کشاورزی بر  
 گزیده.

هنگام بررسی جنبه اجتماعی مسئله ارضی با اید اختلافات طبقاتی دهقانان و زمینین ایمن  
 پدید آمده که دوگانگی سرشت اجتماعی از مشخصات دهقانی است که بر اساس خرده کالائی اقتصاد  
 خود را میگرداند. نظر گرفت. « دهقان بعنوان یک فرد زحمتکش سوسیا لیسم متما بلاست و دیکتا  
 توری کارگران را بر دیکتا توری بورژوازی ترجیح میدهد. ولی دهقان بمنزله فروغنده نان به  
 بورژوازی و به تجارت آزاد یعنی به شیوه « معمولی و کهنه» به « آنچه از قدیم بوده » به  
 سرمایه داری تمایل دارد» (۱).

حزب کمونیست اتحاد شوروی در سیاست ارضی خود این خصوصیت دهقانان را در نظر میگرفت و امکان  
 تغییر فو و روحیه و عادات بزرگان را فقط بر اساس تغییر ساختمان عمیق اجتماعی نظام اقتصاد  
 روستائی و افکندن آن در مسیر تولید بزرگ سوسیا لیستی میدید. در جریان ایجاد زمینین تغییراتی  
 بنای واحد اقتصادی بوجود میاید. مناسبات تولیدی درده پدید میشود و اشتراک متافع طبقه  
 کارگر و دهقانان تحکیم میاید طبقه بورژوازی ده یعنی کولاکها از بین برده میشوند. وضع  
 اجتماعی دهقانان از بیخ و بن تغییر میکند و دهقان بطرح بلوغ و کمال اجتماعی تازه ای ارتقا  
 میاید به سطح فرهنگ و رفاه و مادی وی بی اندازه بالا میرود. تمام اینها برای بر طرف ساختن  
 کامل اختلافات مهم وجدی میان شهروده و مرتفع شدن تدریجی حذفا صلهای موجود میان دو طبقه  
 دولت جامعه سوسیا لیستی یعنی کارگران و دهقانان و ساختن جامعه بدون طبقات بسیار مهم  
 است.

لنین راه اصلی دهقانان را بطرف سوسیا لیسم در ایجاد دویشترفت تعادلی تولید میدید. همکار  
 دز تعادلی ها را زمین بمنزله « گذار به راه و رسم نوا از طریقیکه ممکن است برای دهقانان باشد و تر  
 آسان تر و سهل الوصول تر باشد» (۲) بشمار میاید و در لنین با نیت رساندنک سرشت تمام  
 (کشورهای سوسیالیست) بوسیله سازمان اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه و وصلت شکل حاکم مالکیت  
 بر وسایل تولید کاملاً معین میگردد. تعادلی در جامعه بورژوازی بطور اجتناب ناپذیر به سیستم  
 کلی مناسبات تولیدی سرمایه داری کفایت نمیدهد و فعلی اقتصاد آن بقوا تیرا اقتصاد سرمایه

داری مشروط میگردد. در چنین اوضاعی حوالی بر خلاف نظر هوا داران با اصلاح سوسیا لیسم  
 تعادلی، تعادلی نمیتواند منضمون سوسیا لیستی دانسته باشد. اما پیرا ز پیروزی انقلاب  
 سوسیا لیستی تعادلی و وصلت کاملاً متفاوتی کس میکند. لنین نوشت: « ... نظام تعادلی های  
 مجهز به موسسات فرهنگی با وجود مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید و پیروزی طبقاتی بیرونی ربا  
 بیرونی زواری و این یک نظام سوسیا لیستی است» (۱).

جلب دهقانان زحمتکش ساختمان سوسیا لیسم از طریق تعادلیها به دولت پرولتری امکان  
 دهد با در نظر گرفتن وضع مخصوص اجتماعی دهقانان و روحیه آنان در گوتیهای عمیق اجتماعی -  
 اقتصادی را برده یا موفقیت با انجام رساند. سوق دادن دهقانان زحمتکش در کشور ما بطبعم  
 کلوزها بمنزله ایجاد انقلاب در وضع اجتماعی و تمام عئون زندگی آنان است. حال یا پدید  
 طبق چه اصولی انجام این انقلاب امکان پذیرند.

حزب ما در جریان اجتماعی کردن زمین از هر چیز از اصول لنینی و اوطلیانه بودن اتحاد در  
 تعادلیها و شلیقی درست متافع خصوصی و اجتماعی و تامین نفع مادی دهقانان در نتیجه کاری  
 که انجام میدهد پیروی کرد. اصل انتقال تدریجی از مالک ساده با عکار ایالتی تر تعادلی نیز  
 بسیار مهم است. حزب کمونیست اتحاد شوروی این نکته را نیز در نظر داشت که زمینه مسادی  
 در گوتی در کشاورزی ضایع بزرگ است. لذا حزب ما ایجاد صنایع سنگین را بمنزله وظیفه درجه  
 یک مطرح ساخت. بنا به تعریف لنین سوق اقتصاد دهقانان به مسیر تولید بزرگ سوسیا لیستی  
 در دیف دشوارترین وظایف ساختمان سوسیا لیسم است. حزب کمونیست اتحاد شوروی خوب متوجه  
 دشواریهای راه اجتماعی کردن اقتصاد روستائی بود. در کشور ما ۲۵ میلیون واحد اقتصاد  
 دهقانی وجود داشت. بر طرف ساختن حدود و شعور میان این واحدهای اقتصادی و غلبه بر روحیه  
 مالکیت خصوصی دهقانان و درهم شکستن مقاومت بسیار شدید نیروهای استثمارگر روستاها و پاک کردن  
 راه از وجود بورژوازیهای راست و «چپ» که بر علیه خط مشی حزب عمل میکردند لازم و ضروری  
 بود. مبادیست برای اقتصاد روستائی یا به نوبت فنی بوجود آوردن روستاها را متخصص و مدیر که قادر  
 به رهبری ساختمان موسسات عظیم سوسیا لیستی در روستاها باشند تربیت نمود. فرهنگی اوضاع و  
 احوال بین المللی که کشور ما که در آنگام یگانگی کشور دیکتا توری پرولتاریا بود با آن سروکار  
 داشت و تا زگروا نا شناخته همه بر عدت دشواریهای افزودند. فقدان تجربه باعث آن شد که در  
 جریان اجتماعی کردن اقتصاد روستائی اعتبارات معینی نیز رخ دهد. حزب بموقع خود این  
 اعتبارات را آشکار کرده بصراحت درباره آنها اظهار نظر کرد و اعتبارات را که در سلسله از منطقی  
 روی داده بود تصحیح نمود.

حزب کمونیست اتحاد شوروی با پیروی از تعالیم لنین بر تمام مشکلات غلبه کرد و دهقانان را به  
 راهی نور همون گردید.  
 تاسیس موسسات نوین سوسیا لیستی در روستاها از نخستین روزهای موجودیت حکومت شوروی ویلا  
 فاصله پس از ملی کردن زمین آغاز گردید. موسسات دولتی یا سوزوزها و اتحادیه های دهقانی بر پایه  
 تعادلی یا کلوزها اشکال اساسی اقتصاد اجتماعی شدند. حزب از سوزوزها که بیشتر اولیه آنها  
 بزراعت بود اقتصاد کلان ملاکان و سرمایه داران قرار داشت بمنزله نمونه سازماندهی تولید  
 اجتماعی و اداره امور کشاورزی با استفاده از علم و تکنیک بهره برداری کرد.

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۴۵، ص ۲۷۲.

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۳۸، ص ۳۸۱.  
 ۲ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۴۵، ص ۳۷۰.



با اطلاع آنها رسا نده میشود. دولت بهای خرید محصولات کشاورزی را در عین حفظ قیمت آنها در بازار تا حدود کمی افزایش داد (۱). برای مصولاتی که اضافه بر مقدار تعیین شده نیز بر نامه بدولت فروخته شود قیمت بالاتری در نظر گرفته شده است. برای گلخیزها سیستمهای تعیین شده ثابت تعیین گردیده و به میزان حقوق درسوخوزها افزوده شده است. مناسبات حداداری مستقل مالی گسترش یافته و عمیقتر میشود. این تدابیر و یکسلسله تدابیر دیگر برای توسعه سریع و استقرار تولیدات کشاورزی و افزایش ثمرات آن غرایط مساعدی فراهم آوردند.

حزب ما در جریان حل معضلات پیشرفت و تکامل کشاورزی ضرورتی افزایش همه جانبه تولیدات کشاورزی و قرار دادن آن بر پایه صنعتی، معاصر و توسعه جدي ترقی علمی و فنی را در نظر میگیرد. اینک تحکیم همه جانبه مادی و فنی کشاورزی انجام میپذیرد و واحدهای ساختاری بنیادی بسیاری در دست ساختن است. تهیه کارهای متخصص برای روستاها گسترش داده میشود. تسریع و تعدید آموزش مربوط به کشاورزی و دامپروری لایق نقشه و بسط تمام اعضا جامعه انجام میگیرد. هدف از آن بهبود شرایط کار و افزایش رفاه مادی و سطح دانش و فرهنگ روستاها است.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی با استفاده از اعطای قدرت اقتصادی کشور افزایش چشمگیر سرمایه گذاری در کشاورزی را ضروری دانستند. میزان سرمایه گذاری در کشاورزی در برنامها پنجساله هفتم (۱۹۶۱-۱۹۶۵) ۴۸۱ میلیارد روبل یا ۲۲۰ مجموع سرمایه گذاری در اقتصاد ملی بود. برنامها پنجساله هفتم این مقدار به ۸۲۲ میلیارد روبل یا ۲۲۳ و در برنامها نهم (۱۹۸۱-۱۹۸۵) ۱۲۸۱ میلیارد روبل یا ۲۲۶ افزایش داده شد. طی سه سال اول برنامها پنجساله جاری (سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۷) نزدیک به ۷۲ میلیارد روبل در بخش کشاورزی سرمایه گذاری خواهد شد.

بیشتر وقت و تکامل کشاورزی اتحاد شوروی با توسعه و تکمیل ترقیات فنی و افزایش مکانیزه کردن (مکانیزاسیون) و الکتریکی کردن اقتصاد (الکتروفیکاسیون) همراه است. روستا به مقیاس فزاینده ای با تراکتورهای یر قدرت تر و سریعتره با کمپاینهای پرتوان و انوموبیلهای ماری با ظرفیت بیشتره و ساثل حمل و نقل ویژه و ساثل مکانیزاسیون معاصر و اتوموتیزاسیون فرمهای دامپروری تامین میگردد. قدرت منابع انرژی کشاورزی در فاصله سالهای ۱۹۷۳-۱۹۶۶ نزدیک به ۱۷۲ و تامین انرژی برای کار ۱۸۸ بار افزایش یافت. تمام گلخیزها و سوخوزها اینک برای نیاز مندیهای تولیدی و ما یحتاج زندگی از نیروی برقی استفاده میکنند. بخش مهمی از خانهها و اسکوتی روستاها دارای لوله کفی کار هستند.

حزب یلور فعال برای افزایش تولید و ساثل فنی کشاورزی که با نیاز مندیهای تولیدات اختصاصی عمده در بخش انقلاب علمی و فنی مطابقت داشته باشد تدابیری اتخاذ میکند. طبق قسارهای گذرگه بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی و تکامل آن رشته از زمانه که وساثل تولید برای کشاورزی میسازند و ما صلح مختلف فنی و وساثل تکنیکی برای آماده ساختن عمل و نقل و تکثیر برای محصولات کشاورزی تهیه میکنند تسریع گردیده است. تجدید ساختن کارخانههای تراکتور سازی و نوسازی کارخانههایی که ماشینهای کشاورزی میسازند تسریع و وسیعی آغاز شده است. طی سالهای اخیر در اتحاد شوروی تدابیر عظیمی برای استفاده از زمینهای کشاورزی و افزایش تولیدات

۱ - نمیتوان به تصادف دیدنی این واقعیت را وضع موجود کنونی در بسیاری از کشورهای پیشرفته سرمایه داری که انحصارهای خرید محصولات کشاورزی را گاهی داده و قیمت خواربار را در بازار افزایش میدهد نادیده نگرد.

کشورهای شیمیائی و دیگر وساثل شیمیائی برای رفع نیاز مندیهای کشاورزی و دامپروری اتخاذ گردیده است. ساختن یکسلسله از موسسات عظیم و مجتمعهای صنعت شیمی با تمام رسید است. تا مین کشاورزی با کودهای شیمیائی از ۱۱ میلیون تن در سال ۱۹۶۰ به ۶۴ میلیون تن در سال ۱۹۷۴ و یا تقریباً ۶ بار افزایش یافته است. منافع میکروبیولوژی عملاً از نسو ایجاد گردیده است.

کشاورزان ما مجبورند در شرایط مختلف و اغلب بفرنج محیط زیست و آب و هوا و زمین کار کنند. برخی از مناطق کشور متناوباً در معرض تانیمات زیا نیا رخساکالی قرار میگیرند و مناطق دیگری از زیادای آب و رطوبت هوا در منطقه قرار دارند. با در نظر گرفتن این واقعیت ما به ساثل آب و زمین ها و تصاویر ویژه عشاك کردن اراضی و آماده بهره برداری نمودن آنها توجه زیاد میپذیریم. طی ۹ سال اخیر نزدیک به ۱۲ میلیون هکتار زمین قابل آبیاری و اراضی عشاك شده برای بهره برداری آماده شده است. مساحت کلی این قبیل اراضی در سال ۱۹۷۳ تقریباً به ۲۴ میلیون هکتار بالغ گردیده. در برنامها پنجساله نهم منظور انجام یکسلسله اقدامات برای عشاك دادن اراضی وسیعی نزدیک به ۲۷ میلیاردر روبل سرمایه گذاری در نظر گرفته شده است و این مبلغ بیش از دو بار از مبلغی که در برنامها هفتم منظور در نظر گرفته شده بود بیشتر است. مزارع عظیم قاسبل آبیاری برای کشت غلات در مناطق عشاك ایجاد خواهد شد. ایجاد سیستمهای مدرن کشت برنج گسترش خواهد یافت. سیستم آبیاری کشت بنده سبزیکاری و مراتع کشت جنساله گیاهان مختلف بسط و توسعه داده میشود. حزب این وظیفه را مطرح کرده است که هم اکنون چنان زیربنای مادی و فنی برای کشاورزی تهیه شود که امکان به دست معضلات تولیدات کشاورزی وجود گونی وضع روستاها در آینده بطور کامل حل شود و از میزان نوابستگی مورکشاورزی به نیروهای خوسر طبیعت کاسته گردد.

در جریان افزایش سرمایه گذاری در بخش کشاورزی به استفاده عقلانی و بر شمر از تمام وساثل مادی و فنی و از تمام منابع خلق نیاز مندیهای علوم و وساثل و ردهای سراتیک بیشتره توجه خاصی میذول میگردد. اینک مبارزه در راه تبلیغ فرهنگ بیشتره در کشاورزی و دامپروری و بهبود کیفیت محصولات و کاهش ارزش واقعی محصولات کشاورزی بمنزله یکی از مهمترین معضلات اقتصاد ملی در برابرهاست.

مقیاس گسترده بررسیهای علمی و وحدت فعالانه تر علوم با تولید و ایجاد اصلاح و پرورش جدید و دیگر مراکز علمی از منحصات تکامل و پیشرفت کشاورزی اتحاد شوروی است. در اتحاد شوروی صنعا بنگاه علمی و پژوهشی کشاورزی و مراکز آزمایشگاهی مختلف مفعول با کار است.

آکادمی علوم کشاورزی اتحاد شوروی بنام ویا یلنن با دانشکدههای وابسته بان در این سیستم مقام اول را داراست. از طرف دانشمندان و کارشناسان کشاورزی طرح ها و عیوه های نوین فراوان ارائه گردیده است که از آنها هرچه گسترده تر در عمل استفاده میشود. بطور مثال موفقیت های سلکسیونهای اتحاد شوروی که از آنها هرچه گسترده تر در عمل استفاده میشود. بطور مثال موفقیت های دیگر را بچود آورده اند هم در کشور ما و هم در کشورهای متعدد دیگر شهرت دارد.

یکی از جهات سیاست ارضی حزب در مرحله کنونی تکمیل احکامات مانی تولید و بسط بودا در راه مور کشاورزی است. تخصیص کردن واحدها و موسسات کشاورزی و تمرکز هرچه بیشتر تولیدات کشاورزی بر پایه تعاون گسترده واحدهای جداگانه در این جریان اهمیت فوق العاده کسب میکند. در بسیاری از نقاط کشور اینک موسسات عظیم جدید تخصصی ما ثا نما میمان گلخیزها و بنین گلخیزها و سوخوزها و مجتمع های کشاورزی صنعتی ایجاد میشود.



در جامعه سوسیالیستی تعاون را نمیتوان یک نوع اجتماعی منجمد و بدون تغییر بشمار آورد. زیرا در جریان ساختمان کومونیسم تعاون توسعه و تکامل مییابد و مکانات بالقوه خود را تدریجاً بیشتر آشکارا میسازد و مضمون آن غنی تر میگردد. ایجاد موسسات تخصصی کشاورزی از طریق اتحاد وسایل کشاورزی و وسایل کالوژها و سوخوزها مرحله ای با کیفیت نوین در تمام تولیدات است. این تا زگی در چیست؟ در این است که امروز تعاونیها بر پایه مالکیت خرد انفرادی یگانگان چنانکه در دوران کلکتیویزاسیون انجام شده بلکه بر پایه موسسات عظیم سوسیالیستی یعنی کالوژها و سوخوزها تحقق مییابد. در جریان اجرای این برنامه حزب این هدف را تعقیب میکند که واحدها و موسسات اقتصادی که بر پایه جنبه وحدتی بوجود میآیندند فقط نوع پرثمرتر توسعه و تکامل مییابند و تولیدی کشور بلکه وسیله مهم نزدیکی هرچه بیشتر اعکال مالکیت دولتی و کالوژی و کلوپراتیوی است.

پلنوم دسامبر (سال ۱۹۷۲) کمیته مرکزی حزب کومونیس اتحاد شوروی با در نظر گرفتن امکانات فزاینده و برتریهای اقتصادی تخصصی کردیو مرکز و اولیه انتقال تدریجی به تولید بزرگ تخصصی با تطبیق شیوه های صنعتی و استفاده هر چه بیشتر از موقیعت های علم و تکنیک را مطرح ساخت. این وظیفه ایست که توسعه و بهر طرف آتی کشاورزی سوسیالیستی کشور را تشکیل میدهد. در جریان انجام سیستم تدا بیراجتماعی - اقتصادی و سازمانی و سیاسی که حزب تعیین کرد در کشاورزی اتحاد شوروی گرایش با کیفیت نوین که نمودار مرحله عالی بهر طرف آست و برویشی آشکار گردیده. علت وجودی این گرایش ها چیست؟

اولاً در این است که کشاورزی با اطمینان در راه بهر طرف سریع گام نهاده است. افزایش محصول کلی کشور اینطور عمده بحساب عوامل تسریع کننده بهر طرف بنست میآید. در نتیجه در تولید کالوژی و وزی نه فقط تغییرات کیفی بلکه تغییرات کمی عمیقی صورت میگیرد. به میزان محصولات مزارع و شرآ آورده های دامپرووری بطور مستمر افزوده میگردد.

ثانیاً، کشاورزی هر چه بیشتر حاصل پرتر میگردد و رشد آن ثبات بیشتری دارد و دیگر از جزو رهنمای عدیدی که بر اثر عوامل نامسا عدجوی در گذشته مشاهده میگشت، اثری نیست. حتی در سال ۱۹۷۲ که در نتیجه خشکسالی پدیدینا از فوق العاده کشاوری بود محصول کلی کشور در رشته کفا و وزی بیش از حد متوسط برنامه پنجاه هفتم یعنی برنامه قبلی بود.

ثالثاً، سرعت رشد و بهر بخشی تولید کشاورزی و سایر عمده آن با زنجی کار افزایش مییابد. این بنوبه خود شرط اصلی بهر طرف موفقیت آمیز بجلو است. کافی است یاد آوریم که طی سالهای پرازی پلنوم مارس (۱۹۶۵) کمیته مرکزی حزب کومونیس اتحاد شوروی بازده کار در کالوژها و سوخوزها ۲۰٪ و سرعت رشد متوسط سالانه آن نزدیک ۱۰٪ را افزایش یافته است. به بهره نسی تولید نیز افزوده میگردد و اقتصاد کالوژها و سوخوزها استحکام میپذیرد.

میزان تولید و خرید محصولات کفا و وزی در کشور بطور منظم بالامیرود. حجم متوسط سالانه محصول ناخالص کشاورزی از ۶۶٫۳ میلیارد روبل در برنامه پنجاه هفتم تا ۸۰٫۵ میلیارد روبل در برنامه پنجاه هفتم افزایش یافت و در فاصله سالهای ۱۹۷۲-۱۹۷۱ به میزان ۸۹٫۵ میلیارد روبل رسید.

مسائل مربوط به افزایش هر چه بیشتر تولید غلات میان معضلات بهر طرح کشاورزی مقام تعیین کننده ای دارند. طی سالهای اخیر زهرکت و زرع غلات نتایج چشمگیری حاصل گردیده است. تولید متوسط سالانه غلات در سالهای ۱۹۷۲-۱۹۷۱ ۱۹۰٫۶۵ میلیون تن بود که ۶۰٫۳ میلیون تن از سالهای

۱۹۶۵-۱۹۶۱ بیشتر بود ۲۳ میلیون تن نسبت به برنامه پنجاه هفتم افزایش یافته است. بیوه سال ۱۹۷۳ سال جالب توجهی بوده زیرا ۲۲۲٫۵ میلیون تن غله در کشور جمع آوری گردید. در استفاده هر چه بیشتر از تکنیک در جریان انجام کار و بهبود وضع تولیدات آید بگردد. فقط نواحی جداگانه بلکه ایالات و مناطق جمهوریهای مختلف سالانه ۲۵ تا ۳۰ کنتان (سنتنر) غله از هر هکتار زمین بنست میآورند. این رقم در مزارع کویان و مولد اویه ۲۶ تا ۳۳ سنتنری میرسد. سطح مزارع زهرکت غلات کشور در شرق بل بیره برداری نمودن اراضی با بریقنا و زیاد افزایش مییابد. قسابل بهره برداری ساختن اراضی با بریقنا و وسیع در واقع تحقق اندیشه های لنین در مورد استفاده از منابع عظیم ارضی کشور بمنظور تسلط تکامل هر چه بیشتر نهرهای تولیدی و دلیل انکارنا پذیر دیگر برر جان نظام سوسیالیستی است. این پدیده در تاریخ کشور ما بشابه موقیعت و بهر وزی بزرگی که بیانگر وحدت عمل تمام مردم شوروی است ثبت گردید. است. از اراضی با بری که بتازگی مورد بهره برداری قرار گرفته هم اکنون ۲۲۷ غله اتحاد شوروی بنست میآید.

پنجمه کاران کشور نیز بموقیعت های بزرگی دست یافته اند. در سال ۱۹۷۲ ۲۸۵ سنتنر بنجه خام از هر هکتار بنست آوردند و ۷٫۷ میلیون تن "طلای سفید" جمع کردند. با دیدن نظر داشت که از این اراضی دور افتاده روسیه تزاری فقط ۷۴۴ هزار تن بنجه بنست میآمد.

حزب افزایش هر چه بیشتر محصولات و سطح تولید غله و دیگر فرآورده های کشاورزی را از جمله مهمترین وظایف اقتصاد ملی بشمار میآورد. اقدامات وسیعی بمنظور توسعه و تکامل دامپرووری و بر پایه افزایش میزان علوفه و بهبود اصلاح نژاد دامها و پرندگان و افزایش آنها در عین ازدیاد تعدادشان بعمل میآید تا بتوان بطور مداوم وضع نامین نیامتدبهای اهالی را با گرانتهای ترین محصولات بهبود بخشید. طی سالهای اخیر بنقد و چشمگیری بر میزان افزایش تولید و خرید محصولات دامپرووری و مرغداری اضافه شده است. تمام این دستاوردها برای بهبود تغذیه مردم شوروی امکانات تازه فراهم میآورند.

ساختمان مجتمع های بزرگ تولید گوشت و لبنیات و فرم های مرغداری گسترش مییابد. بسط و توسعه فرمهای موجود کالوژها و سوخوزها و نوسازی فنی آنها در دست اجرا است و از شیوه های صنعتی تولید و تکنولوژی مترقی استفاده میشود. به اقتضای تهیه انواع جدید و برتر علوفه متوسط تولید علوفه مخلوط و بهبود کارهای طبیعی اهمیت فراوان داده میشود.

حزب در آینده نیز تمام اقدامات ضروری را برای توسعه و تکامل مداوم کشاورزی و حل تمام معضلات در روز نزدیک امور و ستا بعمل خواهد آورد. قراری که چندی پیش از طرف کمیته مرکزی حزب کومونیس اتحاد شوروی و غورای وزیران اتحاد شوروی با بتکار لئونید برزنف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کومونیس اتحاد شوروی در باره تدا بیرالزم برای بهر طرف آتی کشاورزی منطقه اراخسی غیرسیاه جمهوری فدرا ل روسیه شوروی بتصویب رسید دلیل بارز این مدعا است. در اینجا سخن بر سر برنامه وسیع اقداماتی است که برای بهبود اراضی و ساختمان واحدهای تولیدی و فرهنگی و ویژه سکونت و شهرکها و راههای مجهز مدرن بعمل خواهد آمد. تحقق این برنامه که در نقشه پنجاه آینه ۳۵ میلیارد روبل بدان اختصاص داده خواهند این سرزمین وسیع را دیگرگون و شکوفان خواهد کرد و موجب بهر طرف هر چه بیشتر تولیدات کشاورزی و اعتدالی تمام اقتصاد سوسیا لیستی را فراهم خواهد ساخت. این برنامه از لحاظ وسعت اراضی که در بر میگیرد و از نظر اهمیت است که در راست در واقع پدیده ای همطراز با بهره برداری از زمین های بکروبا میراست.

بدین ترتیب علمین و فاضلان با سیاست ارضی حزب کمونیست اتحاد شوروی را تفسیرات مثبت و عظیمی که در کمال و روزی انجام پذیرفته تا بیاید میکنند. یکی از نتایج عمده فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی طی مرحله اخیر و یکی از بهترین کامیابیها ی تمام مردم شوروی نیز در همین است .

سیاست ارضی حزب ما در ارتباط نزدیک با تمهید و تکامل هر چه بیشتر همگامی و وسط و تکامل همپوندی سوسیالیستی اقتصاد دی کهورهای عضو برای تمام و اقتصاد دی تمهید میگردند . تجسبات تجربه تولیدی بیگرفته و کامیابیهای علمی و فنی با عکال مختلف میان کهورهای سوسیالیستی بطور وسیع بسط و تکامل مییابد و مسائل مبهم صنعتی کردن جریان تولیدکنندگانی و روزی بر پایه بنای معاصر بطور جمعی حل و فصل میگردد . بویژه با بد موفقیتهای همکاری در رشته اصلاح نوا دنیا میا و پروری و نواع تازه گیاهان کفای و روزی را خاطر نشان ساخت . اقدامات فراوانی برای تهیه طرح ها و تکنولوژی متریکی و استفا ده از مدرنترین تکنیکها بعمل میآید .

تحقیق بیگیر بر نامه جامع همپوندی سوسیالیستی اقتصاد دی و تکمیل هر چه بیشتر اعکاسان و عیوههای همکاری در چهار رچوب شوروی تمام و اقتصاد دی برای تمهید و گسترش تقسیم بین المللی و سوسیالیستی کار بسودا ختمان سوسیالیسم و کمونیسم امکانات جدیدی فراهم میآورند .

# فرهنگ ، روشنفکران و طبقه کارگر

لوسی هایسو

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه

**بحران اجتناب - بحران فرهنگ .** بحران عمیق تمام رشته های زندگی را در کشورهای سرمایه داری و از جمله در فرانسه فرا گرفته است . این بحران گواه بر آنست که سرمایه داری نه تنها قادر نیست مسائل مبهم و مشکلات اجتماع معاصر را حل کند ، بلکه آنها را تشدید میکند . از جمله ، بطوریکه بحران انرژی نشان داد ، سیاست تاراجگرانه کمپانیهای بزرگ چند ملیتی با استقلال ملی کشورها و مجموع پیشرفت اقتصادی زبان وارد میآورد و تاثیرات شوش در وضع زندگی فرد فرد مردم باقی میگذارد .

بحران معاصر ، بحران تمام جامعه است . این بحران مولود سیستم اجتماعی است که در روزهای بقای آن بسر رسیده ولی هنوز از بین نرفته و راه را بر انقلاب علمی و فنی بسته است . بحران در هر چه فرهنگ نیز جمیع عواقب زیان بخش سیاست تاراجگرانه انحصارها را آشکار میسازد . ماهی یک چند نمونه از حقایق زندگی امروز مردم فرانسه را بر میشمردم . هنوز قانون تعدد صدی تحصیل اجباری برای اطفال تا ۱۶ سال بطور کامل به مرحله اجرا نرسانده که هیئت حاکمه پادشاهی اکثریت پارلمان قرار ی و تصویب رسانده است که سرمایه داران امکان میدهند از کار اطفال ( و سایر روافع بطور رایگان استفاده کنند . برای نخستین بار آن بخش از بودجه ملی که به انجام کارهای علمی اختصاص داده شده تقلیل مییابد . یکی از عواقب این اقدام آنست که موسسات بزرگ علمی ناچارند مود انجام برخی از پژوهشها را به تعویق اندازند و یا از انجام آنها بکنی صرف نظر نمایند . با آنکه فرانسه در رشته بهداشت یکی از عقب مانده ترین کشورهای اروپاست ، فرا گرفتن دانش پزشکی بطور جدی محدود میگردد .

آمار وارقامی که نشان دهند میزان گسترش فرهنگ میان توده ها است نیز بخاست اوضاع را نشان میدهد . از هر دو نفر انسوی یک نفر کتاب روزنامه نمیخواند . از هر چهار کارگر ، سه نفر از هر پنج دهقان ، چهار نفر هیچوقت کتاب بدست نمیگیرند . ۱۵ سال است که از تعداد کسانی که به سینما میروند کاسته میگردد و با وجود کوششی که کمیته های اجتماعی موسسات مختلف ، شهرداری ها و علافندان به ترتیب اول میدارند افرادی که به تئاتر میروند ، بویژه طی سال اخیر ، مرتبا تقلیل مییابد .

شخصی وجود ندارد که گواه وجود بحران در پیشرفت فرهنگ نباشد . حتی بناهایی که ماهیه فخر و میاهاست هستند ( بجاست یاد آور شویم که روز بروز تعدادشان کثرت مییابد ) ، مثلا ساختن آنی که در ولت در مرکز شهر پاریس به موزه بزرگ هنر معاصر اختصاص داده همه به مرکز کسوف استفاده میدهند شده اند . . .

سیاستداران مدافع منافع سرمایه بزرگ و همچنین حامیان آنها اذعانیه سواد آموزی و فرهنگ

وسیستم آموزش می‌تواند و علم را به انواع معاصر کبیره متهم می‌سازند . بورژوازی که دیگر قادر به ارائه سیستم های ایدئولوژیک بقیاس وسیع نیست ، حالت تدافعی بخود گرفته است . بورژوازی با افشاندن تخم شک و تردید و متهم ساختن افراد جد آگانه و تبلیغ اندیشه های قد روم ( فائالسم ) و هجرتوانی جمعی و یا مباحی و پستیانی از شورهای نیهیلیستی بمثابة آخرین تدبیر آخرین علاج می‌کوشد افکار توده های مردم را منحرف ساخته و مانع از درك فزاینده و علل بحران گردد . کسانی که سلولیت " فرهنگ رسی " را بهمهده دارند ، بقیاس هرچه وسیع تر از شیوه های رژیم های د ستیزی و تشویق و فشار استفاده و نمود و میزان بودجه های لازم برای پیشرفت را محدود تر میکنند . در نتیجه آزادی بیان ، آزادی خلافت و جویندگی همك سخن خود حق استفاده از فرهنگ بخطر میافتد .

وضع روشنفکران و موضع حزب

در چنین اوضاعی وضع روشنفکران هرچه دشوارتر میگردد . اکثریت بزرگی از آنان اینك مانند دیگر زحمتکشان سبب فروش کار خود شد مبهورت کارگران مزد بگیرند آمده اند . فکری پیدا کردن کار دشواریهای تغییر تخصص و آماده شدن برای کاری دیگر برای آنان نیز از گرفتاریهای روزمره است . آنان نیز از بار سنگین مالیاتها ، معضل مسکن و وسائل حمل و نقل شهری و بالاخره از بدتر شدن شرایط زندگی در رنج و هذابند . برای دارندگان مشاغل آزاد اغلب اوقات تنهایی آزادی و آنهم آزادی وابستگی به بانکها و گروه دلالان باقی میماند .

روشنفکران نیز مانند تمام زحمتکشان با عواقب تضاد اساسی نظام سرمایه داری دستگیر می‌نمایند . این درگیری بشکل ویژه ای انجا میشود ولی اجتناب ناپذیر است . زیرا امروز حتی خود پیشرفت حرفه های مختلف ، رشته های دانش و علوم گوناگونی که روشنفکران با آنها سروکار دارند نیاز به تغییرات عمیق در تمام جامعه دارد . تقسیم روز افزون و مستمر کار رشته های علوم ، تکنیک ، پزشکی و هنر را نیز شامل میشود . این امر موجب پیدایش احتیاجات جدید میگردد و پیش از هر چیز نیاز به فراگرفتن دائمی رشته های تازه علوم و ایجاد آنچنان کلکتیوی از کارکنان علمی را بوجود میآورد که بتوانند بهترو و بیشتر تر از تمام وسائلی که در اختیار مشخصان قرار دارد استفاده کنند .

در اجتماعی که شالوده آن بر تلاش برای بدست آوردن سود استوار است افراد متخصص و کارشناس سطحی و محدود پرورش میابند . در حالیکه درست بعکس ، تقسیم کار تکنیکی معاصر نیاز به هدایت تخصص یافته جریانهایی پژوهش علمی و تدارک و تطبیق آنها در عمل دارد .

موضع حزب کمونیست فرانسه در این شرایط از چه قرار است ؟ برای کمونیست های فرانسه تاثیر سیاست فرهنگی موضوع درجه دومی نیست . ما با تئوری فرهنگ بمنزله " مرموم روح " بانویی وسیله قرار و واقعیت میخوردی و فراموشی و نظیر اینها که آندرها را تبلیغ میکند ، موافق نیستیم . بنظر حزب کمونیست فرانسه ، سیاست در رشته فرهنگ با سیاست اجتماعی و اقتصادی بیك واحد کل را تشکیل میدهند ، سیاست در رشته فرهنگ جز ناگسستگی سیاست کلی است . لیت اردیدگاه حزب کمونیست فرانسه فرهنگ تنها عبارت از هنر و ادبیات نیست ، علم ، فن ، و فعالیت های تخصصی ، کار جسمی هم جز فرهنگ است ، فرهنگ از مشخصات تمام مناسبات انسان ساز زندگی روزمره آنهاست . در جامعه طبقاتی کلاسیک مناسبات در آخرین تحلیل وابسته به استثمار اند ، بناچار فرهنگ هم تحت تاثیر استثمار ، رنگ و نشان استثمار را بخود میگیرد . حزب کمونیست فرانسه بر این عقیده است که پیشرفت فرهنگ باید در مسیر افکنده شود که پاسخگوی امکانات و سطح دانش معاصر باشد و بنا بر این تدبیرهای مردم و مضاف ملی مطابقت کند .

فرهنگ نه وسیله ای تجلیسی ، نه کالا ، نه وسیله تفریح و سرگرمی زمینها پرستان است و نه چاره ای برای حفظ تعادل قوای روحی . این يك ضرورت حیاتی است که بر اهمیت آن برای انسان ملت و جامعه هرچه بیشتر افزوده میگردد . ایجاد نظام دموکراتیک و کوشش برای پیشرفت آن وسیله ساختمان سوسیالیسم موجبات پیشرفت شکوفان فرهنگ را فراهم میآورد .

حزب کمونیست فرانسه در تعیین سیاست خود در رشته فرهنگ از سنت های بسیار کهن پیروی مینماید . باید یاد آور شویم که این حزب در کشوری پدید آمده است که مبارزه در راه آموزش و پرورش ، فرهنگ و دموکراسی و ترقی اجتماعی طی دو قرن با هم ارتباطی نزدیک داشته اند . حزب کمونیست فرانسه وارث کمون پارسی است که بساطت فرهنگی ، دانش و هنر بسیار اهمیت میداد . در سال ۱۹۳۶ در دوران فعالیت جنبه خلق سیاست کمونیست ها در رشته فرهنگ نه زائد بلکه بخش مهمی از سیاست کلی آنها را تشکیل میداد .

اتحاد طبقه کارگر و روشنفکران

تاریخ حزب ما ارتباط ناگسستگی با نام نمایندگان روشنفکران فرانسه مانند وایان کوتوریه ، هانری باروس ، آنا تول فرانسر ، لوز ، بیگاسو ، لائون ، ژولیو کوری ، وایون و پلیمتر دارد . در هر يك از مراحل مهم تاریخ آن " زمان بنیانگذاری حزب ، جنبه خلق ، دوران اشغال و آزادی فرانسه ) نمایندگان برجسته دانش و فرهنگ در صف مبارزان طبقه کارگر جای میگیرند .

عضویت این نمایندگان روشنفکران در حزب کمونیست از جمله روشنگری مسائل زیرین است ؛ اولاً اعتراف آنان به نقش پشاهنگ حزب در تغییر و تحول انقلابی اجتماع که در جریان آن خود فرهنگ نیز دستخوش تغییرات ژرف گردیده و وحدت اکثریت عظیم مردم در میآید ، ثانیاً درك این مطلب که چنین درگونی و تحولی صرفنظر از دگرگونیها و بستگی به وجود اتحاد میان طبقه کارگر و بخش بزرگتری از روشنفکران دارد . این موضوع به دقیق ترین وجهی در سال ۱۹۳۶ در هشتمین کنگره حزب کمونیست فرانسه فرمول بندی شد ؛ این نظریه علمی که نقش طبقه کارگر با بنای صاحب اختیار آینده ملت آشکار میسازد با تکیه بر مریس تو روز تحقق پذیرفت .

سیاست اتحاد طبقه کارگر و روشنفکران امروزه نیاز مبرم و همیقتری مبدل میگردد . والدك روشنه کمی بعد از حوادث مافه سال ۱۹۶۸ نشان داد که چنین اتحادی از مسائل درجه اولی است که آینده جنبش دموکراتیک و انقلابی در کشور ما تا حد زیادی به محل آن بستگی دارد .

در واقع نیز بر تعداد روشنفکران اینك بسیار افزوده شده است . نقش آنان در تولید بطور مستقیم و بلاواسطه افزایش یافته است . تعداد هرچه بیشتری از نمایندگان روشنفکران با پیشه ها و حرفه های گوناگون به پرورش کار تولیدی جلب میشوند و این خود موجب بالا رفتن ارزش و اهمیت آنها در زندگی اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی میگردد . طبقه کارگر و روشنفکران طی دوران تاریخی طولانی در روند انقلاب بدین ترتیب نقش مختلفی ایفا خواهند کرد ، ولی هر دو این نقش ها در ماهیت امر متوجه هدف واحدی است .

از زمان روشنفکران گروه بندی سان و تکنیسین ها ، همانند طبقه کارگر رهسرم کاری تولید سرمایه داری قرار دارند . این گروه بلاواسطه ماهیت استثمارگرانه این تولید را با پوست و گوشت خود احساس میکنند و اکثریتش بدین نسبت به اختلاف ثروتهای ملی و شیوه های بوروکراتیک و دستوری ادار امور از خود نشان میدهد و قادر است سهم خود را در مبارزه در راه اعتلای جنبش دموکراتیک ادانماید . سایر قشرهای روشنفکران نیز میتوانند فعالیت مستقطن را آغاز کرده و موفقیت هایی بدست آورند ، البته این در صورتی است که آنها مجموعه فاکت های زندگی اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی را بحسباسب

آوردند. بودجه دولت و خدمات عمومی، سیاست دولت در زمینه بهداشت و فرهنگ و اوقاشی سسوه استفاده از اموال غیر منقول، اینها همه بلا واسطه به عرصه فعالیت آنان مربوط میگردد.

اینک تعداد هرچه بیشتری از نمایندگان روشنفکران قربانی سیاست گروههای بزرگ انحصار داران برجاستح میگردند. باین ترتیب نزدیکی منافع و اتحاد تمام روشنفکران با دیگر زحمتکشان، نفعشما با خاطر مبارزه با سرمایه داری بلکه منظور تحقق گذار به جامعه معنوی، به یک واقعیت تبدیل میشود. مناسبات و موضوعات همکاریگر نسبت به روشنفکران در واقع مناسبات میان نیروهای سیاسی اندازه مهم اجتماعی است.

پشتیبانان کمونیستها چیستند؟

بورژوازی بزرگ با درک این موضوع بگانه را محل را در حفظ سلطه ایدئولوژیک خود بر روشنفکران میداند، زیرا روشنفکران در عین آنکه قشری از اوقاش را اجتماع را تشکیل میدهند، نوعی وسیله تاثیر ایدئولوژیک در توده های مردم نیز میباشند. از این نقطه نظر کارگزاران سیاسی و ایدئولوژیک میسر روشنفکران اهمیت ویژه ای کسب میکند.

حزب کمونیست فرانسه در زمینه مسائل سیاسی به روشنفکران و عوام زحمتکشان برنامه مشترک دولتی را که حزب کمونیست، حزب سوسیالیست و رادیکال چپ امضا کرده اند عرضه میدارد.

این برنامه مشترک دولتی، برنامه ایست که به سود فرهنگ نیز میباشند. دلیل آن بهتر از هر چیز این است که سیاست اجتماعی مندرج در آن شامل چنان تدابیری است که انجام آنها سه زحمتکشان امکان میدهد تا بهترین زندگی کنند و به نابرابری های اجتماعی پایان میدهد و راه را برای تحصیلات متوسطه و عالی اکثریت بزرگی از کودکان کارگران و کشاورزان میگشاید.

این برنامه در عین حال بسود فرهنگ نیز هست زیرا سیاست اقتصادی که در آن پیش بینی شده به پیشرفت دانش و فن کمک میکند و آنرا از سلطه قوانین بهره و منفعت آزاد مینماید. مبالغه نخواهد بود اگر گفته شود تدابیری که برای ملی کردن در این برنامه در نظر گرفته شده در عین حال یکی از تدابیر عمده برای پیشرفت فرهنگ مندرج در برنامه است.

این برنامه از این نقطه نظر نیز که بنا بر اهمیت خود در موکراتیک میباشد بسود فرهنگ خواهد بود. شرکت واقعی تمام مردم در اداره امور و تمام رشته های زندگی اجتماعی و مسئولیت شدیدی هر فرد بنوع خود انگیزه فرهنگی نیز میباشند که به نیاز روز افزون به کسب اطلاعات، معلومات و تبادل نظر بستگی دارد. بالا رفتن سطح مسئولیت هر فرد در برابر اجتماع بیکی از ضامن های آزادی میسران و خلافت و امکان برخورد عقاید تبدیل میگردد.

در شرایط کاملاً نپس در موکراسی اقتصادی و سیاسی مجموع تمام فعالیت های فرهنگی هدیه و مضمون تازه ای کسب میکند. تدابیر ویژه ای نیز که در برنامه پیش بینی شده و بیان نزول آنها تا مین شرایط مساعد برای شکفتگی فرهنگ، تضمین آزادی خلافت و ایجاد شرایط مادی و اجتماعی برای پیشرفت تمام روشنفکران میباشد به این امر کمک خواهند کرد.

حزب کمونیست روشنفکران را برای انجام عملی برنامه مشترک دعوت به وحدت با تمام زحمتکشان میکند. فقط جنبش نیرومند اکثریت مردم برای تحقق آن امکان فراهم میآورد. روشنفکران در این جنبش نقش خاصی بعهده دارند. روشنفکران بخش جدانشناختناپذیر چنان وحدت توده ای هستند که کمونیست ها از آن طرفداری میکنند و طبق همکاریگر هسته مرکزی آنها را تشکیل میدهد.

خواسته های توده های مردم برای یک زندگی بهتر و پیشگام در موکراتیک با فعالیتات روشنفکران در باره شرایط جدید کار و ره میآید. مبارزه در راه ارضای خواسته های مردم از مسکن و وسائل حمل و نقل

و بهداشت و شهر سازی و آموزش و پرورش تا بهبود شرایط کار و کیفیت زندگی امکانات زیادی بسترای فعالیت روشنفکران فراهم میآورد. فعالیت توده های مردم در روشنفکران وابسته به یکدیگر است و هدف از آنها مبارزه بر ضد سیاست انحصارات سرمایه داری و ایجاد تغییرات بنیادی در آنست.

خط مشی حزب در عرصه ایدئولوژیک در سال ۱۹۶۶ در پنجمین کمیته مرکزی در آژانته تعیین گردید. این خط مشی که از نوبت آزمایش زمان بد آمده امروز نیز پایه فعالیت کمونیست ها و سازمانهای حزبی را تشکیل میدهد. مثلاً پس از حوادث سال ۱۹۶۸ یعنی زمانی که گرایش "واید کردن بیشتر از حد سیاست و فرهنگ"، یعنی گرایشی که ایستادگی در برابر آن لازم بود، پدید آمد، مایکبارد یگر تصریح کردیم که خلافت هنری را منحصر به سنجش سیاسی کردن بمعنی فقر هنر و سیاست است. در عین حال ما مخالف با تئوری رایج بیطرفی و غیر حزبی بودن واهی فرهنگ هستیم. امروزه بر میزان کوششهایی که به پشتیبانی هیئت حاکمه برای یافتن تعریفی برای هنر رسمی بعمل میآید تا خلعت حقیقی اصلی آنها زیر نقاب مد رنیم پنهان نمایان، افزود میگردد.

حزب کمونیست بطور پیگیر خواستار آزادی خلافت و طرفدار لزوم جستجوی اشکال تازه فساس کتاب و گرایشهای گوناگون است. ولی التقاطیون از این قضیه غرسند نمیشوند، زیرا کمونیست ها در مسئله اهمیت خلافت در زندگی اجتماعی بهیچوجه نمیتوانند بی تفاوت و بیطرف باشند. بطور مثال برای فیلمی که مبارزه طبقه کارگرا را مینماید، یا حقایق را بهنگام تشریح جوارح جسمی نظیر جنبش مقاومت تعریف مینماید، حتی اگر از نظر هنر سینما نیز کیفیت آن مورد تأیید باشد نمیتوان ارزش مثبت قابل گردید.

موضع حزب در پنجمین کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه در آژانته در این مورد چنین معین شده بود: "پیشرفت دانش نیاز به بحث و پژوهش دارد. حزب کمونیست تصمیم ندارد مانع چنین بحث هائی گردد. ما حقایق انبیش معلوم و مشخص شده ای را بر کسی تحمیل نمائیم و با بطریق اولی از بحثاتی که میان کارشناسان جریان دارد جلوگیری بعمل آورد.

خلافت علمی بدون پژوهش و جستجو، بدون وجود جریانها و مکاتب گوناگون و برخورد میان آنها بی معنی است. حزب فعالیت و دستاورد های روشنفکران خلاق را در پیشرفت ترقیات جامعه بشری، دستاوردی را که برای کسبان آزادی اندیشه و تصور، ذوق و نوآوری بکار گرفته شده، ارج می نهد و از آنها پشتیبانی میکند. حزب میکوشد تا روشنفکران خلاق مواضع ایدئولوژیک و سیاسی طبقه کارگرا درک نموده و از آن حمایت کنند".

کمونیست ها باین دلیل که کوشش خود را متوجه بدست آوردن آزادی واقعی و اصل و شکفتگی فرهنگ نموده اند در موضع تعرضی قرار دارند.

درک ما از انقلاب فرهنگی

در دو سال گذشته حزب ما بیست و پنجمین سالگرد مجله "نول کریتیک" را برگزار نمود. رولان لوروا، عضو بورژوازی سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه ضمن سخنرانی خود در مینگی که بدین مناسبت تشکیل یافته بود در باره بسیاری از مسائلی که اکنون برای کمونیست ها مطرح است سخن گفت و موضع حزب کمونیست را در امر ساختن سوسیالیسم یعنی مسئله ای که نه تنها در فرانسه بلکه در تمام کشورهای سرمایه داری در دسترس قرار گرفته تشریح کرد.

ضمن اشاره به مسئله انقلاب فرهنگی که در باره آن اینک بسیار مینویسند و گفتگو میکنند این موضوع را بدقت روشن کرد که انقلاب سوسیالیستی مجموع انقلابهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک نیست. اوگت: "انقلاب جریان واحدی است که اجزاء متشکله آن با سرعت های مختلف

بیشرفت میکند ، ولی نیروی محرکه آن در تحلیل آخر انقلاب در هرصه مناسبات تولیدی است که بشر پایه پیشرفت نیروهای مولده که باور فنی به گسترده ترین شکل اجتماعی شدن تولید می انجامد صورت میگیرد . هیچوقت انقلاب فرهنگی مجزی وجود نخواهد داشت ، همانطور که انقلاب هم گنه با انقلاب فرهنگی آغاز شود وجود خارجی ندارد . ایدئولوژی و فرهنگ از اعناق زندگی اجتماعی که متشکل آنهاست سرچشمه میگیرند . انقلاب در هرصه مناسبات تولیدی جای انقلاب در ایدئولوژی و فرهنگ را نمیگیرد ولی چنین انقلابی ضروری است ، زیرا بدون آن هر انقلاب ایدئولوژیک و فرهنگی به آرزوینداری بوج و با بازی مبدل میشود .

انقلاب فرهنگی استعداد ها و نیروی خلافت زحمتکشان را آزاد میکند ، درهای دانش و فرهنگ را بروی طبقه کارگرتود های مردم میگشاید و امکان اشتراك روشنفکران را در اموزی کهسود تمام اجتماع است گسترش میدهد . به رهائی مناسبات اجتماعی از تضاد میان کارجسی و فکری کمک میکند ، در برتواستفاده از علوم در تمام رشته های زندگی پژوهش و نوآوری را توسعه داده و نه خلاقیت ادبسی و هنری نیروی تازمی بخشد . سوسب الیم شرایط لازم را برای پیشرفت کامل روشنفکران و تمام زحمتکشان در زمینه های اجتماعی ، فکری ، اخلاقی و سیاسی فراهم میآورد .

مبارزه در راه برآوردن خواستهای روشنفکران ، کوشش در راه کشف آنان برای درک علل عمیق همبستگی با طبقه کارگر و احراز مقام شایسته در جنبش بزرگ تاریخی که در حال پیشرفت است یکی از عناصر مهم فعالیت حزب کمونیست فرانسه را تشکیل میدهد .

هزاران تن از نمایندگان روشنفکران در صفوف مسزب ما هستند . آنان نیز از همان حقوقی برخوردارند که سایر اعضای حزب دارند و وظایف آنها نیز نظیر وظایف دیگران است . آنان تنها افرادی هستند که میتوانند کار لازمی را که بطور جدائی ناپذیر به خرفه و تخصص آنان وابسته است ، هنر روزمیان همکاران خود انجام دهند . حزب شیوه های لازم و اشکال سازمانی را که بروشنفکران امکان میدهد تا به فعالیت شددی بپردازد تمام جنبش دست زنند مشخص کرده است .

در امر اتحاد طبقه کارگر و روشنفکران ، بدون تردید ، موفقیت هایی حاصل گردیده است ولی علاقه تعداد هرچه بیشتری از فرانسویان به درگیر گنجهای ژرف سیاسی نیاز به تحکیم و توسعه اینسن اتحاد دارد . کمونیستهای فرانسه بکار خود در انجام این وظیفه ادا نمیدهند .

## دیالکتیک کاهش تشنج بین المللی

### بان پرازسکی

سومین دیدار اتحاد شوروی و آمریکا در سطح عالی نیز ، مانند دیدار نخستین ، توجه فراوانی بحاف اجتماعی جهان را بخود جلب کرد . وسیلی از تفسیر و اظهار نظرهای گوناگون برانگیخت . امروز ، پرازسکی شدن چندین هفته از انتشار استانی که در مسکو باضا رسید ، یکسری موافقانه های جدید و صمیمی که میان اتحاد شوروی و ایالات متحد و آمریکا رد و بدل گردید بدقت بررسی میشود به بحث و مذاکره گذاشته میشود و مورد سنجش قرار میگیرد . اکثریت رجال دولتی و سیاسی و همچنین نمایندگان مطبوعات جهان نتایج مثبتان دیدار و نیروی محرکه ای را که به سیاست ادامه کاهش تشنج بین المللی بخشید ، یاد آور میشوند . البته این جریان کم اهمیت نیست .

روند کاهش تشنج وادی ساختن مناسبات بین المللی ، بنابه سرشت و ماهیت خود نیازمند به پیشروی است . این جریان میتواند متوقف گردد و یاد ریجارد رجا بزند ، زیرا هرگونه تعلل و هسر وقفه ای در پیشرفت فزاینده آن خطرناک است به عقب راد برودارد و خطرات بود " جنگ سرد " را فراهم میآورد . محققان مخالفان کاهش تشنج ، بهیمن سبب در آستانه آغاز این دیدار میگویند که تا به انواع و سببها نسبت به نتایج ممکنه آن بدبینی ایجاد کنند . این واقعیت که مذاکرات توتنی شوروی و آمریکا در سطح عالی برای برداشتن گامهای جدیدی بجلود و پیشرفت مناسبات اتحاد شوروی و آمریکا امکان فراهم ساختند و به بافتن راحل برای معضلات فراوانی که صلح همگانی و امنیت خلقها وابسته به بد آنهاست کمک کردند دارای اهمیت بیشتری است .

در قرارهای بیرونی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، هیئت رئیسه شورای عالی و شورای وزیران اتحاد شوروی که فعالیت هیئت نمایندگی اتحاد شوروی را در مذاکرات با ایالات متحد و آمریکا تأیید کرده اند ، با حقانیت کامل گفته شده است که این مذاکرات " گام بزرگ و تازه ای در بهبود مناسبات شوروی و آمریکا است و به کاهش بیشتر تشنج بین المللی و برقراری اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای سیستم اجتماعی گوناگون در مناسبات بین المللی کمک میکند و تمام آنها بپردازد خلقهای اتحاد شوروی و ایالات متحد و آمریکا بپردازد استواری صلح در تمام جهان است " . در این اسناد باخشنودی قید شده است که در برتوانجام عملی بگیری برنامه صلحی گسیه بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی بتصویب رسانیدن و سال اخیر در مناسبات شوروی و آمریکا چرخش مثبت بنیادی پدید آمد .

بطوریکه از اظهار نظرهای متعدد رهبران کشورهای سوسیالیستی برآمد آنها نیز ارج فراوانی نتایج مذاکرات شوروی و آمریکا در سطح عالی تأیید میکنند و آنرا پربروزی مشترک سیاست صلح دوستانه سوسیالیسم میدانند .

احزاب براد کشورهای سرمایه داری نیز از کوششهای اتحاد شوروی که هدف فشان برقراری اصول همزیستی مسالمت آمیز در مناسبات بین المللی و برطرف ساختن خطرات جنگ جهانی هسته ایست پشتیبانی میکنند . بطور مثال ، گس هال ، دبیرکل حزب کمونیست ایالات متحد و آمریکا این نظر

راتابید میکند که مبارزه در راه کاهش تشنج بین المللی اقدام فوق العاده مهمی برای راهشسی جهان از جامعه هسته است . او میگوید ، کاهش تشنج صرفنظر از مسائل دیگر ، بتحکیم موضع تمام نیروهای مترقی کف میکند . زیرا کاهش تشنج اکثر تالیف " جنگ سرد " است که با آغاز آن ارتجاع و نزاد پرستی جان میگیرد ، تعقیب و آزار دموکراتها شدت مییابد ، قوانین ضد کارگری مورد اجسرا گذار میشود و آنتی کمونیسم رواج داده میشود .

ارگان مرکزی کمونیست های فرانسه ، روزنامه " اومانیته " چنین اظهار نظر کرده بود که سومین دیدار شوروی و آمریکا در سطح عالی " در تاریخ همزیستی مسالمت آمیز نظام همین امر از خواهد کرد " در واقع هادی شدن پیگیر مناسبات میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا تنها بسود خلق های شوروی و آمریکا نیست . در اوضاع و احوال دوران کنونی هیچ بنای صلح بین المللی بدون آنکه زیربنای قابل اعتمادی ، نظیر همکاری و اعتماد متقابل در کشورهای بزرگی که بکامل ترین وجهی تعاضدگر و سیستم اجتماعی عده دوران ما هستند ، داشته باشد ، نمیتواند محکم و پایدار باشد .

خدمت تاریخی حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی بتمام جامعه بشری در این است که علم مردم موانع و مشکلات به شمار ، آنها موفق شدند با قاطعیت برپویه " جنگ سرد " قلبه کنند و مناسبات شوروی و آمریکا را بمسیر جدید یعنی مسیر همزیستی مسالمت آمیز همکاری سوق دهند . احساس شوروی با استفاده از تناسب جدید و مساعد نیروهای جهانی برای امر صلح و وسوسه الهیسم ، توانست ایالات متحده آمریکا را وادار به واقع بینی و صرف نظر کردن از برخی دکترین های سیاست خارجی گذشته که مولود آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم کورکورانه بودند ، بنماید . ایالات متحده آمریکا با اضماعی

اسناد مربوط به اصول روابط متقابل با اتحاد شوروی در ماه مه سال ۱۹۷۲ ، بالاخره مجبور شد پذیرفتن این واقعیت شد که " در عصر ما ، اساسی برای اینکه با اتحاد شوروی مناسباتی غیر از همزیستی مسالمت آمیز داشته باشد ، وجود ندارد " . منطبق همزیستی که برتری همکاری را آشکارا نشان داده بود ، از همان زمان رهبران آمریکا بر آن داشت تا گام دیگری ببلورند و از این اصل موافقت نمایند که غیر قابل بازگشت نمودن پروسه کاهش تشنج امری ضروری است . یکسال پیش اتحاد شوروی چنین اندیشه را مطرح ساخت و ما امروز آنرا در راهنامه مشترک شوروی و آمریکا مورخ سوم ژوئیه ۱۹۷۴ می یابیم . در این اعلامیه اعتقاد عمیق هر دو طرف " باین ضرورت مهم که جریسان به وجود مناسبات شوروی و آمریکا را میباید غیر قابل بازگشت نمود " منعکس گردیده است .

در این اواخر ما بارها شاهد کوششهای برخی از رجال سیاسی بورژوازی و ارگانهای مخابراتی اروپای غربی بوده ایم که خواسته اند بر طبق اتحاد شوروی چیزی شبیه به " صحنه حسد ورزی " راه بیندازند . توضیح آنکه اتحاد شوروی را متهم میکردند که گویا به پیشرفت مناسبات با ایالات متحده آمریکا توجه زیادی مبذول میدارد و میگوید بحساب کشورهای سوم با آمریکا به تقاضم متقابل برسد . حتی امروز هم کسانی پیدا میشوند که عادی شدن مناسبات اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا را " خطری " برای خود بشمار می آورند .

سوخت و خصلت مودبانان چنین نظریاتی کاملا روشن است . زیرا بهبود مناسبات شوروی و آمریکا تنها بخش مهمی از پروسه گسترده کاهش تشنج بین المللی است که بابتکار اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و به پشتیبانی جنبش کمونیستی بین المللی و معاضد مترقی جهان آغاز گردید و راه پیوستن بدان برای تمام کشورهای بازااست . چه کسی نمیداند که همزمان با پیدایش چرخش بنیادی مثبت در مناسبات اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا ، چرخش مثبتی که نسبت کمی از آن ندارد ، در مناسبات اتحاد شوروی با جمهوری فدرال آلمان پدید آمد ؟ آیا روابط سرد یک دوستی که بین اتحاد شوروی و فرانسه سال بسا استوارتر نمیکرد ؟ هر همکاری شریکتر بسا

ایتالیا ، اتریش ، ژاپن و کشورهای بزرگ و کوچک متعدد دیگر را جمع می کنید ؟ بالاخره این نیز واقعیتی است که محیط مناسبات بین المللی بطور کلی بهبود یافته است . . . خیر ، برای کمترین " حسد ورزی " ، کوچکترین دلخیزی وجود ندارد . لغاطی بی معنی درباره خاطر " سازش شوروی و آمریکا " ( یا مترجمه از زبان چینی " - سازش و ابرنبروز " ) اکنون نوعی از آنتی سوسیالیسم مدرن و زود است که اغلب از آن برای پنهان کردن عدم تمایل به پیوستن به روند کاهش تشنج بین المللی استفاده میشود .

در جریان سومین دیدار شوروی و آمریکا در سطح عالی و بلافاصله پس از پایان آن تمام اسنادی که از طرف شرکت کنندگان در آن باضا رسید و بود مانند قراردادها ، موافقتنامه ها ، پروتکل ها و اعلامیه ها و بیانیه های مشترک بطور گسترده انتشار یافت . این امر ضرورت تشریح مفصل قراردادی بتصویب رسیده و از زمین میبرد . اما تشریح و تکرار مجدد این موضوع که در همکاری ، که از همان آغاز این مرحله از مناسبات شوروی و آمریکا چشم می خورد در تمام جبهات بدون استثنا " پیشرفت حاصل شده حائز اهمیت است . بسیاری از وظایفی که تا همین در گذشته بعهد گرفته بودند در این دیدار مشخص تر شد و بزبان پراختک فرمول بندی گردید و برنامه ای هم برای آینده در نظر گرفته شده است . در باره ابتکارهای جدید و مهم و تشبیه موافقتنامه های تازه می بسنجیم که توافق حاصل گردیده است . این اقدام کاری را که در جریان هم رسد دیدار شوروی و آمریکا در سطح عالی حفظ شده ، تمام کسانی که میخواهند درباره مفاسر کاری که انجام گرفته بد رستی قضاوت نمایند ، بدون تردید بایستند بخاطر بسیارند .

رفیق بیزوف در سخنرانی خود در جلسه پرشکوه پارلمان جمهوری توده ای ایلیستان در ۲ ژوئیه سال جاری اساسی ترین و بهترین نتایج دیدار اخیر را با این اظهارات مشخص کرد : " بعقیده ما احدی مطالب در این است که هر دو طرف با روشنی کامل عزم راسخ خود را برای ادامه امر بزرگی که در سالهای ۱۹۷۳ - ۱۹۷۴ آغاز گردید پدیدار کردند و خاطر نشان ساختند که برای کاستن وسوسه بطور کامل از بین بردن خطر درگیری نظامی میان اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا که بمنزله آغاز جنگ موشکی - هسته ای جهانی میبود از هیچ فروگذار نخواهند کرد " .

در همین حال در جریان سرمایه داران و از جمله در خود ایالات متحده آمریکا ، مخالفان کاهش تشنج اکنون بی میل نیستند که خود را در نقش منفذین دیدار اسکو ، باین سبب که گویا باندازه کافی شریک نبوده ، جلوه گری سازند . عده ای از این خوششان نمی آید که مذاکرات با شوروی همان همراه نبود و در جریان آن هیچ سند " دراماتیکی " باضا نرسید . برخی دیگر از اینکه ، طبق تقاضای آنان نتیجه دیدار بسیار ناچیز بود و باقیل وقال اظهار " با منوسمیدی " میکنند .

این موضوع که عنوان " دراماتیک " برادارهای اسناد سیاسی شایسته است بانه قابل بحث است . باین وصف اگر از این اصطلاح استفاده کنیم ، بجزرات میتوان گفت که یک سلسله از اسنادی که باضا رسید و از جمله سند مربوط به امتناع در اوطلیان هر دو طرف از ایجاد دومین منطقه دفاع ضد موشک و یا مسدود ساختن " ابعاد قدرت " آزمایش های زیرزمینی را در واقع تمام و کمال از این منقلبه میتوان بشمار آورد . اما صحبت بر سر این موضوع نیست . همینکه سومین جلسه مشاوران شوروی و آمریکا و آنهم در ظرف دو سال ، دیگر بدون جار و جنجال تبلیغاتی برگذار گردید خود در واقع یک پدید آمدن کاملا هورا انگیز است . زیرا این امر گواهد بر آنست که در نیاچه زود به خصلت تازه و سازند مناسبات میان دو کشور بزرگ که تا همین چند پیش در مرحله باریک درگیری خطرناک بین المللی بود و سطح این مناسبات هادت کرده است .

در باره نتایج بدست آمده همینقدر میتوان گفت که طبیعت انسانی همیشه طالب افزونی و بیشتر

است . در مورد انسانهایی که برای نخستین بار در رها را می بینند و میگویند که بنظر آنها در رها  
 میتوانست با زهم کمی بزرگتر باشد . . . ولی بدون مزاج باید گفت : طبیعی است که اگر مجموعه  
 قرارهایی که در جلسه مشاوره در سطح عالی بتصویب رسید دامنه گسترده تری داشت بسیاری  
 میبود . بجاست گفته شود که برای این کار امکان هم وجود داشت . از جمله اتحاد شوروی پیشنهاد  
 کرد موافقتنامه ای منعقد شود که طبق آن تمام آزمایشهای زیرزمینی سلاح هسته ای کاملاً قطع  
 گردید و در باره خروج شهابکشی ها و زیر دریاچه های شوروی و آمریکا که حامل سلاح هسته ای اند از  
 درهای مدیترانه موافقت بعمل آید . متاسفانه فعلاً توافق بر سر این مسأله ممکن نگردید . باید  
 مشکلات ، پیچیدگی ها و حواشی معضلاتی را که روی هم انباشته شده بحساب آورد . ولی هرگاه در  
 نظر بنگریم که در دوران بهبود مناسبات شوروی و آمریکا در حقیقت چقدر کوتاه است وجه بزرگی را ،  
 " جنگ سرد " به ارث باقی گذارده میباشد بیشتر از این در شگفت بود که طی زمانی نه چندان دراز  
 چنتا بیخ فراوانی حاصل شده است .

نکته دیگری را نیز باید در نظر گرفت و آن اینکه اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا بدو سیستم  
 اجتماعی متفاو متعلق دارند ، روشیوه مختلف تولید و دو سیستم متفاوت مالکیت را عرضه میدارند و  
 بهمانگر منافع طبقاتی مختلفی هستند . در مناسبات اتحاد شوروی و آمریکا روشی جدید میشود کسبه  
 سیاست همزیستی مسالمت آمیز مبادرت از تعلق دیالکتیکی همکاری و مبارزه است . اتحاد شوروی و  
 دیگر کشورهای سوسیالیستی ، در همین دفاع از صلح و اندیشه همزیستی مسالمت آمیز و همکاری بین  
 المللی در حل مسألهای که منافع تمام جامعه بشری را در بر میگیرد ، از سیاست اصولی طبقاتی پیروی  
 مینمایند . هیچکس و در هیچ موردی نباید انتظار داشته باشد که آنها منافع سوسیالیسم ، طبقه کارگر  
 جهان و جنبش آزادی بشر طی خلقها را در محراب همزیستی مسالمت آمیز قربان نمایند . اما رو  
 طبقاتی اصولی در سیاست خارجی به پیچیده معنی نداشتن نرزش و عدم توانایی دریافتن راه حل  
 هایی که برای هر دو طرف قابل پذیرش باشد ، نیست . خود همین تجربه عادی ساختن مناسبات  
 شوروی و آمریکا نشان میدهد که چه نتایج بزرگی بدون صرف نظر کردن از مواضع طبقاتی و اصول عقاید  
 خود ، بتفصیح صلح و امنیت خلقها میتوان بدست آورد .

نیاید این را نیز نادیده گرفت که هرگاه در جهت کاهش تنش نیاز به بر طرف ساختن مواضع  
 بسیار دارد و در جریان مبارزه برداشته میشود . محافل بانفوذ امپریالیستی هم دوری خود را از سال  
 های تیره و تاریک " جنگ سرد " پنهان نمیکند . بمقیده آنان ، جنبش در راه عادی کردن مناسبات  
 بین المللی بدون این حرفها نیز با سرعت زیادی به پیش میروند و ایالات متحده آمریکا گویا به  
 " گذشتهای " فوق العاده ای بسوی اتحاد شوروی تن در میدهد . از گوشه و کنار عادی اعتراضی  
 سیاستمداران مرتجع بگوشه میرسد که به " متوقف کردن " روند کاهش تنش بین المللی و مشروط  
 ساختن آن با قید و شرط هایی که با آگاهی قبلی برای کشورهای سوسیالیستی غیر قابل پذیرش باشد  
 دعوت میکنند .

دلالتان مختلف سیاسی صد اصدای هم داده ، پیشنهاد میکنند که کاهش تنش را باید  
 " گران تر بفروش رسانند " ، باید اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی را مجبور  
 کرد تا در مقابل کاهش تنش ، با گذردن درجه های سد برای نفوذ ایدئولوژی بورژوازی ، در زمینه  
 ایدئولوژی گذشتهاش بکند . برای ایجاد این تصویر که جنبش حساسیتهای گویا شانس موفقیت دارند  
 این روایت نادرست را رواج داده اند که اتحاد جماهیر شوروی و جهان سوسیالیسم بطور کلی گویا  
 نیاز فوق العاده به " تکنولوژی و کالا های غریب " دارند و درازای آنها برای هرگز شش آماده اند .  
 آلازم است بگوئیم که سازندگان این جعلیات افترا آمیز صاف و ساده خود را بگمان راقرب میدهند !

همینند اند که اتحاد شوروی حتی در دشوارترین روزهای تاریخ خود تحت تاثیر شاناز امپریالیست  
 ها قرار نگیرد . هر امروز بخشی دورانی که جهان سوسیالیسم درین شکستگی اقتصاد و نیروی  
 علمی و فنی است ، این شاناز کنندگان روی چه حساب میکنند ؟

**باید یاد آور شد که نه فقط رجال جهان سرمایه داری که خود پسندی طبقاتی آنها را کور و کور  
 ساخته برای درک ناگزیر های سیاست خارجی سوسیالیسم و علاقه شدید آن به آرمانهای صلح و  
 همکاری میان خلقها از خود بی استعدادی نشان میدهند . این روزها همانا سرنگارنگ چپ گرامانند  
 تر و سوسیالیست ها ، آثار همیست ها ، مائویست ها و دیگر نمایندگان جریانهای افراطی چپ نیز همین  
 بی استعدادی را از آنها هم میمانند . برای آنان هم دیالکتیک روند کاهش تنش بین المللی یعنی  
 تلفیق همکاری و مبارزه کتابی است که در هر هفت در بسته مهر موم شده . آنان که از درک ویژگیها  
 و خواستههای این لحظه تاریخی عاجزند از تمسک و اقترا نسبت به اتحاد شوروی و دیگر کشورهای  
 سوسیالیستی دست برنمیدارند و آنها را به " اردست دادن روحیه انقلابی " ، افتناع از پشتیبانی  
 نیروهای انقلابی ، " ساخت و پاخت " با امپریالیسم و دیگر معامی کبیره متهم میکنند . سیاست  
 همزیستی مسالمت آمیز بنظر آنان چیز دیگری غیر از تسلیم بدون قید و شرط در برابر دشمن طبقاتی  
 نیست .**

" قهرمانان جلات چپ " معاصر بهیچ طریقی نمیتوانند از این مسئله سرد آورند که در اوضاع و  
 احوال تاریخی که پیش آمده مهمترین وظیفه انقلابیون جلوگیری از افتاد همستفا و جهانی و جناسی  
 موجودیت فیزیکی خلقها از سو " قصد امپریالیسم است . زیرا در غیر اینصورت تمام گفتگوها در باره دورنا  
 آزادی ملی و اجتماعی آنان به حرفی بروج و بی معنی مبدل میگردد . کوشش برای در نقطه مقابل  
 یکدیگر قرار دادن سیاست انسانی و ضد جنگ بگان های پیشرو طبقه کارگر جهانی با هدفهای فاشی  
 طبقاتی اوتها گواه نادانی و یا جعل و تحریف آگاهانه آن " شورسین های " چپ نمایی است که باین  
 کار اشتغال دارند . کمکهای سوسیالیسم به دیگر نیروهای انقلابی هم به اندازه کافی و حقیقتاً وسیع  
 معلوم است و کذب جعلیات فتریان دیگر ارزش ندارد . فیدل کاسترو به تمام کسانی که اتحاد شوروی  
 را بخاطر اینگونه اظهار مبارزه ضد امپریالیستی سر باز میزند تنقید میکند ، جواب خوبی داد و گفت فقط کافی  
 است آنها از خودشان بپرسند نیروهای رهائی بخش در آفریقا و آسیا و آمریکا لاتین از کجا اسلحه  
 بدست میآورند .

عدم درک سرشت دیالکتیکی پیرویه کاهش تنش بین المللی گاهی نیز گرایشهای اپورتونیستی  
 راست یعنی سهل انگاری و فراغ خاطر نسبت به نیروهای امپریالیستی بوجود میآورد . سخت جانی  
 اندیشه " همگرافی " دو سیستم از جمله دلائل اثبات این قضیه است ، اگرچه حالا دیگر اینطور بنظر  
 میرسد که برای همه باید روشن شده باشد که تهیه یک کوکتیل از سرمایه داری و سوسیالیسم همانقدر  
 غیر ممکن است که تهیه یخ گرم .

گاهی ما با انواع دیگر تضمرهای نادرست کاهش تنش بین المللی وادی شدن مناسبات میان  
 اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا نیز برخورد میکنیم . برخی از رجال کوتاه بین کشورهای در حال  
 رشد آماده اند چنین نتیجه گیری کنند که گویا دوران قطبیت نیروهای طبقاتی در عرصه بین المللی  
 بسر رسیده ، گویا اختلاف اصول میان سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری از زمین  
 رفته و حالا دیگر با احساس امنیت کامل میتوان در آغوش این بیان کشور امپریالیستی جا گرفت .  
 تردیدی نیست که خود زندگی و سیاست عملی بالاخره چنین پندارهائی را بر طرف خواهند کرد .  
 ولی تا آنوقت این قبیل نظریات میتوانند زبانهای بسیاری وارد آورند ، بویژه اگر کوشش شود تا یکسک  
 آنها توده های مردم را بفریبند .

حوادث دوران اخیر برای خلقها بمنزله هشداریهاست بود تا در پابند که در اوضاع واحوال کاهشی  
تشنج بین المللی سیاست امپریالیستی بخورد و او آیمتن خطر ارتجاع و تجا و راست . وقایع قبرس  
و آنچه در اطراف آن میگردد حلقه دیگری از این زنجیر هشداریهاست بود . این وقایع روش درستیست  
اتحاد شوروی را که خواهان تعمیم کاهش تشنج در مقیاس جهانی است بار دیگر تایید نمودند .  
شورش نظامی فاشیستی که وسیله خونریزی آتن در قبرس ، برای افتاد و عملیات جنگی ناشی از آن  
بارد یگر نشان دادند که صلح در یک سلسله از مناطق کره زمین تا چه حد شکننده و بیقرار است .  
نقش خطرناک پیمان تجا و کارخانه آتلانتیک شمالی که مدتهاست کمونیست ها آنرا خاطرنشانیان  
ساخته اند ، یعنی نه فقط نقش مرکز مقاومت در برابر کاهش تشنج بین المللی ، بلکه نقش سازمان  
دهنده تحریکات خطرناک نظامی - سیاسی آن نیز باشدت بیشتر نمایان گردید . استقلال  
قبرس همواره بمنزله خار در چشم ژنرال های ناتو بود ، زیرا آنها با این جزیره چشم پایگاه نظامی  
بالقوه خود میگریستند . تصادفی نیست که سابقه ناتو از همان آغاز بدین حال شورشیان فاشیست یونان  
که مخالف با دولت قانونی قبرس بودند در حرکت بود . ولی سردمداران ناتو ، با رساندن کار به مرحله  
ای که در عضو این پیمان را که دعوی ایفای نقش " صلح " را دارد ، در لبه پرتگاه جنگ پایکد یکسیر  
قرار دادند ، اشتباه سیاسی بزرگ و شاید جبران ناپذیری مرتکب شدند . اعتبار بلوک آتلانتیک شمالی  
که در واقع هیچوقت زیاد نبود ، اینک به پایین ترین حد تنزل کرده است . مسئله احیای هر چه سرچ  
تراستقلال قبرس و نظام دموکراتیک آن ، از بین بردن عواقب دشواری ، سیاسی و روانی شورش  
فاشیستی و عملیات جنگی که در جزیره به کارگردند نیز به مشکلات بریم بین المللی افزود و شد . باید  
چنین اندیشید که این جریان نیروی محرکه تازه ای به بارزه خلقها در راه صلح و از میان بردن تمام  
عواقب و بقایای " جنگ سرد " خواهد داد .

با وجود حملات گوناگونی که از راست و " چپ " به سیاست همزیستی مسالمت آمیز میشود ، کمونیست  
ها معتقدند که تنها این سیاست به بهترین وجهی پاسخگوی مقتضیات این لحظه و منافع بنیادی  
زحمتکشان است . اینکه از سیاست " تعرض صلح " کشورهای سوسیالیستی که ز پرپرچم کاهش تشنج  
بعقبایر وسیع عقب میگردند ، چنین پشتیبانی توده ای گسترده ای میشود ، نیز دلیل جزاینندارد .  
این پشتیبانی توده ای یکی از تضمین هاش است که بموجب آن جنبش در راه کاهش تشنج بدون وقفه  
پیش خواهد رفت و جهان از تنه بیراهه های " جنگ سرد " نخواهد افتاد . هشجاری ، آسادی  
دائمی برای مقابله با نیروهای تجا و کارخانه جسارت و قاطعیت در مبارزه در راه صلح و نگهداری و استحکام  
وضع نوین بین المللی - چنین است خواستزمان ما .

مجله " مسائل بین المللی " که هر دو ماه یکبار انتشار  
می یابد ، به تشریح مسائل شوریک و سیاسی جنبش جهانی  
کارگری اختصاص دارد .  
مدرجات این مجله از میان مقالات مجله " مسائل  
صلح و سوسیالیسم " که نشریه شوریک و اطلاعاتی احزاب  
کمونیست و کارگری و منمکس کننده نظریات و اندیشه  
های آن است ، انتخاب و ترجمه میشود .  
در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۹ و ۱۰  
( سپتامبر - اکتبر ) سال ۱۹۷۳ مجله " مسائل صلح و  
سوسیالیسم " بچاپ رسیده است .

خوانندگان عزیز !  
باین نشانی با ما مکاتبه کنید :  
P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

شماره حساب بانکی جدید مجله  
" مسائل بین المللی " :  
Berlin  
Deutsche  
Außenhandelsbank A. G.  
Konto-Nr. 9608-3131-0010

Druckerei des Verlages " Rudé Právo "  
P R Á H A